هفت صبح

ویژه آخر هفته

H A F T - E - S

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۳ اسفند ۱۴۰۳
۱۲ صفحه
شماره ۴۰۱۲
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

@haftsobh @haftsobh_news www.7sobh.com

هولناک و ترسناک از سالی که گذشت

بازخوانی شش پرونده عجیب جنایی در سال ۱۴۰۳

● تنوع بیشتر، تیراژ کمتر / نگاهی به وضعیت این روزهای صنعت کتاب که به تیراژ ۵۰ نسخه هم رسیده است ● چالش‌ها و خطرات خریدهای آخر سال / چگونه در معاملات قولنامه‌ای، پیش‌خرید مسکن، طلای آنلاین و فروش چکی یا غیرحضوری مثل یک دست و پاچلفتی در مسیر دهن کوسه نیافتیم ● از هر ۱۰۰ پرونده، ۴۲ پرونده با صلح به خاتمه رسید / رئیس مرکز حل اختلاف دستگاه قضایی می گوید ما ۳۵ هزار نفر را از زندان نجات دادیم ● پایان کابوس آسیا برای بیرو / این فصل از لیگ قهرمانان آسیا برای تراکتور به پایان رسید؛ البته با یک عملکرد انتقادآمیز از علیرضا بیرانوند ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

وداع با ۶ خودروی کاریزماتیک

اتمام عرضه خودروهایی جذاب از خاک آمریکا، آلمان و ژاپن از آغاز ۲۰۲۶ صفحه ۰۶ رابخوانید

کپی برابر اصل!

پنج یادداشت درباره خاطرات ما از مواجهه با ستاره‌ها صفحه ۰۹

ده چهره از سال بلوا

آنان که از سال ۱۴۰۳ در قاب ذهن ما نقش بسته‌اند

در بسته آخر هفته بخوانید:

● **تاریخچه مدرسه دارالفنون**
درباره مدرسه‌ای که امیرکبیر ساخت

● **امپراطوری جوراب‌های ابریشمی**
قصه‌های گمشده / پاورقی روزهای فرد

● **سکوت آسمان ادامه دارد**
درباره تراکتور و تندروها و باران تهران

● **پایان کابوس آسیا برای بیرو**
لیگ قهرمانان آسیا برای تراکتور به پایان رسید؛ البته با یک عملکرد انتقادآمیز از علیرضا بیرانوند

یوتیوبرها روی صحنه

با بهترین استریمرهای ایران آشنا شوید: از میاپلیز تا کوروش و ایمان

آریانا برازنده | سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ برای اولین بار مراسم جایزه برای یوتیوبرهای ایرانی برگزار شده بود. آنها این بار نه با تیشرت و هودی استایل‌های همیشگی بلکه با پوشش رسمی روی فرش قرمز حاضر شدند، عکس گرفتند، امضا دادند. درست مثل فوتوکال فیلم‌ها. با اینکه در این مراسم جایزه‌های زیادی رد و بدل شد اما باید در مجموع بهترین یوتیوبرهای ایران را در سه گانه میا پلیز، ایمان و کوروش خلاصه کرد که در چند دسته‌بندی مختلف نامزد شدند و چند جایزه بردند.

مهمان‌هایی با ۸۰۰ هزار دنبال کننده

مراسم در سالن همایشی با گنجایش حدودا ۱۰۰ نفر برگزار شده بود. البته یک مراسم خصوصی و عمدتا مردانه. از معروف‌ترین مهمان‌ها می‌شد به اهورا نیازی، سام صادقی، امیر فانتوم، بنیامین، سهیل سلبا، عمو داوود و نام‌های دیگری اشاره کرد که هر کدام از آنها از هزار تا ۸۰۰ هزار دنبال کننده داشتند. به نظر می‌رسد مراسم جایزه یوتیوب ایران را یوتیوبری به نام امیر-ای-زد برگزار کرده بود. او یک یوتیوبر با حدود ۴۰ هزار دنبال کننده است. از حرف‌های او اینطور مشخص است که مراسم اسپانسری نداشته و برنده‌ها با امتیازهای ۱۰۰ هزار نفر مشخص شده‌اند.

حالا برویم سراغ جایزه‌ها. در طول اهدای جوایز نام سه شخصیت چند بار تکرار شد. بیایید یکی یکی آنها را مرور کنیم. جایزه بهترین پادکست سال را «دگم نباش» گرفت که پادکست مشترک کوروش زراندوز و ایمان دست پاک دو یوتیوبر معروف است و ۱۵۰ هزار سابسکرایب دارد. آنها یک جایزه خیرخواه‌ترین محتواساز هم به «کومان» اهدا کردند. به جز این، «کومان» جایزه محبوب‌ترین کامیونیتی هم در این مسابقه دریافت کرد. «کومان» حساب یوتیوب همان دو نفر است. کانال یوتیوب آنها ۵۴۲ هزار سابسکرایب دارند. از قضا کوروش نامزد «میاپلیز» هم هست؛ یوتیوبر دیگری که در این مسابقه چند جایزه دیگر به دست آورد. میا با ۶۷۴ هزار سابسکرایب در این مسابقه برنده جایزه بخش IRL شد که همان مخفف در زندگی واقعی است. این بخش شامل ولاگ‌هایی می‌شود که یوتیوبرها در آن به زندگی روزمره‌شان می‌پردازند. هیات ژوری جایزه بهترین ویدیوی سال را هم به میا اهدا کردند. تندیس ویژه داوران و جایزه افتخاری برای تمام عمر (به یاد علی ژوپیروس، یک یوتیوبر دیگر که چند سال پیش فوت کرده) به میا پلیز تقدیم کردند. میا با نام واقعی کیمیا، ایمان و کوروش هر سه ساکن کانادا هستند و در این مراسم حضور نداشتند اما انحصار یوتیوب فارسی را در دست خود دارند.

بهترین ادیتور و دوناتون

در یوتیوب، افراد از قابلیت پخش زنده استفاده می‌کنند و مخاطبان می‌توانند از طریق دونیت کردن یا همان کمک مالی، حمایت خود را نشان دهند. از آنجایی که ما تحریم هستیم و دسترسی به واریزی‌های بین‌المللی نداریم، یوتیوبرها از راه‌های جایگزین برای دریافت کمک‌های مالی استفاده می‌کنند. هرچه یک یوتیوبر تعامل بهتری داشته باشد، دونیشن‌های بهتری می‌توانند جمع‌آوری کنند. امسال سام صابری توانست بهترین دونیشن را داشته باشد. به جز این جایزه بهترین گیمر هم به سام صابری داده شد. او جایزه بخش بازی‌های آنلاین هم با خود به خانه برد. سام صابری امسال رکورد بهترین خیریه هم زده بود و توانست هفته قبل با عبور از مبلغ ۵۱۰ میلیون تومان، رکورد جدیدی در استریم‌های خیریه ثبت کند. او این مبلغ را برای هزینه درمان یک استریمر دیگر جمع‌آوری کرده بود. این مسابقه یک جایزه برای بهترین محتواساز آموزشی هم داشت که به اسکیل وید با ۲۰۳K سابسکرایب رسید. در همین دسته محتوای بررسی هم می‌گنجید که همانطور که همه انتظارش را داشتند اهورا نیازی با ۲۹۱ سابسکرایب روی صحنه رفت و جایزه‌اش را گرفت. اهورا را احتمالا اگر در یوتیوب ندیده باشید، در اینستاگرام با ویدئوهای بررسی گوشی موبایل یا گجت‌های تکنولوژی دیده‌اید. ادامه در صفحه ۰۳

جزئیات سنوات، مالیات، عیدی

این گزارش را حقوق بگیران بخوانند؛ اطلاعاتی که دانستن آنها برای مدیران، کارگران و کارمندان ضروری است مخصوصا در روزهای آخر سال

فاطمه رجبی | روزهای آخر سال است، خیلی از حقوق بگیران دست کم بخشی از مطالباتشان را از کارفرما دریافت کرده‌اند، این روزها همچنین موعد تعیین میزان افزایش حقوق‌ها برای سال آینده است بنابراین بازار بحث‌های مربوط به حقوق و عیدی و سنوات و... خیلی داغ است اما این بحث‌ها هم مثل هر بحث فنی و تخصصی دیگری پر هستند از انواع برداشت‌های نادرست که می‌تواند منشاء اختلاف نظر شود به همین دلیل هم اگر حقوق بگیر هستید یا حتی حقوق پرداز محسوب می‌شوید خواندن این گزارش به شما توصیه می‌شود.

حتی یک روز

قبل از اینکه بحث‌های فنی مربوط مطالبات کارگری و کارفرمایی را باز کنیم باید به یک اصل کلی بپردازیم اینکه برای دریافت بخش زیادی از این مطالبات مهم نیست که شما یک سال کامل کار کرده باشید حتی اگر یک ماه و حتی دو هفته برای یک مجموعه کار کنید باید به همان اندازه از حقوقی مانند عیدی و سنوات بهره‌مند شوید یعنی اگر بعد از مثلا یک ماه کار همکاری شما با مجموعه‌ای تمام شود، مطالبه شما حقوق همان یک ماه نخواهد بود بلکه عیدی، سنوات و مرخصی این مدت کارکرد باید در فرم تسویه حساب شما دیده شود. حالا برویم سراغ نکته‌های مهمی که در مورد هر کدام از این موارد وجود دارد.

این سنوات که می گویند یعنی چه؟

کلمات عیدی و سنوات معمولا کنار هم می‌آیند، تکلیف عیدی تا اندازه‌ای روشن است اما در مورد سنوات ابهام زیادی وجود دارد و خیلی‌ها حتی آن را با پایه سنوات اشتباه می‌گیرند. سنوات مبلغی است که کارفرما باید برای جبران فرسودگی شغلی کارمند و کارگر به او پرداخت کند. مبلغی جدا از عیدی، پاداش، مرخصی، پایه سنوات و... مبلغ سنوات برابر با ۳۰ روز آخرین حقوق ثابت فرد به ازای هر سال کارکرد است اما برای دریافت آن لازم نیست حتما یک سال کامل کار کرده باشید بلکه حتی اگر یک ماه هم جایی مشغول به کار بوده باشید یک دوازدهم از حقوق ثابت یک ماه به عنوان سنوات به شما تعلق می‌گیرد.

● طبیعتا هرچه پایه حقوق فرد بالاتر باشد سنوات او هم بیشتر می‌شود و در این زمینه اداره کار محدودیتی در نظر نگرفته است بنابراین اگر در قرارداد کارگر یا کارمندی حقوق او مثلا ۱۵۰ میلیون تومان هم قید شده باشد سنوات یک سال کامل او ۱۵۰ میلیون تومان خواهد بود.

● نکته مهم اینکه سنوات مشمول حق بیمه و مالیات نمی‌شود و کارفرما هنگام محاسبه آن کسر بیمه و مالیات بی‌معنی خواهد بود پس کارفرما باید مبلغ سنوات را دقیقا مطابق با قرارداد کارگر یا کارمند پرداخت کند.

● اگرچه کارفرما این اختیار را دارد که تسویه حساب سنوات را به خاتمه همکاری موکول کند و آن را به صورت سالانه پرداخت نکند اما از آنجا که آخرین حقوق دریافتی فرد در محاسبه رقم سنوات تاثیر دارد و در صورت طولانی شدن مدت همکاری می‌تواند رقم سنوات را بسیار بزرگ کند، بسیاری از کارفرماها ترجیح می‌دهند سنوات را هم آخر هر سال با کارگران و کارمندان تسویه کنند. این رویه معمولا در مورد قراردادهای دائم صدق نمی‌کند و آنها معمولا سنوات را بعد از پایان کار دریافت می‌کنند حتی اگر ۳۰ سال طول بکشد.

● نکته خیلی مهم که معمولا از سوی کارگران مورد غفلت قرار می‌گیرد و اغلب کارفرماها هم از این غفلت استفاده می‌کنند این است که اگر مدت همکاری فردی با یک مجموعه بیشتر از یک سال باشد و در پایان هر سال سنوات آن سال پرداخت شده باشد، باز هم این سنوات پرداختی علی‌الحساب محسوب می‌شود و چون بر اساس قانون کار مبلغ سنوات بر اساس آخرین مزد زمان پایان همکاری بوده، کارفرما موظف به پرداخت مابه‌التفاوت سنوات بر اساس مزد آخر است. به همین دلیل هم خیلی از کارفرماها قراردادهای یک ساله می‌بندند تا از این پرداخت معاف باشند اما اگر کارگر یا کارمند یا شکایت ثابت کند بیشتر از یک سال در قرارداد یک مجموعه بوده می‌تواند این رقم را مطالبه کند.

● همانطور که گفتیم سنوات با پایه سنوات متفاوت است. پایه سنوات مبلغی است که به ازای هر سال کار بیشتر روی حقوق ماهانه شما اضافه می‌شود و اگر شما محل کارتان را عوض کنید پایه سنوات شما از بین خواهد رفت. به این ترتیب یک کارگر ساده نمی‌تواند دو سال پشت سر هم برای یک مجموعه با حداقل حقوق کار کند بلکه اگر در سال اول با او به عنوان حداقلی بگیر قرارداد بسته شد برای سال بعد باید مبلغی به عنوان پایه سنوات به حقوق او اضافه شود حتی اگر ثابت شود که یک مجموعه اقدام به بستن قراردادهای کوتاه مدت می‌کند تا به پرداخت حداقل حقوق بسنده کند با شکایت کارگر باید به او خسارت پرداخت کند حتی اگر مدت‌ها از پایان همکاری گذشته باشد. اثبات این موضوع هم برای کارگران چندان سخت نیست و کارشناسان اداره کار خودشان کارگران را در این مورد راهنمایی می‌کنند.

محاسبه نه چندان سخت عیدی

عیدی رقمی است که برای محاسبه آن باید به چند نکته توجه داشت. اول فرمول کلی که قانون کار برای عیدی در نظر می‌گیرد. این فرمول کلی می‌گوید که عیدی باید دو برابر حقوق کامل فرد باشد بنابراین عیدی همه کارگران و کارمندان بخش خصوصی دست کم دو برابر حداقل حقوق است یعنی برای سال ۱۴۰۳ حدود ۱۴میلیون و ۴۰۰هزار تومان اما از آنجا که تفاوت عیدی اقشار مختلف نباید تفاوت زیادی با هم داشته باشد شورای عالی کار هر سال سقف عیدی را اعلام می‌کند مثلا این عدد برای سال ۱۴۰۳ حدود ۲۱میلیون و ۴۰۰هزار تومان اعلام شد بنابراین حتی اگر شما حقوقتان ۱۵ میلیون بوده باشد، ۳۰ میلیون تومان عیدی نخواهید گرفت بلکه همان سقف امسال را دریافت می‌کنید. البته این سقفی که شورای عالی کار اعلام می‌کند بر اساس تصمیم خود شورا نیست بلکه قانون کار آن را تعیین می‌کند و طبق قانون کار حداکثر عیدی که هر حقوق بگیر بخش خصوصی دریافت می‌کند نباید از سه برابر حداقل حقوق بیشتر باشد. البته نکته کنکوری خیلی مهم این است که در مورد سقف پرداخت عیدی منع قانونی جدی وجود ندارد و اگر عرف یک کارگاه پرداخت عیدی بیشتری از سقف تعیین شده است قانون در این مورد محدودیت ایجاد نمی‌کند.

● عیدی هم مانند سنوات به روزهای کارکرد تعلق می‌گیرد یعنی اگر یک کارگر ۳ماه و ده روز کار کرده باشد و ماه‌های کارکردش ۳۰ روزه بوده باشند پس به اندازه ۱۰۰ روز عیدی می‌گیرد، در واقع مبلغ عیدی یک سال او تقسیم از تعداد روزهای سال شده و در ۱۰۰ ضرب می‌شود تا مبلغ عیدی به دست بیاید.

● نکته مهم دیگر این است که عیدی حتی به کارگرانی که به صورت نیمه وقت و ساعتی کار می‌کنند هم تعلق می‌گیرد و آنها به نسبت ساعت کارشان مشمول دریافت عیدی می‌شوند. این موضوع شامل کارگران و کارمندان آزمایشی هم می‌شود. طول دوران کار آزمایشی آنها هم باید مبنای محاسبه عیدی قرار بگیرد.

● همانطور که بالاتر گفتیم، برای محاسبه آن، پایه حقوق فرد ملاک نیست بلکه مزایای کارمندان و کارگران مثل کمک هزینه عائله مندی، پاداش سود ماهانه، بن خواروبار، کمک هزینه مسکن و... همگی در مبلغ عیدی هم محاسبه می‌شوند البته تا جایی که مبلغ عیدی از حداکثر تعیین شده یعنی سه برابر پایه حقوق حداقلی بگیرها بیشتر نشود.

● عیدی خلاف سنوات مشمول مالیات می‌شود البته به شرط اینکه از سقف تعیین شده از سوی سازمان امور مالیاتی بیشتر باشد. این سقف به صورت پلکانی اعلام می‌شود اما نکته مهم این است که اگر میزان دو برابر حقوق یک کارگر با کسر مالیات کمتر از حداکثر مبلغ عیدی باشد، باز هم او حداکثر را دریافت خواهد کرد. مثلا اگر شما در سال جاری ۱۵ میلیون تومان حقوق گرفته‌اید مبلغ عیدی شما سقف عیدی امسال یعنی ۲۱میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود حالا اگر از این مبلغ ۱۰ درصد به عنوان مالیات کسر شود، میزان مالیات شما تغییری نخواهد کرد چون دوباره کارفرما موظف است آن را به حداکثر برساند چون دو برابر حقوق شما ۳۰ میلیون تومان است. اگرچه از عیدی مالیات کسر می‌شود اما از آن حق بیمه کسر نخواهد شد.

● کارگران و کارمندان در مدت زمان مرخصی استعلاجی یا استحقاقی هم مشمول عیدی و پاداش می‌شوند مثلا زنانی که در مرخصی زایمان به سر می‌برند بدون توجه به آن باید عیدی و پاداش را مطابق با کارگران و کارمندانی که در محل کار حضور داشته‌اند دریافت کنند.

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

برای بودن

هر سال که به این روزها می‌رسد، چند ساعتی وقت خالی پیدا می‌کنم برای دو دو تا چهار تا کردن با خودم که چطور گذشت. با اینکه عدد و سال و ماه را جزو اعتباریات این عالم می‌دانم و فرقی بین یکم فروردین و روز آخر اسفندماه نیست، اما باز هم حساب و کتاب را دوست دارم. سال چهارصد و سه تمام شد و این آخرین ستون پنجشنبه امسال است. از سر کنجکاوی سراغ یادداشت‌هایم در این ستون ـ که دیگر شمارشان از دستم رفته و نمی‌دانم در این سال‌های همراهی با هفت صبح چند تا شدند ـ می‌روم تا آخرین یادداشت‌های سال‌های قبل را پیدا کنم. پارسال چه سخن‌سرایی کرده بودم از اهمیت مفهوم اعتباری اعداد و سال قبلش قلم‌فرسایی کرده بودم در باب اتفاقات سال چهارصد و یک. سال چهارصد، سفر مانع یادداشت آخر شده بود و بهمن‌ماه اعلام کردم اسفند را نیستم و سال نود و نه نوشته بودم از آغاز سده‌ای دیگر. در این بین یادداشت‌هایم را هم تک‌وتوکی خواندم. بعضی‌هایشان خوب و قدکشیده بود و بعضی‌هایشان کال و نرسیده. چند تا افتضاح هم داشتم که خودم از خواندنشان متعجب شدم. غرق در مرور شدم و غوطه خوردم در عمری که میخ‌های هفته‌اش این ستون است. ستونی که برایش اهمیت و ارزش زیادی قائلم و نقاط عطف هفتگی من شده... چقدر حرف زدم اینجا؛ حرف‌های به درد بخور و حرف‌های صدمن یه غاز. زندگی همین است؛ گاهی حرفت، نگاهت و آنچه نقشه‌اش را کشیدی در می‌آید و گاهی هر اندازه حساب و کتاب کرده باشی و موضوع را پرورانده باشی، محصول نمی‌شود آنچه باید. همین متوسط بودن آدم است که دوست دارم. گاهی شاهکار می‌کنی و گاهی گند می‌زنی. روزنامه هفت صبح برای من که یک سال است هفت صبح را ندیدم، امکان فهم متوسط بودن را فراهم کرده. در تکاپوی نوشتن هفتگی این یادداشت‌ها یادم می‌دهد باید حتی برای ششصد هفتصد کلمه تلاش کنی تا مستمر بمانی. باید حرفی داشته باشی. باید حواست به جهان و خودت باشد تا ببینی تو در میان هزاران موضوع، چه چیزی را برای نوشتن انتخاب می‌کنی. بعضی هفته‌ها از اول می‌دانی قرار است درباره چه چیزی سخن بگویی، ولی بعضی هفته‌ها باید بگردی در ذهنت و سبک‌سنگین کنی که در شرایط امروز کدام حرف لازم است. ظاهر این ستون کوچک و باریک، ساده است، اما هر هفته از دوشنبه تا چهارشنبه ذهن من مشغول آن می‌شود. چه چیزی بگویم که رند بازار نباشد. چه چیزی بگویم که در هر دکانی پیدا نشود و کسی، ولو یک نفر بفهمد و با آن معنا تکان بخورد. چه چیزی هست که تعداد بیشتری از آدم‌ها مبتلای آن شدند و به چشم نیامده و چه معنایی صدق بیشتری دارد. اینجا گاهی مخاطبم آدم‌های سر کار کشورند و گاهی آدم‌های عادی شبیه خودم. گاهی آن‌ها را خطاب قرار می‌دهم برای انجام کاری و گاهی خودمان را. اما این یک سفر هفتگی است. از منزلی به منزل دیگر. با منزلتی پر نوسان. ما باید در جهانی که فعلا ماندگار است و حوادثی که گریبانمان را می‌گیرد یاد بگیریم که متوسط بودن خوب است. یاد بگیریم که ما هم آدمیم و روز خوب و بد داریم. باید قبول کنیم که نمی‌توانیم همیشه بدرخشیم یا همیشه بد باشیم. گاهی روز ماست و گاهی نیست. باید با خودمان و دارایی‌هایمان خوش باشیم و با ناداری‌هایمان کنار بیاییم و یک لحظه از تلاش ناامید نشویم. حتی اگر نتیجه دلخواه نباشد. مرور نوشته‌های این ستون در سال‌های قبل مرا تلنگر می‌زند که همیشه نمی‌شود درجه یک بود، همیشه نمی‌شود عمیق نوشت. گاهی فقط کلمه پر کردم برای جلوگیری از قطع شدن این اهتمام هفتگی. گاهی مسئله بی‌اهمیتی را کار کردم و گاهی تصورم این بود که لازمه این ستون فلان یا بهمان نیشگون است. من به اندازه همین ششصد هفتصد کلمه در هفته استمرار پیدا کردم، بقیه کارهای زندگی مثلا نوشتن و انتشار کتاب تا حتی سر کلاس رفتن و سخنرانی کردن مستمر نیست. من این استمرار را نشانه تلاش برای بودن می‌دانم و از اینکه متوسط هستم اما هنوز زنده‌ام خوشحالم. ان‌شاءالله شما هم زنده باشید، با تمام سختی‌ها و مشقاتی که زنده بودن دارد.

SMS Telegram WhatsApp

0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت‌صبح برای دریافت پیام متنی، تصویری و ویدئویی از طریق پیامک، تلگرام و واتس‌اپ

رهبر انقلاب: جمهوری اسلامی در برخی از مسائل قوی‌تر شده

از دست دادن شخصیت‌ها خسارت است، اما...

رهبر انقلاب اسلامی روز گذشته در دیدار رمضانی دانشجویان گفتند: جمهوری اسلامی ایران برخلاف نگاه ناقص، بی‌پشتوانه و سطحی دشمنان، مخالفان و رقیبان، و علیرغم فقدان شخصیت‌هایی چون شهیدان رئیسی، سیدحسن نصرالله، هنیه، عضی‌الدین، سنوار و ضیف، نسبت به سال گذشته در مثل همین روز، در برخی از مسائل قوی‌تر شده و در بعضی از مسائل نیز اگر قوی‌تر نباشد، ضعیف‌تر نیست.

-سال گذشته، که این جلسه تشکیل شد، تا امسال حوادث گوناگونی پیش آمده، پارسال وضعیت متفاوتی داشتیم، سال گذشته در مثل امروزی که با شما دانشجوها جلسه داشتیم، شهید رئیسی زنده بود، شهید سید حسن نصرالله رضوان‌الله تعالی علیه در کنار ما بود، شهید هنیه، شهید صفی‌الدین، شهید سنوار، شهید ضیف و چندین شخصیت برجسته انقلابی بزرگ، در میان ما یا در کنار ما حضور داشتند، امسال نیستند.

-نگاه ناقص و بی‌پشتوانه و سطحی، از سوی دشمنان و مخالفان و رقیبان جمهوری اسلامی یک برداشت غلطی را از این حادثه می‌کند. من می‌خواهم در نقطه مقابل حرف آنها، با اطمینان کامل به شما بگویم؛ بله؛ این برادران بسیار ارزشمند بودند و واقعاً نبودن‌شان برای ما خسارت است؛ در این تردیدی نیست. اما ما اصلاً که اینها را نداریم، نسبت به سال گذشته در مثل همین روز، در برخی از مسائل، قوی‌تر از سال گذشته هستیم، در بعضی از مسائل، ضعیف‌تر نیستیم اگر قوی‌تر نباشیم. از دست‌دادن شخصیت‌ها خسارت است اما اگر دو شرط آرمان و تلاش باقی باشد، به حرکت کلی ضربه نمی‌خورد.

-امسال ما بحمدالله از لحاظ گوناگون، از حادثه‌ها برخوردار است. تهران مدت‌هاست که هرگونه اتهامی مبنی بر تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای را رد کرده است. با این حال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل هشدار داده است که تهران به طور مستمر غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را - نزدیک به سطح تسلیحاتی ۹۰ درصد - به طور چشمگیری تسریع می‌کند. ایران در سال ۲۰۱۵ با بریتانیا، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده به توافقی به نام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست پیدا کرد که در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها علیه تهران لغو شود. اما واشنگتن در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ترامپ از این طرح خارج شد و ایران شروع به دور شدن از تعهدات مرتبط هسته‌ای خود کرد.

چین گفته است که ایران در حفظ حقوق مشروع خود و درخواست از سرگیری زودهنگام مذاکرات هسته‌ای ایران، حمایت می‌کند.

تلاش‌های بین‌المللی در موضوع برنامه هسته‌ای ایران گفتگو کرده است. تهران مدت‌هاست که هرگونه اتهامی مبنی بر تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای را رد کرده است. با این حال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل هشدار داده است که تهران به طور مستمر غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را - نزدیک به سطح تسلیحاتی ۹۰ درصد - به طور چشمگیری تسریع می‌کند. ایران در سال ۲۰۱۵ با بریتانیا، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده به توافقی به نام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست پیدا کرد که در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها علیه تهران لغو شود. اما واشنگتن در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ترامپ از این طرح خارج شد و ایران شروع به دور شدن از تعهدات مرتبط هسته‌ای خود کرد.

چین گفته است که ایران در حفظ حقوق مشروع خود و درخواست از سرگیری زودهنگام مذاکرات هسته‌ای ایران، حمایت می‌کند.

دیپلماسی

تکلیف نامه ترامپ مشخص شد

عراقچی: فرستاده یکی از کشورهای عربی، نامه ترامپ را به تهران تحویل خواهد داد

نامه‌ای که ترامپ هفته گذشته مدعی ارسال آن به تهران شد، هنوز به دست ایران نرسیده است. اما دیروز بالاخره مشخص شد که این نامه قرار است چه مسیری را طی کند. روز چهارشنبه وزیر امور خارجه در حاشیه جلسه هیأت دولت گفت: نامه ترامپ نوشته شده اما هنوز به دست ما نرسیده و قرار است از طریق یک کشور عربی به دست ما برسد. همزمان با اظهارات عراقچی برخی رسانه‌ها گمانه‌زنی کردند که انور قرقاش، دیپلمات ارشد امارات که چهارشنبه شب به تهران رسیده، نامه ترامپ را در دست دارد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز چهارشنبه (۲۲ اسفندماه) در حاشیه جلسه هیأت دولت در خصوص برگزاری جلسه غیرعلنی شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، گفت: جلسه غیرعلنی در شورای امنیت سازمان ملل درخواست شده توسط برخی از کشورها که یک رویه کاملاً جدید و عجیبی است و از نظر ما محل تعجب دارد و حسن نیت کشورهایی که خواهان این جلسه شدند را به شدت زیر سوال می‌برد. ما امیدوار هستیم که شورای امنیت به وظیفه خودش در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به درستی عمل کند و دچار فضاسازی‌ها و جو سازی‌های برخی از کشورها نشود.

همواره در خصوص برنامه صلح آمیز هسته‌ای، آمادگی مذاکره از موضع برابر را داشته‌ایم

عباس عراقچی در خصوص مذاکراتی که ترامپ خواهان آن است، توضیح داده: ما در جمهوری اسلامی ایران همواره در خصوص برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آمادگی مذاکره از موضع برابر داشته‌ایم و درباره برجام هم مذاکره داشتیم و مذاکره ادامه دارد. آمریکا مدت‌هاست که از برجام خارج شده و ما هم با سه کشور اروپایی مذاکره داریم و دو روز جدید را در انجام می‌شود و همزمان با چین و روسیه هم مذاکره داریم. جلسه سه‌جانبه چین، ایران و روسیه در تهران در روز جمعه برگزار می‌شود. وزیر امور خارجه همچنین در خصوص خبر ارسال نامه رئیس‌جمهور آمریکا نیز گفت: نامه نوشته شده اما هنوز به دست ما نرسیده ولی قرار است فرستاده یکی از کشورهای عربی، نامه ترامپ را به تهران تحویل دهد.

برنامه هسته‌ای ما در چارچوب NPT حرکت می‌کند

عراقچی همچنین با بیان اینکه ایران عضو معاهده عدم اشاعه NPT هستیم و برنامه هسته‌ای ما در همان چارچوب، حرکت می‌کند، گفت: برنامه هسته‌ای ایران کاملاً پویا است و رشد و پیشرفت می‌کند ولی ما در چارچوب تعهدات خود در آن پی تی عمل می‌کنیم و منع و محدودیتی در آن قالب برای خود قائل نیستیم.

وزیر امور خارجه درباره مواضع اتحادیه اروپا علیه ایران به ویژه در شورای حکام و تاثیرگذاری آن بر مذاکرات هسته‌ای گفت: مذاکرات ما با اروپایی‌ها جریان داشته و خواهد داشت. البته اروپایی‌ها سیاست‌های بسیار غلطی را همواره اتخاذ کردند، بعد از خروج آمریکا از برجام تعهداتی به ما دادند که نتوانستند اجرا کنند و الان آنها زیر سوال هستند و باید پاسخگو باشند که در مذاکرات با اروپایی‌ها این موضوع هم مطرح است. عراقچی درباره ادعای انزوای ایران هم توضیح داد: جمهوری اسلامی ایران روابط دوستانه بسیار گسترده‌ای داشته و مشورت‌های ما با بسیاری از کشورها در جریان است و من هیچ انزوایی احساس نمی‌کنم. وزیر امور خارجه همچنین دریاسخ به برخی گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکره با آمریکا، ملاک مواضع جمهوری اسلامی ایران در این زمینه را، مواضع و ریز با سخنگوی وزارت امور خارجه دانست.

خبر

ماجرای مذاکرات هسته‌ای ایران با روسیه و چین چیست؟

چین، روسیه و ایران روز جمعه در پکن مذاکرات سه جانبه‌ای را با موضوع هسته‌ای ایران، برگزار می‌کنند. دیروز ابتدا رویترز از چنین نشستی خبر داد و بعد اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه در همین زمینه گفت نشست سه‌جانبه ایران-چین-روسیه در سطح معاونین وزارت امور خارجه سه کشور، با تمرکز بر تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها روز جمعه این هفته در پکن برگزار می‌شود. به گفته بقائی در این گفت‌وگوها که در چارچوب رایزنی‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های مختلف برنامه‌ریزی شده است، راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه سه کشور از جمله تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین موضوعات مرتبط با همکاری‌ها در قالب بریکس و شانگهای هم بحث و تبادل نظر خواهد شد.

طبق آنچه رویترز نوشته، وزارت امور خارجه چین اعلام کرد چین روز جمعه این هفته در پکن با روسیه و ایران درباره مسئله هسته‌ای ایران دیدار خواهد کرد. این دیدار در سطح معاونان وزارت خارجه ۳ کشور خواهد بود. روابط ایران و روسیه از زمان آغاز جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ و با امضای معاهده همکاری راهبردی ۲۰ ساله در ژانویه سال جاری عملی، عمیق‌تر شده است. هر دو کشور ایران و روسیه روابط خوبی با چین دارند. موازنه منفی سنگشوی وزارت خارجه چین روز چهارشنبه در یک نشست مطبوعاتی گفت که «ما رژالوسو» معاون وزیر خارجه چین، ریاست این نشست را برعهده خواهد داشت. این نشست پس از نشست پشت درهای بسته (محرمانه) شورای امنیت سازمان ملل متحد در نیویورک، در مورد گسترش ذخایر اورانیوم ایران که نزدیک به درجه تسلیحاتی هستند، برگزار می‌شود. هفته گذشته، پس از گزارش‌هایی مبنی بر موافقت روسیه برای کمک به دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در برقراری ارتباط با ایران، روسیه گفت سرگئی رایابکوف معاون وزیر امور خارجه، با کاظم جلالی سفیر ایران در روسیه در مورد تلاش‌های بین‌المللی در موضوع برنامه هسته‌ای ایران گفتگو کرده است. تهران مدت‌هاست که هرگونه اتهامی مبنی بر تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای را رد کرده است. با این حال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل هشدار داده است که تهران به طور مستمر غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را - نزدیک به سطح تسلیحاتی ۹۰ درصد - به طور چشمگیری تسریع می‌کند. ایران در سال ۲۰۱۵ با بریتانیا، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده به توافقی به نام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست پیدا کرد که در ازای محدود کردن برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها علیه تهران لغو شود. اما واشنگتن در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ترامپ از این طرح خارج شد و ایران شروع به دور شدن از تعهدات مرتبط هسته‌ای خود کرد.

چین گفته است که ایران در حفظ حقوق مشروع خود و درخواست از سرگیری زودهنگام مذاکرات هسته‌ای ایران، حمایت می‌کند.

گزارش روز

تنوع بیشتر، تیراژ کمتر

نگاهی به وضعیت این روزهای صنعت کتاب که به تیراژ ۵۰ نسخه هم رسیده است

در حالی که این روزها وزارت کشور به شکل جهادی در تلاش برای کتابخوان کردن مردم محلات که برخوردار است، اما وزارت ارشاد نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ تیراژ کتاب به کمترین شمارگان در سال‌های گذشته رسیده است.

همین بیستم اسفندماه بود که قائم مقام وزیر کشور از طرح جدیدی برای حدود ۹۰۰ محله کم برخوردار خبر زد. که طرحی؟ یک برنامه برای اینکه مردم این مناطق را به خواندن کتاب تشویق کنند. گویا طرح مورد نظر در ۱۰ استان هم شروع شده و کار قرار است به شکل کار مشترک با همکاری کمیته امداد تاپهزیستی و هلال احمر و دانشگاه‌ها شروع شود. قاآمحمدی در این جلسه گفته بوده که افراد در ۲۰۲۰ محله از دانش‌های جدید ناآگاه هستند و به همین خاطر هم بحث کتابخوانی آنها را کلید زده‌اند. یک روز بعد از این اطلاع‌رسانی، مرکز آمار گزارشی از خانه کتاب هنوز گزارش تجمیعی ارائه کرد که شامل فیلم‌ها، کتاب‌ها، سریال‌ها و همه محصولاتی می‌شد که ایرانی‌ها در این حوزه فرهنگ استفاده کرده بودند. در بخشی از این ۱۴۱ صفحه به موضوع کتابخوانی پرداخته شده است. بنا بر این گزارش کتاب‌های منتشر شده سال گذشته کمی افزایش یافته است. یعنی عناوین کتاب‌هایی که سال ۱۴۰۲ چاپ شده شامل ۱۱۵ هزار و ۴۰۴ عنوان می‌شد. در حالی که سال ۱۴۰۱، ۷ هزار و ۵۷۸ عنوان از این کمتر کتاب چاپ شده بود اما خیلی خوشحال نشوید چون خبر اینجا تمام نمی‌شود. اگر چه تعداد عناوین کتاب‌ها بیشتر شده ولی تعداد تیراژ پایین آمده است.

سال ۱۴۰۲ حدود ۱۰۷ میلیون کتاب در کشور منتشر شد که اگر با ۱۴۰۱ مقایسه کنیم تعداد آن دو میلیون از سال قبل آن کمتر است. خانه کتاب هنوز گزارش تجمیعی امسال را ارائه نکرده اما می‌توانیم همین حالا هم حدس بزنیم که کاهش عناوین امسال هم ادامه داشته. وقتی آمار بهمن سال قبل ۱۴۱ صفحه به موضوع کتابخوانی پرداخته شده است. بنا بر این گزارش گذشته کمی افزایش یافته است. یعنی عناوین کتاب‌هایی که سال ۱۴۰۲ چاپ شده شامل ۱۱۵ هزار و ۴۰۴ عنوان می‌شد. در حالی که سال ۱۴۰۱، ۷ هزار و ۵۷۸ عنوان از این کمتر کتاب چاپ شده بود اما خیلی خوشحال نشوید چون خبر اینجا تمام نمی‌شود. اگر چه تعداد عناوین کتاب‌ها بیشتر شده ولی تعداد تیراژ پایین آمده است.

سالی ۵ میلیون کتاب آب رفت

سال ۱۴۰۲ حدود ۱۰۷ میلیون کتاب در کشور منتشر شد که اگر با ۱۴۰۱ مقایسه کنیم تعداد آن دو سالانه تیراژ کلی کتاب‌ها حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نسخه کاهش یافته است. در این بازه یازده ساله تنها سالی که نمودارها رک رشد کوچکی در تیراژ خود نشان می‌دهند به سال ۱۳۹۸ برمی‌گردد که آن صعود هم سال بعد با یک سقوط آزاد شدید جبران شده است.

شمارگان ۵۰ تایی و ۲۵۰ تایی

معمولا مهم‌ترین دلیل کاهش تیراژ کتاب را قیمت کاغذ می‌دانند. در اولین نشست خبری وزیر ارشاد وقتی از او درباره این موضوع سوال شد گفت که متغیر اصلی در این زمینه کاغذ است. صالحی می‌گوید به معاون اول دولت، محمدرضا عارف پیشنهادهایی ارائه داده ولی چون هنوز بررسی نشده مطرح نمی‌کند. یک ناشر به روزنامه هفت صبح می‌گوید: «بعضی از ناشرها دستگاه چاپ دیجیتال دارند و هر تعدادی که بخواهند چاپ می‌کنند. حتی ممکن است برای نمایشگاه کتاب ۵۰ کتاب از یک عنوان منتشر کنند. قبلاً که کتاب فقط افست بود عموماً چا آن زیر ۱۰۰۰ نسخه نمی‌صرفید. حال حاضر حداقل تیراژ رسمی ۲۵۰ تا ۳۰۰ شمارگان است.»

کودک و نوجوان، صفحه‌ای ۹۴۰ تومان

بررسی آمار سه سال اخیر خانه کتاب نشان می‌دهد که کتاب کودک و نوجوان گران‌ترین کتاب‌های کتابفروشی‌ها هستند که به طور میانگین صفحه‌ای ۹۴۰ تومان قیمت دارند. ارزان‌ترین‌ها هم کتاب‌های دینی هستند که صفحه‌ای ۳۰ تومان قیمت دارند. این تفاوت قیمت به کیفیت بالا و گرانقیمت‌تر صفحات کتاب‌های کودک و یا رانه کتاب‌های دینی و مذهبی برمی‌گردد که معمولا به ناشران این بخش داده می‌شود. بیشترین تعداد و عنوان کتاب تولید شده هم مربوط به کتاب‌های کودک و نوجوان و سپس کتاب‌های کمک درسی بوده. ولی وقتی بحث بر سر تجدید چاپ باشد، تعداد تجدید چاپ کتاب‌های درسی خیلی بیشتر از همه دسته‌های دیگر است. در دسته کتاب‌های تالیفی، باز هم کتاب کودک در راس جدول قرار دارد. در دسته کتاب‌های ترجمه باز هم ناشران کتاب کودک و نوجوان بیشترین تعداد کتاب ترجمه را در سال منتشر می‌کنند.

افت و خیز عناوین کتاب‌ها و مجله‌ها

دوباره برگردیم به آمار عنوان‌های کتاب. اوضاع نشر همیشه به این منوال بوده است. از تیراژ کتاب کم شده و به عناوین اضافه شده است. البته این فقط آمار کتاب نیست که رو به کاهش بوده. از جدول وزارت ارشاد می‌توان به یک نتیجه دیگر هم رسید که آن هم به انتشار مجله‌های تخصصی برمی‌گردد. به نظر می‌رسد بازار دیگر برای انتشار مجله‌های تخصصی رو به راه نیست. سال ۱۴۰۲، یک هزار و ۸۳۰ مجله تخصصی منتشر شده بود که امسال از آن ۴۰ عدد کم شده است. این مجلات تخصصی، معمولا همان رسانه‌هایی هستند که رتبه‌های علمی و آکادمیک دانشجویان دکتری و اساتید به آنها بستگی دارد و از قضا در سال‌های گذشته کلاه‌برداری زیادی کاهش کیفیت و صف طولانی برای انتشار مقاله در آنها شده بود.

گلری

عصر روز ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ یک ساختمان چهار طبقه در خیابان طالقانی تهران تخریب شد که خوشبختانه کسی در جریان آن کشته نشد. عکس از مرتضی زنگنه، ایسنا

نصرالله پژمانفر در حال گفت‌وگو با مرتضی گاسپار چهارمین دبیر و نماینده رادیکال در جلسه علنی دیروز مجلس. عکس از زهرا سادات راد، باشگاه خبرنگاران جوان

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور در افتتاح پردیس جامع توانمندسازی کودکان کار. عکس از علیرضا معصومی، ایسنا

اجرای عملیات اطفاء حریق در جریان رژمایش مرکب کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۵. عکس از مسعود نظری، مهر

رژمایش نوروزی جمعیت هلال احمر با حضور پیرحسین کولیوند، رئیس این جمعیت، در جوار مرقد امام برگزار شد. عکس از سید علی صالح، برنا

روز ۲۱ اسفند ماه مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار پابلو پیکاسو با حضور آنتونیو سانچس بندیتو کاسپار سفیر اسپانیا، نیکلام حسینی پور مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد. در این نمایشگاه بیش از ۶۰ اثر از پابلو پیکاسو، از دوره‌های مختلف کاری این هنرمند اسپانیایی، به نمایش گذاشته می‌شود. عکس از زهرا صباغی، باشگاه خبرنگاران جوان

همه آنچه باید در مورد دیپلمات مشهور اماراتی بدانیم

انور محمد قرقاش، متولد ۲۸ مارس ۱۹۵۹ در دبی، یک سیاستمدار و تاجر برجسته اماراتی است. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه جورج واشنگتن در ایالات متحده آمریکا دریافت کرد و سپس برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. در دانشگاه کمبریج، قرقاش موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته علوم سیاسی شد.

قرقاش در طول دوران حرفه‌ای خود سمت‌های مهمی را در دولت امارات متحده عربی بر عهده داشته است. از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های او وزیر مشاور در امور خارجه از ۱۷ فوریه ۲۰۰۸ تا ۱۰ فوریه ۲۰۲۱، وزیر مشاور امور شورای ملی فدرال از ۲۰۰۶ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷ در بهمن ۱۳۹۹، امیر امارات متحده عربی تصمیم به تغییر در کابینه گرفت و شیخ‌وید آل نهیان را به جای قرقاش به عنوان وزیر جدید مشاور در امور خارجه امارات منصوب کرد. پس از این تغییر، قرقاش بلافاصله به سمت مشاور رئیس امارات متحده عربی منصوب شد و تا به امروز در این سمت مشغول به کار است.

قرقاش از اقلیت هولدر امارات متحده عربی است؛ با این حال یکی از معتبرترین دیپلمات‌های جهان عرب به حساب می‌آید. او در طول دوران خدمت خود، نقش مهمی در سیاست خارجی امارات ایفا کرده و در مذاکرات و روابط دیپلماتیک با کشورهای مختلف از جمله ایران فعال بوده است. اقلیت هولد در امارات متحده عربی گروهی از ایرانیان هستند که در سواحل خلیج فارس زندگی می‌کنند. این گروه شامل طوایف مختلفی از جمله مکرانی شامل بلوچ، سیستانی، بندری، لرو خوزستانی می‌شود. قرقاش به عنوان یک دیپلمات ماهر شناخته می‌شود که توانسته است منافع امارات را در عرصه بین‌المللی به خوبی نمایندگی کند. او همچنین نقش مهمی در تقویت روابط امارات با کشورهای غربی، به ویژه با ایالات متحده آمریکا و بریتانیا داشته است. با این حساب می‌توان قرقاش را دیپلماتی دانست که هم زمان کشورهای خاورمیانه، چه عربی و چه غیر عربی را می‌داند و هم می‌تواند با کشورهای غربی چانه‌زنی کند. مهارتی که دیپلمات‌های دیگر کشورهای عربی، به ندرت به اندازه قرقاش در آن ماهر هستند.

انور قرقاش دیپلماتی محتاط است که مواضع خود را در قبال کشورها به ندرت آشکار می‌کند. او در قبال ایران به صورت معمول، سیاست‌هایی مشابه با دیگر سران اماراتی اتخاذ می‌کند. سیاست‌هایی که گاه خشم ایران را برمی‌انگیزد. با این حال، او در مورد اظهارنظرهای خبر قبل رژیم به شدت محتاط و محافظه‌کار است. قرقاش به عنوان یک دیپلمات ماهر شناخته می‌شود که توانسته است منافع امارات در عرصه بین‌المللی به خوبی نمایندگی کند. البته انتقادها از او در میان کشورهای مسلمان به دلیل مواضع ترمش در قبال تلاو بو، هیاهوی زیادی به پا کرده است. اما در نهایت او دیپلمات محترم و معتبری به حساب می‌آید. مجید نخل‌رواتیی کمتر از دو هفته قبل در امارات دیداری با انور قرقاش داشت. جزئیات این دیدار البته چندان مشخص نبود. اما هر چه که هست این دیپلمات اماراتی، فعالیت خود را در مورد ایران در ماه‌های اخیر به شدت افزایش داده است.

دیپلماسی

تکلیف نامه ترامپ مشخص شد

عراقچی: فرستاده یکی از کشورهای عربی، نامه ترامپ را به تهران تحویل خواهد داد

نامه‌ای که ترامپ هفته گذشته مدعی ارسال آن به تهران شد، هنوز به دست ایران نرسیده است. اما دیروز بالاخره مشخص شد که این نامه قرار است چه مسیری را طی کند. روز چهارشنبه وزیر امور خارجه در حاشیه جلسه هیأت دولت گفت: نامه ترامپ نوشته شده اما هنوز به دست ما نرسیده و قرار است از طریق یک کشور عربی به دست ما برسد. همزمان با اظهارات عراقچی برخی رسانه‌ها گمانه‌زنی کردند که انور قرقاش، دیپلمات ارشد امارات که چهارشنبه شب به تهران رسیده، نامه ترامپ را در دست دارد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز چهارشنبه (۲۲ اسفندماه) در حاشیه جلسه هیأت دولت در خصوص برگزاری جلسه غیرعلنی شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، گفت: جلسه غیرعلنی در شورای امنیت سازمان ملل درخواست شده توسط برخی از کشورها که یک رویه کاملاً جدید و عجیبی است و از نظر ما محل تعجب دارد و حسن نیت کشورهایی که خواهان این جلسه شدند را به شدت زیر سوال می‌برد. ما امیدوار هستیم که شورای امنیت به وظیفه خودش در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل به درستی عمل کند و دچار فضاسازی‌ها و جو سازی‌های برخی از کشورها نشود.

همواره در خصوص برنامه صلح آمیز هسته‌ای، آمادگی مذاکره از موضع برابر را داشته‌ایم

عباس عراقچی در خصوص مذاکراتی که ترامپ خواهان آن است، توضیح داده: ما در جمهوری اسلامی ایران همواره در خصوص برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آمادگی مذاکره از موضع برابر داشته‌ایم و درباره برجام هم مذاکره داشتیم و مذاکره ادامه دارد. آمریکا مدت‌هاست که از برجام خارج شده و ما هم با سه کشور اروپایی مذاکره داریم و دو روز جدید را در انجام می‌شود و همزمان با چین و روسیه هم مذاکره داریم. جلسه سه‌جانبه چین، ایران و روسیه در تهران در روز جمعه برگزار می‌شود. وزیر امور خارجه همچنین در خصوص خبر ارسال نامه رئیس‌جمهور آمریکا نیز گفت: نامه نوشته شده اما هنوز به دست ما نرسیده ولی قرار است فرستاده یکی از کشورهای عربی، نامه ترامپ را به تهران تحویل دهد.

برنامه هسته‌ای ما در چارچوب NPT حرکت می‌کند

عراقچی همچنین با بیان اینکه ایران عضو معاهده عدم اشاعه NPT هستیم و برنامه هسته‌ای ما در همان چارچوب، حرکت می‌کند، گفت: برنامه هسته‌ای ایران کاملاً پویا است و رشد و پیشرفت می‌کند ولی ما در چارچوب تعهدات خود در آن پی تی عمل می‌کنیم و منع و محدودیتی در آن قالب برای خود قائل نیستیم.

وزیر امور خارجه درباره مواضع اتحادیه اروپا علیه ایران به ویژه در شورای حکام و تاثیرگذاری آن بر مذاکرات هسته‌ای گفت: مذاکرات ما با اروپایی‌ها جریان داشته و خواهد داشت. البته اروپایی‌ها سیاست‌های بسیار غلطی را همواره اتخاذ کردند، بعد از خروج آمریکا از برجام تعهداتی به ما دادند که نتوانستند اجرا کنند و الان آنها زیر سوال هستند و باید پاسخگو باشند که در مذاکرات با اروپایی‌ها این موضوع هم مطرح است. عراقچی درباره ادعای انزوای ایران هم توضیح داد: جمهوری اسلامی ایران روابط دوستانه بسیار گسترده‌ای داشته و مشورت‌های ما با بسیاری از کشورها در جریان است و من هیچ انزوایی احساس نمی‌کنم. وزیر امور خارجه همچنین دریاسخ به برخی گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکره با آمریکا، ملاک مواضع جمهوری اسلامی ایران در این زمینه را، مواضع و ریز با سخنگوی وزارت امور خارجه دانست.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

نویان علیه تجمع روبروی مجلس؟ سید محمود نویان نماینده تهران در مجلس نوشت: ایعاد برنامه‌ریزی جریان تندرو برای بحران‌سازی بر سر مسئله حجاب در کشور:

۱-ایجاد دوقطبی و تشدید لجاجت اجتماعی بر سر حجاب، در دستور کار جریانات تندرو قرار گرفته است.

۲-فراخوان تجمع سراسری درباره حجاب تکمیل کننده برنامه دشمن برای ایجاد ناامنی در کشور است.

۳-کساندن اعتراض مستقیم به سطح رهبر انقلاب در شبکه‌های اجتماعی برنامه دیگر این جریان است.

۴-طرف خارجی با استقبال از این دوقطبی درصدد ایجاد یک رخداد امنیتی و به دنبال آن موج جدید برهنگی در کشور است.

سخنگوی دولت: با تجمع جلوی مجلس برخورد می‌کنیم؛ فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران درباره برگزاری برخی تجمعات در روزهای گذشته گفت: دولت عملکرد وزارت کشور درخصوص برخی تجمعات سالوسی مطرح بود که وزارت کشور در این خصوص اطلاعیه‌ای منتشر و اعلام کرد با شناسایی بانیان، با تجمعاتی که نظم و آرامش جامعه را برهم می‌زند، برخورد خواهد شد.

نظر معاون اجرایی رئیس جمهور درباره تجمع در برابر مجلس؛ جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران، گفت: برخی مخالفان دولت پا را فراتر گذاشته و سخنانی مطرح می‌کنند که فاقد منطق علمی و دینی است.

ما باور داریم که مخالفان دولت باید صدای خود را بلند کنند، اما گاهی، اظهاراتی مطرح می‌شود که پشتوانه دینی و علمی ندارد. کسانی که مفاهیم قرآن و نهج‌البلاغه را نمی‌دانند، درباره سخنان رئیس‌جمهور اظهار نظر می‌کنند. رهبری تأکید کردند که فرمایشات رئیس‌جمهور متین و منطقی است، اما برخی افراد به این بیانات توجهی نمی‌کنند و در عوض از الفاظی استفاده می‌کنند که در شأن یک مسلمان و ولایت‌مدار نیست.

تجمع در جمهوری اسلامی آزاد است، اما برخی واژگانی که در این اعتراضات استفاده می‌شود در شأن رئیس‌جمهوری که سال‌ها در نهج‌البلاغه و قرآن غوطه‌ور بوده، نیست. ایشان در محضر علما و مراجع قرآن را تفسیر کرده و عملیاتی می‌کند. (ایسنا)

سخنگوی هیات رئیسه درباره قانون حجاب چه گفت؟ عباس گودرزی، سخنگوی هیأت رئیسه مجلس، دیروز در یک نشست خبری گفت: دستگاه‌های مسئول نباید در حوزه قانون حجاب ترک فعل کنند. قانون عفاف و حجاب بعد از طی فراتر گذاشته و سخنانی مطرح می‌کنند که فاقد منطق علمی و دینی است.

ما باور داریم که مخالفان دولت پا را فراتر گذاشته و سخنانی مطرح می‌شود که فاقد پشتوانه دینی و علمی ندارد. کسانی که مفاهیم قرآن و نهج‌البلاغه را نمی‌دانند، درباره سخنان رئیس‌جمهور اظهار نظر می‌کنند. رهبری تأکید کردند که فرمایشات رئیس‌جمهور متین و منطقی است، اما برخی افراد به این بیانات توجهی نمی‌کنند و در عوض از الفاظی استفاده می‌کنند که در شأن یک مسلمان و ولایت‌مدار نیست.

تجمع در جمهوری اسلامی آزاد است، اما برخی واژگانی که در این اعتراضات استفاده می‌شود در شأن رئیس‌جمهوری که سال‌ها در نهج‌البلاغه و قرآن غوطه‌ور بوده، نیست. ایشان در محضر علما و مراجع بهپور آذر با تأکید بر اهمیت حضور پدران در کنار مادر و نوزاد در روزهای نخست تولد فرزند گفت: این مصوبه که در برنامه ششم توسعه نیز پیش‌بینی شده بود، چند سالی متوقف شده بود، اما اکنون دوباره احیا شده و تمامی پدران می‌توانند از این مرخصی استفاده کنند. (ایسنا)

یک روایت دیگر درباره سخنان نقدعلی با رهبری درباره قانون حجاب؛ دبیری به ادعای یک نماینده مجلس در مورد پاسخ رهبری به ماجرای حجاب واکنش نشان داد. شهرام دبیری، معاون پارلمانی رئیس جمهور در رابطه با حاشیه اخیر دیدار رمضانی رهبر انقلاب با کارگزاران نظام و ادعای نقدعلی، نماینده مجلس درمورد پاسخ رهبری به ماجرای حجاب گفت: در این جلسات باب نیست که شخصی از دور رهبری را خطاب قرار بدهد و رهبر انقلاب فقط پاسخ داده که خداوند گوش شنوایی به من عطا کند تا حرف‌های شما را بشنوم.

وی تاکید کرد: در آن جلسه هیچ ارتباطی میان رهبر انقلاب و نقدعلی برقرار نشد. رسم نیست در چنین مراسمی کسی بلند شود تا با رهبری صحبت کند. دبیری در پایان گفت: آقای رئیس جمهور در مورد قانون حجاب موضع مشخصی دارد و از سمت مجلس هم چیزی به دولت ابلاغ نشده است.

در تجمع حجاب گفت که چند شب قبل خدمت رهبری بودیم؛ بلند شدم و سوال کردم «این بزرگواران می‌گویند قانون خلاف امنیت است»؛ رهبری سرسینه جواب دادند «دعا کنید ما گوش شنوا داشته باشیم» و رسانه اصولگرای مشرق نیز در واکنش به این اظهارات نوشت: نقدعلی نماینده مجلس بسا حضور در تجمع غیرقانونی در مقابل مجلس روایتی را که اتفاق در دیدار کارگزاران با رهبر انقلاب مطرح کرد که خلاف واقع و کذب محض است. (هم‌میهن و انتخاب)

رفع فیلترینگ اولویت مرکز ملی فضای مجازی در سال ۱۴۰۴ نیست؟ به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز ملی فضای مجازی، حسین دلیربان سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی گفت: در سال ۱۴۰۴ مرکز ملی فضای مجازی اولویت‌های بسیار مهمی از جمله پیگیری جهت تحقق سند راهبردی، سرعت گرفتن اجرای شبکه ملی اطلاعات، ارتقای امنیت سایبری کشور، بهبود حریم خصوصی کاربران، افزایش تولید محتوای بومی، تسهیل شرایط برای کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال و ... را در برنامه دارد.

وی خاطر نشان کرد: مرکز ملی فضای مجازی به عنوان بازوی شورای عالی فضای مجازی برای

دستور زبان عشق
هر چه کمتر شود فروغ حیات / رنج را جانگدازتر بینی
سوی مغرب چو رو کند خورشید
سایه‌ها را درازتر بینی
رهی معیری

دعای روز دوازدهم ماه رمضان
بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
اللهمّ زَیِّنّی فیهِ بالسّتْرِ والعَفافِ واسْتُرنی فیهِ بِلباسِ القُنوعِ والکَفافِ واحْمِلنی فیهِ علی العَدْلِ والإنْصافِ وامِنّی فیهِ من کلِّ ما أخافُ بِعِصْمَتِکَ یا عِصْمَةَ الخائفین.
خدایا زینتَ ده مرا در آن با پوشش و پاکدامنی و بپوشانم در آن جامه قناعت و خودداری و وا دارم نما در آن بر عدل وانصاف و آسوده ام دار در آن از هر چیز که میترسم به نگاهداری خودت ای نگه دار ترسناکان.

واگویه‌های انتظار
اما فراموش نکن / اندوهِ آوازهای پرنده‌ای را
که چند بهار، لای شاخ‌وبرگِ تو پنهان زیست
بی آن که لانه داشته‌باشد
لیلا کردبچه

اوقات شرعی تهران: اذان صبح: ۰۴:۵۳ | طلوع آفتاب: ۰۶:۱۷ | اذان ظهر: ۱۲:۱۴ | غروب آفتاب: ۱۸:۱۰ | اذان مغرب: ۱۸:۲۸

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۴۰۱۲ | پنجشنبه | ۲۳ اسفند ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن: ۸۸۴۳۱۹۸۸ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

سکوت آسمان ادامه دارد

درباره تراکتور و تندروها و باران تهران

۱ تراکتور هم باخت. در ضربات پنالتی تا بقیه مسابقات باشگاه‌های آسیا چه در سطح یک و چه در سطح دو برای ایران و فوتبالش تمام شده باشد. گفته بودم که. از معجزه دیگر خبری نیست. همان‌طور که پرسپولیس در مقابل النصر به معجزه‌ای دست نیافت، همان طور که استقلال در بازی مهم در ریاض توفیقی پیدا نکرد، حالا تراکتور هم که تشنه التفات آسمان بود، ناکام ماند. دروازه‌های معجزه به سمت ایران بسته شده است. به قول غربی‌ها آسمان سکوت کرده است.

۲ غلبه ادبیات دوستان تندرو بر فضای اجتماعی ایران حالا با هرفشار و هر کار تبلیغاتی، زبان جهانی ایران را محدود می‌کند. شک نکنید. آن ایران، هیچ نفوذی بر قلب‌های هیچ مردمی نخواهد داشت. ادبیات اساتید محترم رسایی و ثابتی و خضریان و بانکی‌پور و آن خطبا و آن مداحان، محدود و محلی و محکوم به شکست هستند. این دیگر اظهر من‌الشمس است.

۳ در روزهای بارانی تهران در این همهمه و شلوغی نفسگیر گاه چنان صحنه‌هایی ثبت می‌شود که نفست را در سینه حبس می‌کند. اول هفته در گذر از بلوار کاوه و در چند قدمی اندرزگو، کوهپایه‌های تهران در میزبانی از ابرهایی که به روی دامنه آن جلوس کرده بودند و بازی نور و باران در فراز آنها تصویر شکوهمندی از طبیعت بهاری تهران را ثبت کرده بود. فقط می‌توانستی چند ثانیه در این تصویر زیبا غوطه‌ور بشوی چرا که بوق ماشین پشتی و ناسزای پیک موتورسواری که نگران سرد شدن کباب لقمه داخل باکسش بود، تو را به سرعت به کف زندگی عادی در تهران باز می‌گرداند.

دنده عقب
اشکان عقیلی‌پور

رفقا راستش‌رو بخواین، من غیر از شما عزیزان، یه سری دوستان دیگه‌ای هم دارم. یکی از این خوبان، دوست بسیار قدیمی و عزیزیه که به شغل لوله‌کشی مشغول هستند. البته برخلاف شما که بنده خیلی علاقه‌مند به دیدن روی ماهتان هستم، روی ماه ایشون رو اصلا دوست ندارم ببینم؛ ولی نمی‌دونم چرا تا اینجای زندگی، ایشون رو از همه انسان‌های روی کره زمین بیشتر دیده‌ام. دیگه وقتی یه اتفاقی میفته و بهش زنگ می‌زنم، قبل از هرگونه اعلام وضعیتی راجع به اینکه کجا رو آب گرفته یا سقف کجا ریخته، نیم ساعتی به حال احوال بزرگ و کوچک فامیل ایشون و فامیل ما می‌گذره و یه ربعی هم به تحلیل اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور و منطقه و بعد بالاخره می‌ریم سر اصل مطلب. می‌خوام بگم که اینقدر موقع کار کردن با هم حرف زدیم، دیگه یک روح شده‌ایم در دو بدن. اصلا یه چند وقت هم رو نمی‌بینیم، خماریم.

طی سالیان گذشته، به دیدن دو سه ماه یک بار ایشون عادت کرده بودم و عموما کارهایی هم بود که خیلی سریع تموم می‌شد و برمی‌گشتم به روال عادی زندگی. کولری بود، شوفاژی بود، شیلنگ و بستی بود، بالاخره یه جوری می‌گذشت. دیگه در فاجعه‌بارترین حالت، ترکیدگی لوله بود که ۴۸ ساعته، زندگی نرمال روی ریل می‌افتاد.

ولی از قضای روزگار چند وقتیه که با این برادر محترم، مثل زن و شوهرها شده‌ایم. یعنی همین جور ایشون دیگه هست. این‌ور رو درست می‌کنیم، اون‌ور، دیوارش میاد پایین. اون لوله‌رو میاریم رو کار، لوله این‌ور می‌ترکه. دوش رو درست می‌کنیم، روشویی خراب میشه. اصلا یه وضعی شده و می‌تونم بهتون عرض کنم که خیلی زیرپوستی، خونه‌م کاملا نوسازی شد.

خب البته همون‌طور که در جریان هستید، بنده کارهای دیگه‌ای هم در زندگیم دارم و اساسا لوله‌کشی جزء اهداف زندگیم نبوده و کلا به یک مقوله دیگری علاقه‌مند هستم و به کارهای فنی نه‌تنها علاقه‌ای نداشتم بلکه هیچ‌گونه استعدادی هم نداشتم ولی چه می‌شود کرد که فعلا وردست این دوست خوب‌مون هستم و موقع کار، لب باز نکرده، آچار مورد نظرش رو گذاشته‌ام کف دستش. نظر ایشون اینه که اتفاقا خیلی هم استعداد دارم و علاقه هم حالا کم‌کم به وجود میاد. خب البته نظر ایشونه و بسیار هم محترم. بگذریم...

عرضم این بود که دیروز تولد این بزرگوار بود که در میان خاک و گچ و فِرز و مته و لوله‌پوسیده، متوجه شدم و دیده‌بوسی کردیم و بسیار هم خوش گذشت. البته کاش کیکی بود و شمع فوت کردنی که متاسفانه مقدور نبود و قول دادم که ایشالا سال بعد جبران می‌کنم این کاهلی رو. ولی زندگی امروزم حتی از دیروز هم قشنگ‌تر بود. در مراحل آخر بازسازی منزل هستیم و فکر می‌کردم که اگر امروز کاسه توالت عوض بشه و تموم شه، دیگه چیزی نمونده که بخواد خراب بشه و به امید پروردگار، یه چند وقتی از دیدن روی خیلی ماه ایشون خلاص هستم و تا مدتی، کله صبح تصویر زیباشون رو پای آیفون تصویری نمی‌بینم...

امروز رو عرض می‌کردم. صبح که زنگ زد و رفتم که چهره سینماییش رو پای آیفون ببینم و در رو باز کنم، متوجه شدم نوزادی در آغوش دارن.

دوستان... هر چی چشمام‌رو مالوندم، صحنه‌ای که می‌دیدم رو باور نمی‌کردم. در همون حال خواب‌آلودگی فکر کردم که ایشون رسما اومده که با من زندگی کنه و بچه‌رو هم با خودش آورده. بعد از تنگ و گشاد کردن چشم‌ها و مطمئن شدن از تصویر، در رو باز کردم. وارد آپارتمان که شد، خنده گشادی تحویلم داد و مزه ریخت که: «امروز واسه خودم شاگرد آوردم.». بعد از خنده‌ای زورکی به طنز زیبایش، اصل ماجرا رو جویا شدم. از بد حادثه، در شب آخرِ این عملیات بالاتر از خطرِ منزل ما، همسر محترمه این رفیق، گیر سه‌پیچی داده و خونه‌رو رو سرش خراب کرده و رفته خونه باباش تا تکلیف این مردک‌رو روشن کنه.

خب رفقا... عرض کنم امروز افتخار این رو پیدا نکردم که در خدمت اوستا باشم. چون بچه داشت دندون درمی‌آورد و من هم باید همونجور که بغلش کرده بودم، براش شعر بخونم و تو خونه از لای خاک و گِل راه برم و «آهویی دارم خوشگله، فرار کرده ز دستم» بخونم و پیش‌پیش کنم تا آروم بگیره و البته از اون ور هم با همسر محترمه صحبت کنم که از خر شیطون بیاد پایین و برگرده سر خونه زندگیش و بچه‌رو تیمار کنه تا اوستا هم این خراب شده‌رو به یه سرانجامی برسونه.

گزارش خدمت‌تون عرض کنم که تا این لحظه، پنج بار آروغ گرفته‌ام و گلاب به روتون، سه بار پوشک عوض کرده‌ام. مادر بچه هنوز رضایت نداده و کاسه توالت هم فعلا هیچی به هیچی؛ چون اوستا جانم، چهار زانو نشسته رو کیسه‌های گچ و سیمان و به یه نقطه خیره شده.

قصه‌های گمشده ۱۳۰ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)
آرش خوشخو

امپراطوری جوراب‌های ابریشمی

در مورد کارآفرین‌ها و سرمایه‌دارهای قبل از انقلاب افسانه‌های زیادی موجود است که برخی از آنها با دروغ و مبالغه همنشین شده‌اند. اما هرچه هست در تحول اقتصادی دهه چهل بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک محلی و حجره‌ای شکوفا شدند و وارد مرحله تولید صنعتی شدند. ارج و آزمایش و پیکان و نساجی مقدم و پارس تریکو و پارس الکتریک و مینو و کفش ملی و جامکو و برف و ...در مورد همه این‌ها واقعیت و دروغ به هم آمیخته ...حالا می‌خواهیم داستان استارلایت را برایتان بگوییم.

خانواده سادات تهرانی یکی از همین دسته تاجران سنتی بازار بود که از شکوفایی و رانت‌های اقتصادی دهه چهل کمال استفاده را برد. جلال‌الدین سادات تهرانی متولد ۱۲۸۲ از همان جوانی پیرو کسب و کار خانوادگی‌شان وارد خرید و فروش جوراب و زیپ و گالش شد. او کلا سه کلاس سواد داشت اما ثابت کرد که یک بازرگان بالفطره است. او ابتدا دو حجره مغازه خرید و کم کم کار خودش را توسعه داد. او در کنار بیزنس جوراب شم عجیبی در عرصه ملک و زمین و ساختمان داشت و به یکی از زمینداران و مالکین مشهور تهران بدل شد. از دهه بیست خودش بنا را بر تولید جوراب گذاشت و در اواخر دهه سی ماشین آلات مربوط به برند فرانسوی استارلایت را خرید و با کمک دو پسر تحصیل کرده‌اش ضیاءالدین و شمس‌الدین، بنای یک امپراطوری خانوادگی را بنیان گذاشت. پسر دیگرش رکن‌الدین که در آمریکا دکترای اقتصاد گرفته بود به ایران بازگشت و به یکی از دو معاون اصلی عالیخانی در سال‌های ۴۲ تا ۴۷ بدل شد. در کنار رضا نیازمند.

تاجران و سرمایه‌داران آن دوران در یک سنت پسندیده فرزندان خود را برای تحصیل در رشته‌های مرتبط صنعتی به خارج از کشور می‌فرستادند و بعد در مدیریت صنایع خود از آنها استفاده می‌کردند. کارخانه تولید جوراب استارلایت و کارخانه نساجی و پوشاک پارس تریکو و در کنارش مجموعه‌ای شامل ۵۰ قطعه زمین و ملک و مراکز خرید و فروشگاه، موجب یک ثروت افسانه‌ای شده بود. استارلایت در دهه پنجاه شکوفا شد. با بیش از ۵۰۰ کارمند و کارگر. و پسران سادات تهرانی برای تبلیغ جوراب‌های ابریشمی زنانه به تمام ترفندهای تبلیغاتی روز روی آورده بودند و خب همین شکل تبلیغات و نمایش پاها و ساق‌های کشیده، بعدها موجب بدبینی دادگاه‌های انقلاب به خانواده سادات تهرانی شد. آن هم در حالیکه سادات تهرانی جزو تجار بسیار مذهبی کشور بود. در ردیف خسروشاهی و برخورداری. با این حال شکل تبلیغات محصولات و همین طور حضور پسر سادات تهرانی به عنوان معاون وزیر اقتصاد موجب شد تا دادگاه‌های انقلاب بی‌رحمانه رای به مصادره اموال سادات تهرانی بدهند. و اموال او را ناشی از تبانی با دولت پهلوی بدانند.

این در حالی است که سادات تهرانی بخش اعظم ثروت خود را قبل از انتصاب پسرش به عنوان معاون وزیر اقتصاد کسب کرده بود. (خسروشاهی، مالک مینو هم به خاطر حضور پسرش به عنوان معاون وزیر بهداری عقوبت مشابهی را تجربه کرد) سادات تهرانی که در تابستان ۵۸ یک پیرمرد ۷۶ ساله بود همچنان بر حق خود در مالکیت این صنایع پافشاری می‌کرد و در تهران ماند و طی ۱۲ سال سعی کرد اموال خود را پس بگیرد. اما حتی توصیه‌های برخی علمای مشهور هم کمکی به او نکرد و اموالش در مصادره باقی ماندند.

بخش اعظم سهام شرکت پخش جوراب و همین طور کارخانه استارلایت به بنیاد مستضعفان واگذار شد. اواسط دهه شصت کارخانه استارلایت به تدریج به بنیاد الهادی که هادی غاری مدیریت آن را بر عهده داشت واگذار شد. خود هادی غفاری در گفت‌وگو با شرق گفته: «کارخانه را امام دادند. من به میرحسین گفتم، میرحسین هم به احمدآقا نوشتند. امام زیر نامه نوشتند یک چیزی بدهید اداره کند.

من هم بعد تحویل دادم. استارلایت یک مجموعه زیان‌ده به‌هم‌ریخته، بدهکار و مرده بود که به من دادند. که به شوخی گفتم امام سر ما کلاه گذاشته است. یک جریان بی‌مصرف را به ما دادند. ما دوسال‌ونیم، سه سال آن را اداره کردیم.» این کارخانه از اوایل دهه هشتاد به شکل کامل تعطیل شد.

اما خانه بزرگ سادات تهرانی هم داستان خودش را دارد: خانه مصادره شده رکن‌الدین سادات تهرانی به علی‌اکبر ولایتی واگذار شد. ولایتی در این مورد می‌گوید: «خانه را ارزیابی کردند ۳۶ میلیون تومان و خانه بنیاد شهید را ارزیابی کردند ۵۱ میلیون تومان. البته این ارزیابی در سال ۷۰-۷۱ انجام شده‌است. ۱۵ میلیون تومان ما باید سر می‌دادیم. مدت طولانی باید ماهی ۷۰۰ هزار تومان می‌دادیم. خانه‌ای که گرفتیم ۱۰۰۰ متر بود. ۲۲۴ متر از این خانه را حسینیه کردیم. اخیراً که دیدم این حسینیه احتیاج به توسعه دارد، ۲۰۰ متر دیگرش را هم وقف کردیم. پس، از ۱۰۰۰ متر ۶۰۰ متر برای ما مانده‌است.» سحام نیوز به نقل از کروبی می‌نویسد که آقای ولایتی ملک خود را به بنیاد شهید داد و به‌جای آن ملکی در سعدآباد را خواست. قرار شد مابه‌التفاوت قیمت آن را پرداخت کند. اما پس از معامله گفت من پول کافی ندارم و قرار شد که به‌صورت اقساط این پول را پرداخت کنند. تا اینکه پس از درگذشت روح‌الله خمینی علی‌اکبر ولایتی «یک روز آمدند و به من گفتند که من بقیه آن پول را با ... حساب می‌کنم لذا آقای ولایتی باقی پول را به ما ندادند و اظهار کردند که خودم می‌روم قضیه را حل می‌کنم.»

سید جلال سادات تهرانی در سال ۱۳۷۲ و در سن ۹۰ سالگی فوت کرد.

مظنونین همیشگی

محمود به روایت ابراهیم

من اعتقاد ندارم که آثار محمود دولت‌آبادی در جامعه اثری داشته، بلکه اعتقاد دارم آثارِ آقای قاضی با اینکه به من فحش هم داده، بیشتر اثر داشته و حرف درست‌تر هم زده است. اتفاقا الان می‌خواستم راجع به محمود دولت‌آبادی بگویم. همین دو سه روز پیش یک‌چیز فوق‌العاده خواندم؛ محمود دولت‌آبادی تعریف کرده بود که با شاملو رفتند فیلمی دیدند و گفتند چه فیلم بدی است، در حالی که فیلم خوبی بوده. شاملو درک سینما نداشت و سناریوی چندین فیلم قزمیت را نوشت، بدون اینکه اسمش روی کار بیاید. می‌خواهند در سینما قصه بگویند، سینما قصه‌گفتن که نیست! این است که می‌گویم در بیان اینکه چه‌کسی روشنفکر هست، باید خِسَت به خرج داد. البته آقای دولت‌آبادی، پسر خوبی است و من واقعا دوستش دارم. چندین مرتبه به خانه من آمده. وقتی مسعود کیمیایی قصه «خاک»اش را بد فیلمی کرد، من در کتابی که سی، چهل سال پیش چاپ شد، ضد دستبرد ناجور کیمیایی در قصه دولت‌آبادی نوشتم. من از دولت‌آبادی خوشم می‌آید، ولی نه در حدی که او را روشنفکر بدانم. هر کسی می‌تواند اظهار عقیده کند ولی در جامعه‌ای که بیشتر اظهانظرها قزمیت باشد، وقتی آدم‌هایی بالاتر اظهارنظر کنند، کسی نمی‌گوید غلط است. البته در تاریخِ ما کسانی بودند که می‌توانستند این کار را بکنند؛ مثل محمدحسین تمدن‌جهرمی که از متوسطه با هم همکلاسی بودیم، یا حسین ملک که برادر ملکی بود و خود خلیل ملکی. عده‌ای هم بودند در همان بحبوحه که نمی‌توانستند مثلِ آقای داوود نوروزی یا طبری که نتوانست بکند...

سایت‌نگار

برخورد با عقاب، مرگ کنار استخر، هویت پرستارهای خارجی

سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، موضوع به کارگیری پرستاران خارجی غیرمجاز در یکی از بیمارستان‌های تهران را به نقل از رئیس کل سازمان نظام پرستاری، مطرح کرد. سلمان اسحاقی می‌گوید: رئیس کل سازمان نظام پرستاری، در این نشست معتقد بود؛ با پدیده به کارگیری پرستار خارجی غیرمجاز در بیمارستان‌ها مواجه هستیم به گونه‌ای که بر اساس بررسی‌ها شاهد به کارگیری ۳۰ پرستار خارجی غیرمجاز در یکی از بیمارستان‌های تهران بودیم. خبرآنلاین برای بررسی جزئیات اشتغال پرستاران خارجی در شهر تهران، با محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستار، گفت‌وگو کرده است.

شریفی مقدم می‌گوید: به ضرس قاطع به شما می‌گویم که هیچ پرستار خارجی با شرایط حقوقی فعلی پرستاران ایرانی که حتی در شرایط فعلی به ۲۰۰ دلار هم نمی‌رسد به ایران نمی‌آید و چنین امکانی در حد محال است؛ مگر اتباع افغانستانی که در ایران پرستاری خوانده‌اند که البته آن‌ها هم در ایران نمی‌مانند و بعد از پایان تحصیلات خود از ایران می‌روند. پرستاران افغانستانی تحصیلکرده در ایران هم ترجیح می‌دهند به کشورهایی مثل کانادا بروند و به جای کمتر از ۲۰۰ دلار حقوق، ۶ هزار دلار حقوق بگیرند. هیچ عقل سلیمی حکم نمی‌کند که مثلا پرستاری از اروپا و کشورهای اروپایی یا کشورهایی مثل هند، پاکستان، فیلیپین و ... به ایران بیاید. اشتغال پرستاران اتباع افغانستانی در ایران موضوع تازه و جدیدی نیست و حدود ۲۰ سال پیش در قم شاهد این موضوع بودم که پرستاران افغانستانی به خاطر حضور چندین ساله خانواده‌هایشان در ایران محبور به کار در ایران بودند.

علیرضا یوسفی که با گرفتن مدال طلای دوضرب مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۴ بحرین بیش از گذشته سر زبان‌ها افتاد با گلایه از مسئولان شهر خود بیان کرد: بعد از گرفتن مدال جهانی بیشتر اعصاب خردکنی و دغدغه برای من باقی ماند. من عرق زیادی به قائمشهر دارم و به‌خاطر مردمش خیلی این شهر را دوست دارم اما گاهی می‌گویم کاش اهل قائمشهر نبودم. به نقل از ایسنا، او ادامه داد: برخی مسئولان شهرم اصلا به ورزشکار اهمیت نمی‌دهند و اگر هم بخواهند کاری کنند سمت فوتبال و باشگاه تیم نساجی می‌روند فقط برای اینکه دیده شوند. بعد از مسابقات قهرمانی جهان یک مراسم گلریزان با مشورت مدیر کل ورزش و جوانان قائمشهر و فرماندار سابق گرفتیم و قرار بود هزینه این مراسم را اداره کل ورزش و جوانان قائمشهر بدهد. همه مسئولان و افراد آمدند و فقط در این مراسم حرف زدند اما هیچکس به وعده‌های خود عمل نکرد. برخی سرمایه‌داران هم تنها وعده دادند که به من پاداش می‌دهند اما هیچ اتفاقی نیفتاد. یوسفی همچنین گفت: پول مراسم که شامل تالار و شام و همه چیز بود، ۱۲۰ میلیون تومان شد که من از جیب خودم دادم و آن را هم به من برنگرداندند. مدیر کل ورزش جوانان قائمشهر به من گفت ۸۰ میلیون برای مراسم پرداخت می‌کند اما دو ماه گذشته و هیچ خبری نشده است. این مراسم گلریزان برای حمایت از من بود و قرار نبود که من بخواهم به همه شام بدهم. اگر قرار بود چنین مراسمی بگیرم حداقل دوستان و آشنایان خودم را دعوت می‌کردم. در مراسم به گونه‌ای برخورد شد که آبروی من رفت و هزار تومان هم به من ندادند. من به هیچ عنوان اهل مادیات نیستم و تا الان هم انتقادی صحبت نکرده‌ام اما فکر می‌کنم الان جایش بود که حرف بزنم.

از سال ۱۳۹۸ که قانون «اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی» در مجلس دهم تصویب شد، چه تعداد فرزند حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، توانسته‌اند شناسنامه بگیرند؟ شیبانی، مدیر کل امور هویتی سازمان ثبت احوال کشور در این باره به همشهری گفت: از ابتدای تصویب این قانون تا بهمن امسال ۳۱ هزار و ۳۲ فرزند حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی شناسنامه دریافت کرده‌اند که ۴ هزار و ۹۳۴ مورد آن برای سال ۱۴۰۳ است.

محمدتقی نقدعلی، نماینده افراط گرای خمینی شهر، در پایان دیدار اخیر کارگزاران نظام با رهبر انقلاب، از جای خود بلند شده و با صدای بلند خطاب به رهبری گفته است: «حضرت آقا درباره لایحه حجاب بفرمایید، ما خون دل خوردیم تا آن را تصویب کردیم، در مجلس می‌گویند شورای عالی امنیت ملی جلوی اجرای آن را گرفته است.»

رهبری نیز توجهی به حرف او نمی‌کنند و می‌گویند: «ای کاش دعا کنید خدا گوش شنوایی به من دهد تا بشنوم حرف‌های شما را!» نقدعلی که گویا متوجه منظور رهبری نشده بوده یا تجاهل می‌کرده، گفته: «من می‌آیم جلوتر صحبت می‌کنم که بشنوید!» ولی محافظان جلوی او را رفته و همان جا که بوده‌اند سرجایش می‌نشانند. حالا ببینید این ماجرا را چگونه روایت کرده است: او در جمع اندک افرادی که به نام حمایت از قانون حجاب جلوی مجلس جمع شده بودند، گفته است: چند شب قبل ما خدمت مقام معظم رهبری بودیم؛ بنده در پایان بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری بالاخص در عرصه اقتصادی، پا شدم، از ایشان سوال کردم: حضرت آقا! این بزرگواران (روسای قوا) می‌گویند این قانون (حجاب و عفاف) خلاف امنیت است. مقام معظم رهبری سربسته جواب داد، فرمود: «دعا کنید ما گوش شنوا داشته باشیم.» شما بگویید معنای این کلام چیست؟ من تفسیر نمی‌کنم. از نظر ما معنای آنچه گذشت این است که شما در روز روشن، دارید دروغ می‌گویید. در آن نشست همه کارگزاران نظام، از شخص رهبری و رئیس‌جمهور و روسای دو قوه دیگر و وزیران سابق و لاحق و استانداران و نمایندگان مجلس و فرماندهان قوای مسلح و همه و همه حضور داشتند و آنچه شد را دیدند و شنیدند و شما، با کمال وقاحت، چیزی که جلوی چشم این همه مقام لشکری و کشوری رخ داده را جور دیگری تعریف می‌کنید؛ اسم این کار، «دروغ گفتن» است. آدم با خود می‌گوید شما و امثال‌تان که در روز روشن، مسئله‌ای را که مربوط به رهبری است و در برابر چشمان همه مقامات مملکت رخ داده است، این گونه جعل و تحریف و مصادره به مطلوب می‌کنید، چون به خلوت می‌روید چه می‌کنید؟! جواب پر معنایی که رهبری به شما دادند و بعد از آن، محافظان حتی مانع حرکت‌تان شدند و سرجایتان نشاندند، اگر درباره هر نماینده دیگر مدعی ولایتمداری رخ می‌داد، حالا حالاها سعی می‌کرد در این باره سخنی نگوید ولی عجیب است که بی‌هیچ پروایی، ۳ روز بعد، میکروفن به دست می‌گیرد و در جمع اندک حامیان قانون حجاب می‌گویید که من چنان گفتم و رهبری گفتند دعا کنید ما گوش شنوا داشته باشیم؛ گو این که رهبری حرف شما را پذیرفته‌اند و با کنایه به سران سه قوه گفته‌اند که آنها گوش شنوا ندارند! (عصر ایران)

یک دختر نوجوان در کنار استخر ویلای اجاره‌ای و به طرز مرموزی جان سپرد.

این حادثه تلخ چند روز قبل در یکی از روستاهای اطراف آرامگاه فردوسی مشهد درحالی فاش شد که چند جوان و نوجوان ویلایی را به منظور برگزاری دورهمی شبانه اجاره کرده بودند اما در نهایت دو پسر نوجوان به همراه یک دختر دانش‌آموز ساعاتی را در ویلای اجاره‌ای سپری کردند تا این که وقتی یکی از پسران نوجوان چشمانش را گشود متوجه حادثه دلخراشی شد و دوستش را مشاهده کرد که بیهوش شده است.

او بلافاصله نگهبان باغ ویلا را در جریان گذاشت و این گونه امدادگران اورژانس و نیروهای انتظامی به طرف باغ ویلا حرکت کردند.

در همین حال پسر نوجوان دیگر هم با پاشیدن آب به سر و صورتش به هوش آمد اما دختر نوجوان که دانش‌آموز کلاس هشتم بود به طرز مرموزی جان سپرد. طولی نکشید که با دستور سروان مصطفی حسنی (رئیس پاسگاه انتظامی فردوسی) نیروهای انتظامی وارد عمل شدند و ماجرا را به قاضی وحید خاکشور (قاضی ویژه قتل عمد) اطلاع دادند.

هوشنگ حسینی، خبرنگار مجله «جوانان» یک هفته بعد از بازی ایران و استرالیا در ورزشگاه یک صدهزار نفری (در شهریور ۱۳۵۲) ترتیب یک گفت‌وگو را در چارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی مونیخ ترتیب داد. ناصر حجازی دروازه‌بان تیم ملی و تیم تاج -استقلال- در اوج شهرت بود و بهروز وثوقی در بهترین سال‌های بازیگری خود. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را بخوانید:

بهروز: چند ساله تو تیم ملی بازی بازی می‌کنی؟
حجازی: شش سال (در آن تاریخ سه سال بود که در تیم ملی حضور داشت!)
بهروز: در دوران فعالیت خود چه موقع بیش از همیشه ناراحت بودی؟
حجازی: همین بازی اخیر در استرالیا سیدنی.
بهروز: چرا باختید؟
حجازی: بچه‌ها از لحاظ روحی خسته بودند.
بهروز: راستی شنیدم قراره بیایی تو سینما وقتی خبرش رو خوندم خیلی خوشحال شدم. در سینما از نظر چهره‌های جوون با کمبود زیادی روبه‌رو هستیم و بدون شک با محبوبیت و شهرتی که در بین مردم داری خیلی زود موفق میشی، در ضمن دلم می‌خواد اولین فیلمت با هم بازی کنیم.
حجازی: این که باعث افتخار منه و چی بهتر از این که کارم را در سینما در کنار وجود پرتوانی مثل بهروز شروع کنم.
بهروز: خوب اگر در سینما هم مثل فوتبال کارت بالا گرفت و موفق شدی حاضری فوتبال رو کنار بگذاری؟
حجازی: شاید وضعی پیش بیاد تیم ملی را کنار بگذارم ولی باشگاهم را ترک نخواهم کرد.
بهروز: راستی چرا به ما شیرینی ندادی. شنیدم ازدواج کردی.
حجازی: نامزد شده‌ایم.
بهروز: آهان! پس یادت باشد عروسیت مارو دعوت کنی! خوب خانمت راجع به این که می‌خواهی هنرپیشه بشی چه نظری داره؟
حجازی: سخت مخالفه.
بهروز: پس می‌بینی حق یا منه، منم به همین خاطر زن نمی‌گیرم! ... در مسافرت‌های ورزشی هیچ‌وقت عشقی به سراغت اومده؟
حجازی: چهار سال پیش در سفر بانکوک دختری به من دل بست اون به خاطر مسئله‌ای دلگیر شد و رفت.
بهروز: چه مسئله‌ای؟
حجازی: اگر قرار بشه این مسائل رو بگم، منم در همین زمینه سوالاتی دارم که باید جواب بدی. بپرسم؟

بیتا رشید حاجی نوشت: ضرب‌وشتم کیان، دانش‌آموز کلاس چهارم در مشهد، توسط ناظم مدرسه، فراتر از یک اتفاق تلخ، نشانه‌ای از بحران در نظام آموزشی است. کودکی که برای بازی در حیاط مدرسه، با خشونت غیرقابل‌توجیه مواجه شد، استخوان پایش شکست و لگنش آسیب دید. این حادثه تنها یک خطای فردی نیست؛ بلکه پرسشی جدی را مطرح می‌کند: چرا چنین اتفاقاتی هنوز در مدارس رخ می‌دهد؟

به‌عنوان یک فرهنگی، این اتفاق را غیرقابل‌قبول می‌دانم و از کیان، خانواده‌اش و تمام دانش‌آموزانی که ممکن است چنین تجربه‌هایی را داشته باشند، عذرخواهی می‌کنم. اما عذرخواهی، کافی نیست. تا زمانی که آموزش‌وپرورش به اصلاح ساختارها، افزایش نظارت و آموزش مهارت‌های رفتاری به کارکنان مدارس نپردازد، چنین فجایعی تکرار خواهد شد.

فخرالدین کشاورز در گفت‌وگو با مهر با اشاره به لغو پرواز شیراز به تهران در عصر سه‌شنبه ۲۱ اسفند ماه گفت: شب گذشته یک هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ در آستانه پرواز از شیراز به تهران، به‌دلیل برخورد ناگهانی یک عقاب به موتور شماره ۲ مجبور به انصراف از پرواز و بازگشت به پارکینگ شد. وی ادامه داد: موتور سمت راست این هواپیما قبل از پرواز به علت ورود پرنده عقاب صدمه دید. مدیر کل فرودگاه‌های استان فارس افزود: به منظور بازرسی موتور و تعمیرات لازم هواپیما به پارکینگ بازگشت و پرواز باطل اعلام شد.

حرف های داغ هفته

مریم شیرزاد

فکر نمی‌کردم این سریال، گیرایی داشته و اینقدر مورد توجه قرار بگیرد. دیالوگ‌های اوشین خیلی با من مطابقت روحی داشت، لطیف، ملایم و در آرامش گفته می‌شد. شخصیت معصوم و زحمتکش اوشین برای من جذابیت داشت. بیشتر مواقع پرهیز می‌کردم از اینکه خودم را در معرض عموم قرار دهم به این دلیل که خودم را نمی‌پسندیدم و اینکه مگر چه کار کرده‌ام؟ شهرت گریز بودم. در واقع از اینکه من را به عنوان گوینده اوشین صدا می‌زدند، ناراحت می‌شدم. در هر محفل هنری که دعوت می‌شدم من را گوینده اوشین صدا می‌زدند و من بی‌هویت شده بودم و برایم خوشایند نبود. ورود به دوبله سخت است اما صبر لازم دارد.

برمودا
۲۰اسفند

نصرالله مدقالچی

به نظر من دوبله از نظر کیفی واقعا تمام شده است. آیا دوبله‌های امروز مثل دوبله‌های سابق است؟ آیا دیالوگ‌هایی که می‌شنوید، درست است؟ یکی از دلایل این است که افراد بدون استعداد و با پارتی‌بازی وارد شده‌اند در حالی که در کار هنر، پارتی‌بازی بی‌فایده و بیهوده است و با پارتی‌بازی کسی هنرمند نمی‌شود. دوبله یک محل لطیف و یک محل آرامش و احساسات به خرج دادن است و نباید آلوده‌اش کرد. هوش مصنوعی در هنر هرگز نمی‌تواند جای انسان را بگیرد و در دوبله هم اینگونه است. هنر و اثری هنری از ذات و روحیه هنرمند سرچشمه می‌گیرد نه هوش مصنوعی.

هنر و تجربه
۷اسفند

داریوش ارجمند

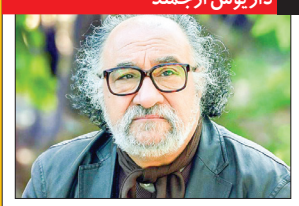

سینما دارای پیچیدگی‌های زیادی است و ملاک در سینمای دینی، مفهوم است. لذا سینمای دینی را یک انسان دینی می‌تواند به‌وجود آورد. چه کسی می‌خواهد فیلم قرآنی بنویسد و چه کسی می‌خواهد بازی کند؟ الان دوران فیلم‌های دلقکان است و چه کار به اسلام دارید. فیلم دینی، نویسنده و بازیگر دینی می‌خواهد و اینگونه نیست که فیلمی تولید کنید و بگویید دینی است. ما که هنوز در خواندن قرآن مسئله داریم، چگونه می‌خواهیم سینمای قرآنی درست کنیم؟ البته می‌توانیم در سینما نشان دهیم که این شخص مسلمان است و می‌تواند قرآن بخواند ولی نام آن را فیلم قرآنی نگذاریم.

ایرنا
۱۹اسفند

مسعود کرامتی

نمایش «اشتراکی» به مشکلات مردم می‌پردازد و نوعی تازه از تئاتر است که در به تصویر کشیدن یک موقعیت اجتماعی موفق عمل می‌کند. من پیش‌تر هم گفته‌ام که ما هنوز در کشورمان فرهنگ آپارتمان‌نشینی نداریم و آن را به درستی نیاموخته‌ایم. ما که هنوز به آپارتمان‌نشینی عادت نکرده‌ایم به خاطر مسائل اقتصادی، مجبوریم به صورت اشتراکی در یک آپارتمان زندگی کنیم. در واقع گل بود و به سبزه نیز آراسته شد. در تهران زندگی اشتراکی داریم و من خودم خانواده‌هایی را که در یک خانه زندگی می‌کنند از نزدیک دیده‌ام. البته مواردی که دیدم زندگی‌های تلخ و سیاهی نبود. آدم‌هایی بودند که با هم کنار آمده بودند.

ایرنا
۲۰اسفند

امیرعلی دانایی

وقتی نقش دکتر حسین بهاروند در سریال «ذهن زیبا» پیشنهاد شد، نشستی با خود ایشان داشتیم. نگاه و شخصیت علمی ایشان برایم بسیار الهام‌بخش شد. با توجه به اینکه پدرم پزشک بودند، از قبل با فضای پزشکی و سبک رفتار یک پزشک آشنایی داشتم. ملاقات‌هایی که با خود دکتر بهاروند داشتم نیز درک عمیق‌تری از شخصیت ایشان برایم فراهم کرد و تلاش کردم این ویژگی‌ها را در بازی خود انعکاس بدهم. این نقش را واقعاً دوست داشتم و تمام تلاشم این بود که به نوعی زندگی‌اش کنم. در هر نقشی، بخشی از خود بازیگر هم وجود دارد اما تلاش کردم خودم را در فضای احساسی و روند کاراکتر قرار بدهم.

ایسنا
۲۱اسفند

چهره هفته

پانته‌آ پناهی‌ها

موفقیت در دو جبهه

پانته‌آ پناهی‌ها کارگردانی سینما خوانده و اولین بار، بازیگری را روی صحنه تئاتر تجربه کرده. او بعد از بازیگری در تئاتر به سمت سینما آمد و در مقام منشی صحنه با فیلم‌ها و فیلمسازان مطرح همکاری کرد. در دهه ۸۰ مقابل دوربین رفت ولی با فیلم گس در سال ۹۱ صاحب شهرت شد. تنوع نقش ویژگی بارز کارنامه پناهی‌ها است. او بازیگری قابل است و صورتی گریم‌خور دارد و به همین دلیل همواره مورد توجه کارگردان‌های شاخص بوده. پناهی‌ها حالا همزمان دو سریال در دست انتشار دارد. هما نجات نام کاراکتر او در «تاسیان» است؛ یک زن همراه و اصطلاحا پایه، برای دختر و برادرزاده‌اش. تحکم با همسر، مِهر نسبت به برادر و دختران از ویژگی‌های ملموس شخصیت است که به‌خوبی در بازی پانته‌آ پناهی‌ها بازتاب داده شده. او کلا بازیگر باهوش و مستعدی است و بارها نقش‌هایی موفق به ثبت رسانده. ثریا در سریال «کوچه دختران غم» زنی خوش صداست که روزگاری در کازینو آواز می‌خواند و از سوی برادر ترک شد. او در آستانه اعدام است و گویی پیش از اتفاق، خودش بارها مرده. این مفهوم که ناشی از پشیمانی است، نمودی درست در بازی پناهی‌ها دارد. این بازیگر سال پیش هم با «مرداب» در شبکه خانگی درخشید.

این فیلم ها را ببینید

هفت بهار نارنج / عاشق شو

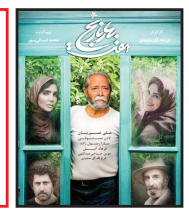

- کارگردان: فرشاد گل‌سفیدی
- تهیه‌کننده: محمد کمالی‌پور
- نویسنده: احمد رفیع‌زاده
- بازیگران: علی نصیریان، لادن مستوفی، هومن حاجی‌عبدالهی
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

علی نصیریان سال گذشته و در ترکیب اکران نوروزی، با فیلم نوجوانانه و فانتزی «نوروز» حضور داشت که البته شرایط اکران آن چندان مناسب نبود و فیلم در گیشه شکست خورد. حالا به‌فاصله یک سال، او با فیلم متفاوت «هفت بهار نارنج» در ترکیب فیلم‌های نوروزی قرار گرفته است. فیلمی که دو سال پیش در جشنواره فجر رونمایی شد و نصیریان برای آن سیمرغ بازیگری را شکار کرد. این فیلم عاشقانه که احتمالا مخاطب خاص خود را هم دارد، در ایام نوروز در گروه سینمایی «هنروتجربه» روی پرده خواهد بود.

بامبولک / خاطرات بام‌بالا

- کارگردان: آرش معیریان
- تهیه‌کننده: بهروز مفید
- نویسنده: امیرمحمد عبدی
- بازیگران: امیرحسین رستمی، شهره سلطانی مهرداد ضیایی
- محصول: ایران / ۱۴۰۳

«بامبولک، نوه آخر بامبالا خان ماموریت دارد که نعنا را در رسیدن به آرزویش که داشتن یک خواهر یا برادر است، یاری کند، اما شیطونک نمی‌خواهد آن‌ها به آرزوی‌شان برسند.» این خلاصه داستان رسمی فیلم «بامبولک» است و اگر شناسنامه ابتدایی این کاراکتر برای‌تان عجیب است، احتمالا پیش‌تر فیلم عروسکی «بام‌بالا» را ندیده‌اید! فیلم تازه آرش معیریان در واقع قسمت دوم یکی از فیلم‌های موفق کودک و نوجوان در سال‌های اخیر است. فیلمی که پایه و اساس روایت آن بر رویاپردازی بچه‌ها بنا شده و حالا در اکران نوروزی روی پرده است.

روزی روزگاری آبادان / در سایه جنگ

- کارگردان: حمیدرضا آذرنگ
- تهیه‌کننده: عبدالله اسکندری
- نویسنده: حمیدرضا آذرنگ
- بازیگران: محسن تنابنده، فاطمه معتمدآریا
- محصول: ایران / ۱۳۹۹

حمیدرضا آذرنگ از بازیگران برخاسته از تئاتر است که در دهه ۹۰ فعالیت چشم‌گیری در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی هم داشت و بخش عمده‌ای از شهرت امروزش را مرهون ایفای نقش در سریال طنز «نون خ» است. فیلم «روزی روزگاری آبادان» اولین فیلم بلند آذرنگ در مقام کارگردان بود که متن اولیه آن براساس نمایشنامه‌ای متولد شد که آذرنگ پیش‌تر روی صحنه تئاتر برده بود. ایفای نقش فاطمه معتمدآریا در این فیلم اما اکران آن را با چالش‌هایی مواجه کرد و سرانجام هم به‌صورت محدود فرصت اکران به دست آورد.

پیشنهاد ویژه هفته

فیلم «عزیز»

نمای کلی

- کارگردان: **مجید توکلی**
- نویسنده: **جمیله دارالشفایی**
- تهیه‌کننده: **سیدعلی احمدی**
- بازیگران: **آزاده صمدی، روزبه حصاری، بهمن صادق‌حسنی، رضا عباسی، شیرین محسنی**
- محصول: **ایران / ۱۴۰۱**
- زبان: **فارسی**
- زمان: **۹۰دقیقه**

درباره فیلم

فیلم «عزیز» جدیدترین ساخته مجید توکلی است که مسیر پرفرازونشیبی را برای تولید و عرضه پشت سر گذاشت و بعد از یک اکران مهجور اما پربازتاب، حالا در قالب اکران آنلاین در دسترس طیف گسترده‌تری از مخاطبان قرار گرفته است. توکلی کارگردان جوانی است که سابقه مطبوعاتی او باعث شده نگاهش به سینما صرفا تجاری نباشد و سعی می‌کند در آثاری که تا امروز تولید کرده است به دنبال دغدغه‌ها و داستان‌هایی برود که کمتر قابل تعریف کردن است. فیلم عزیز پیش از اکران در سینماهای کشور در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی حضور داشت و از این رو یکی از آثار موفق ایرانی است که در سال‌های اخیر نماینده سینمای ایران در فستیوال‌های معتبر بین‌المللی بوده است. حضور در بخش مسابقه چهل و هفتمین جشنواره فیلم سائوپائولو برزیل، حضور در دومین جشنواره بین‌المللی فیلم دانانگ ویتنام و حضور در پنجاه و چهارمین جشنواره فیلم هند از جمله این افتخارات محسوب می‌شوند.

درباره داستان

برگ برنده اصلی «عزیز» ایده متفاوت آن است و از همین منظر هم موردتوجه قرار گرفت؛ «عزیز» داستان زنی به همین نام را روایت می‌کند که با بیماری آلزایمر دست‌وپنجه نرم می‌کند. این بیماری نه‌تنها زندگی شخصی او، بلکه روابط او با اعضای خانواده و به‌ویژه پسرش را تحت‌تاثیر قرار داده است.

مجید توکلی در این فیلم تلاش کرده تا تصویری واقعی و در عین حال شاعرانه از چالش‌های این بیماری و تأثیرات آن بر ساختار خانواده ارائه دهد و از دل این موقعیت، داستانی عاشقانه و نامتعارف خلق کرده است. فیلم با صحنه‌هایی از طبیعت بکر و زیبای گیلان آغاز می‌شود که نه تنها حس نوستالژیک و آرامش‌بخشی دارد، بلکه به‌عنوان فضایی برای بسط داستان عمل می‌کند.

تاثیر فیلمساز از فضا و جغرافیایی که تلاش کرده است در آن فیلم را به ثمر برساند با توجه به پیشینه ذهنی مخاطب از سینمایی که در آن دیار به تصویر کشیده شده، غیرقابل انکار است.

روایت کارگردان

مجید توکلی گفته است: «ایده فیلم از یک خاطره که دوستم مطرح کرد آمد و خاطره او دقیقاً درباره مادری مبتلا به آلزایمر بود که عاشق پسرش می‌شود. تصور نمی‌کردم فیلم سوم من اینقدر با دو فیلم قبلی‌ام فاصله داشته و در ژانر ملودرام اجتماعی و تلخ باشد. برای خودم اتفاق بسیار خوشایندی بود که توانستم از فضای قبلی جدا شوم و یک فیلم با محتوای متفاوت تولید کنم.

با تیم پزشکی مشورت کردیم و متوجه شدیم بیماری آلزایمر شبیه هیچ بیماری دیگری نیست و حتی بیماران آلزایمری هم شبیه یکدیگر نیستند. به همین دلیل نگارش فیلمنامه خیلی سخت بود. از ابتدا احساس کردم اگر این فیلم از تهران بیرون بیاید بهتر است. ارادت خودم به گیلان باعث شد فیلم را آنجا ببریم و طبیعتاً احساس کردیم اگر گویش فیلم هم گیلکی باشد بهتر است، زیرا این گویش‌ها در حال کمرنگ شدن است و هرچه بیشتر بتوانیم آن‌ها را ثبت کنیم و نشان دهیم، بهتر است.»

عکس هفته

جنجال بزنگاه

رضا عطاران که در دهه ۸۰ پای ثابت ساخت سریال‌های مناسبتی بود، در سال ۱۳۸۷، سریال «بزنگاه» را برای شبکه سه ساخت. این سریال در زمان پخش با جنجال‌های زیادی روبه‌رو شد و ممیزی زیادی به آن خورد. سریال با همان ممیزی‌ها همزمان با ماه رمضان امسال بار دیگر روی شبکه آی‌فیلم رفت. علیرضا جعفرزاده، تدوینگر سریال «بزنگاه» در واکنش نوشت: «این حجم از سانسور واقعا مسخره است. خب چرا پخش می‌کنید اصلا؟» خیلی‌های دیگر هم معترض شدند و در نهایت آی‌فیلم توضیحاتی ارائه کرد که در بخشی از آن اشاره شد: «در نوبت‌های بازپخش این سریال در مقطع اولیه پخش آن در سال ۱۳۸۷، به‌واسطه وجود صحنه‌هایی که خدشه‌دار شدن قبح مصرف مواد مخدر در جامعه را منجر می‌شد و از این بابت در شان مخاطب ایرانی نبود، این سریال در همان مقطع مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و در نوبت بازپخش، نسخه اصلاح شده آن روی آنتن رفت.»

ترین‌های هفته

خوش وقت هفته | محمد بحرانی قابل ستایش است

پخش همزمان برنامه «۱۰۰۱» و سریال «ازازیل» محمد بحرانی را بار دیگر در کانون توجهات قرار داده. او در «۱۰۰۱» صداپیشگی شخصیت عروسکی جناب‌خان را برعهده دارد. شخصیتی که مهم‌ترین برگ برنده این برنامه است و با صدای بحرانی همچنان صاحب محبوبیت است. او در سریال «ازازیل» نقش سرایدار ساختمان را ایفا می‌کند که در قسمت اخیر مشخص شد بلکه نسبتی با اتفاقات مرموز دارد. مواجهه بحرانی با نقش جذاب بوده و گریم، نوع رفتار و برخی دیالوگ‌های خنده‌دار بر این موفقیت افزوده. احتمالا به زودی وجهی دیگر از شخصیت رو می‌شود و فرصت خوب دیگری برای بحرانی است.

ماموریت هفته | پایتخت کاری سخت پیش رو دارد

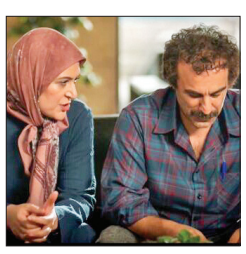

این هفته و در قالب یک ویدئو به‌طور رسمی از بازیگران جدید شخصیت‌های سارا و نیکا و چند شخصیت دیگر «پایتخت ۷» رونمایی شد. علاوه بر سیروس مقدم و الهام غفوری که کارگردانی و تهیه‌کنندگی این مجموعه را عهده‌دار هستند، اغلب کاراکترهای معروف «پایتخت» در این سری حضور دارند. ضمن اینکه اضافه شدن چند شخصیت جدید، «پایتخت ۷» را وارد ماجراهای متفاوتی خواهد کرد. بدنه ساخت «پایتخت ۷» را همان گروه قبلی تشکیل می‌دهند؛ همچون سری‌های گذشته کارگردانی‌اش با سیروس مقدم است و نویسندگی را هم محسن تنابنده عهده‌دار شده است.

بازار خودرو

وداع با ۶ خودروی کاریزماتیک

اتمام عرضه خودروهایی جذاب از خاک آمریکا، آلمان و ژاپن از آغاز ۲۰۲۶

متین شیری | با توجه به نزدیک شدن به پایان سال ۱۴۰۳، موضوع پرونده آخر را به خودروهایی اختصاص دادیم که سال جاری میلادی نیز آخرین سال تولید آنها خواهد بود، اختصاص دادیم. دنیای خودروسازی طی چند سال اخیر بیش از آنکه برای ماشین‌بازها جذاب بوده باشد، برای عاشقان تکنولوژی جذاب بوده است؛ چراکه بعد مکانیکی و فنی خودروها هر روز کاهش یافته و می‌یابد و از سوی دیگر ابعاد کامپیوتری و الکتریکی خودروها افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی حذف خودروهای با اصالت و ریشه‌داری در جهان مانند شورولت کامارو در سال گذشته یا حتی در سطحی کلان‌تر حذف گیربکس دستی از دنیای خودروهای روزمره و حتی نیمه‌اسپرت حکم شلیک تیرخلاص بر پیکر نیمه‌جان ماشین‌بازان را دارد.

آغاز سال ۲۰۲۵ میلادی را می‌توان مصادف با یک پاکسازی سنگین و مهلک از دنیای خودروها دانست اما گویا شومی این سال برای عاشقان ماشین تمامی ندارد، چراکه پایان این سال نیز قرار است تا یک پاکسازی دیگر را رقم بزند.

حال قرار است تا ۶ خودرویی را که با پایان ۲۰۲۵ تولیدشان به اتمام می‌رسد را بررسی کنیم:

۱ ب.ام.و سری ۸

قیمت: مدل پایه: ۸۹/۹۰۰ دلار
قیمت مدل (Competition M۸): ۱۳۹/۹۰۰ دلار

سری ۸ یا ایرانی‌تر بگوییم اتاق ۸ را می‌توان جذاب‌ترین و پرقدرت‌ترین محصول باواریایی‌ها دانست که کمتر کسی در جهان خودروها بتواند روی آن عیبی بگذارد یا روی آن چشم ببندد اما حالا این افسانه همه فن‌حریف قرار است دچار قصه تلخ توقف تولید شود. این ب.ام.و سری ۸، کوپه‌ای لوکس و قدرتمند که از سال ۲۰۱۸ تولید می‌شد، در سال ۲۰۲۶ به پایان راه خود می‌رسد. این خودرو که در دو نسخه ۸۴۰i و M۸۵۰i عرضه شد، با پیشرانه‌های ۶ و ۸ سیلندر توربوشارژ، توانایی ارائه ۳۳۵ تا ۵۲۳ اسب‌بخار قدرت را داشت. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر در مدل پایه ۵/۱ ثانیه و در نسخه M۸۵۰i تنها ۳/۹ ثانیه بود.

ب.ام.و تصمیم به توقف تولید سری ۸ را به دلیل کاهش فروش در کلاس کوپه‌های لوکس و تمرکز بیشتر بر خودروهای الکتریکی و شاسی‌بلندهای پرفروش گرفته است. با خروج سری ۸ از خط تولید، ب.ام.و مسیر جدیدی را در صنعت خودروهای لوکس و الکتریکی دنبال خواهد کرد.

۲ پورشه ۷۱۸ باکستر

قیمت: مدل پایه ۶۸/۳۰۰ دلار
قیمت مدل (Spyder RS ۷۱۸): ۱۶۰/۷۰۰ دلار

پورشه ۷۱۸ باکستر، یکی از محبوب‌ترین رودسترهای اسپرت، پس از یک دهه حضور در بازار، از ابتدای ۲۰۲۶ از خط تولید خارج خواهد شد. این مدل که از سال ۲۰۱۶ عرضه شد، با پیشرانه ۴ سیلندر تخت توربوشارژ و حجم ۲/۵ لیتری، توانایی تولید ۳۵۰ اسب‌بخار قدرت را داشت. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر آن ۴/۴ ثانیه بود و حداکثر سرعتش به ۲۸۵ کیلومتر برساعت می‌رسید. ۷۱۸ باکستر در میان محصولات پورشه همانند نوجوانی پر شروشور بود که همیشه مخاطبان خاص خود را داشت که استفاده‌های مشخصی از این محصول داشتند. با تغییر نسل جوان و تغییر ذائقه نسل جدید پورشه برای حفظ این محصول تصمیم گرفته تا نسخه برقی این خودرو را روانه بازار کند تا بتواند میزان فروش سال‌های اخیر را برگرداند و همچنین آن را افزایش دهد، حال باید دید، مدل الکتریکی EV ۷۱۸ که نشان‌دهنده تغییر استراتژی این برند به سمت برقی‌سازی است، در بازار با چه بازخوردی مواجه خواهد شد؟

۳ پورشه ماکان

قیمت: مدل پایه: ۶۰/۹۰۰ دلار
مدل (Macan GTS: ۵۰/۰۸۶ دلار)

پورشه ماکان، یکی از شاسی‌بلندهای محبوب این برند، پس از یک دوره موفق از سال ۲۰۱۴، تولیدش از ابتدای ۲۰۲۶ به پایان خواهد رسید. این خودرو که در نسخه‌های مختلف با پیشرانه‌های متنوع عرضه شده بود، در مدل پایه از یک موتور ۴ سیلندر توربوشارژ ۲ لیتری بهره می‌برد که توانایی تولید ۲۵۲ اسب‌بخار قدرت را داشت. با شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت در ۶/۷ ثانیه و حداکثر سرعت ۲۲۷ کیلومتر بر ساعت، ماکان به عنوان یک خودرو شاسی‌بلند اسپرت عملکرد برجسته‌ای از خود نشان می‌داد.

توقف تولید پورشه ماکان به دلیل تغییر استراتژی این برند در راستای عرضه نسخه تمام الکتریکی ماکان و تمرکز بیشتر بر خودروهای پاک صورت گرفته است. این تصمیم نشان‌دهنده تمایل پورشه برای حرکت به سوی دنیای خودروهای برقی و پیوستن به روند جهانی خودروهای سبز و پاک است. از آنجا که پورشه به تولید مدل‌های برقی خود توجه بیشتری دارد، این تغییر استراتژیک را می‌توان به عنوان گام مهمی در راستای آینده‌ای سبزتر و پاک‌تر در صنعت خودروسازی در نظر گرفت.

۴ کادیلاک XT۴

قیمت: مدل پایه: ۳۹/۰۹۰ دلار
مدل (Sport AWD: ۵۰/۰۹۰ دلار)

کادیلاک XT۴، کراس‌اوور کامپکت لوکسی که از سال ۲۰۱۸ به بازار عرضه شد، در سال ۲۰۲۶ از خط تولید خارج خواهد شد. این مدل با هدف رقابت در بخش کراس‌اوورهای پریمیوم طراحی شد اما با وجود ویژگی‌های فنی قابل‌قبول، نتوانست در برابر رقبای اروپایی و آسیایی فروش چشمگیری داشته باشد.

XT۴ مجهز به پیشرانه ۴ سیلندر توربوشارژ ۲ لیتری بود که ۲۳۷ اسب‌بخار قدرت تولید می‌کرد. این خودرو شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را در ۷/۵ ثانیه ثبت می‌کرد و حداکثر سرعت آن به ۲۱۰ کیلومتر بر ساعت می‌رسید.

کادیلاک تصمیم گرفته است در راستای استراتژی جدید خود برای تولید خودروهای الکتریکی، XT۴ را کنار بگذارد و تمرکز خود را بر مدل‌های برقی آینده بگذارد. توقف تولید این کراس‌اوور نشان‌دهنده تغییر مسیر این برند آمریکایی به سوی فناوری‌های پاک‌تر و پایدارتر است. با خروج XT۴ از بازار، کادیلاک آماده می‌شود تا جای خود را در دنیای خودروهای الکتریکی تثبیت کند.

۵ لکسوس RC

قیمت: مدل پایه: ۴۵/۴۷۰ دلار
مدل (RC F Track Edition): ۱۰۱/۴۰۰ دلار

لکسوس RC، کوپه اسپرت و لوکس ژاپنی، پس از بیش از یک دهه تولید، در سال ۲۰۲۶ به پایان راه خود خواهد رسید. این مدل که از سال ۲۰۱۴ به بازار عرضه شد، با پیشرانه ۶ سیلندر V شکل ۳/۵ لیتری، توانایی تولید ۳۱۱ اسب‌بخار قدرت را داشت. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر آن ۶/۳ ثانیه و حداکثر سرعتش به ۲۳۰ کیلومتر بر ساعت می‌رسید.

لکسوس تصمیم گرفته است تولید این کوپه را به دلیل کاهش تقاضا برای خودروهای اسپرت دو در و تمرکز بر مدل‌های الکتریکی و شاسی‌بلندهای پرطرفدار متوقف کند. این تغییر بخشی از استراتژی گسترده‌تر این برند برای همگام شدن با آینده خودروهای پاک و پایدار است.

با خروج RC از خط تولید، لکسوس مسیر خود را به سمت نوآوری و توسعه خودروهای برقی ادامه خواهد داد. این تصمیم نشان‌دهنده تغییر اولویت‌های بازار خودروهای لوکس و حرکت به سوی فناوری‌های جدید و پایدارتر است.

۶ نیسان آلتیما

قیمت: مدل پایه: ۲۷/۵۵۰ دلار
مدل (Platinum AWD: ۳۷/۰۷۰ دلار)

نیسان آلتیما، سدان محبوب و خوش‌ساخت ژاپنی، پس از بیش از سه دهه حضور در بازار، در سال ۲۰۲۶ به پایان راه خود می‌رسد. این خودرو که از سال ۱۹۹۲ تولید شده و نسل فعلی آن از ۲۰۱۹ روی خط مونتاژ بوده است، با پیشرانه ۴ سیلندر ۲/۵ لیتری، توانایی تولید ۱۸۸ اسب‌بخار قدرت را داشت. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر آن ۸ ثانیه و حداکثر سرعتش ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت بود.

توقف تولید آلتیما اصلا بعید نبود، چراکه بقای اقتصادی نیسان در خطر است و در نتیجه نه‌تنها آلتیما بلکه حذف هر محصولی از سبد تولیدات این شرکت ممکن است. امکان‌پذیر نیسان تصمیم گرفته است تولید آلتیما را به دلیل کاهش فروش سدان‌های سایز متوسط و تمرکز بیشتر بر کراس‌اوورها و خودروهای الکتریکی متوقف کند. این تغییر در راستای استراتژی جدید شرکت نیسان برای پاسخگویی به تقاضای بازار است.

داشبورد

تویوتا سلیکا دهه ۷۰ میلادی: خودرویی که هنوز در دل‌ها جا دارد

تویوتا سلیکا، یکی از خودروهای کلاسیکی است که در دهه ۷۰ میلادی وارد بازار جهانی شد و توانست در دل علاقه‌مندان به ماشین‌های اسپرت و جذاب جایی ویژه پیدا کند.

تویوتا سلیکا در ابتدا با پیشرانه‌های ۴ سیلندر عرضه شد که قدرت مناسبی برای رانندگی روزمره و سفرهای طولانی داشت. در مدل‌های اولیه، موتور ۱/۶ لیتری و ۱/۹ لیتری در نظر گرفته شد که قدرت آنها به ترتیب حدود ۹۵ و ۱۱۰ اسب بخار بود.

در مدل‌های بعدی سلیکا، موتورهایی با قدرت بالاتر در نظر گرفته شد. مدل‌های مجهز به موتور ۲ لیتری با ۱۳۰ اسب بخار قدرت، رانندگی اسپرت و هیجان‌انگیزی را به رانندگان ارائه می‌کردند. علاوه بر این، گیربکس‌های دستی ۵ سرعته و اتوماتیک ۴ سرعته، به رانندگان اجازه می‌دادند که خود را با شرایط مختلف جاده‌ای سازگار کنند. سیستم تعلیق مستقل جلو و عقب و به‌ویژه استفاده از سیستم فرمان هیدرولیک، به خودرو استحکام و راحتی خاصی می‌بخشید.

وقتی صحبت از طراحی تویوتا سلیکا می‌شود، اولین چیزی که به ذهن می‌آید، خطوط تیز و هجومی بدنه است. طراحی این خودرو در ابتدا به‌طور کلی تحت تاثیر خودروهای اسپرت آمریکایی بود.

نمای جلوی سلیکا با چراغ‌های کشیده و گِل‌گیرهای برجسته، به نوعی خودرو را از بقیه ماشین‌های اسپرت هم‌دوره‌اش متمایز می‌کرد. در نمای جانبی، خطوط منحنی و طراحی بدنه سفت و محکم به‌گونه‌ای بود که هم جذاب و هم قدرتمند به نظر می‌رسید. قسمت عقب سلیکا، با طراحی ساده و در عین حال شیک، از چراغ‌های خطی و بال عقب کوچک بهره می‌برد.

داخل کابین تویوتا سلیکا طراحی‌ای ساده و کاربردی داشت. داشبورد خودرو با طراحی مینی‌مالیستی، دکمه‌های کنترلی در دسترس و طراحی خاص، راننده را به راحتی در کنترل خودرو کمک می‌کرد. در آن زمان، فضای داخلی این خودرو برای یک خودروی اسپرت، بسیار راحت و جادار بود.

تویوتا سلیکا در دهه ۷۰ میلادی وارد بازار ایران شد و توانست در دل جوانان ایرانی علاقه‌مند به خودروهای اسپرت جایی ویژه پیدا کند. این خودرو با طراحی و قدرت جذاب، تبدیل به یکی از خودروهای محبوب در بازار ایران شد.

چالش‌ها و خطرات خریدهای آخر سال

چگونه در معاملات قولنامه‌ای، پیش‌خرید مسکن، طلای آنلاین و فروش چکی یا غیرحضوری مثل یک دست و پاچلفتی در مسیر دهن کوسه نیافتیم

آبان فرزیان | ریسک خرید و فروش در روزهای منتهی به عید به شکل کلافه‌کننده‌ای افزایش پیدا می‌کند. همه می‌خواهند زود تکلیف ماشین‌شان را مشخص کنند اما چون ایستادن در صف مرکز تعویض پلاک زمانبر است، سراغ معاملات قولنامه‌ای خودرو می‌روند. در حالی که این نوع معامله رسما جزو کارهای پرخطر قرار به حساب می‌آید و آن را در بخش مسکن به کل غیرقانونی اعلام کرده‌اند. خرید و فروش با کمک چک و تحویل اینترنتی کالا هم این روزها دل شیر می‌خواهد.

معاملات قولنامه‌ای

معاملات قولنامه‌ای، معاملاتی هستند که در آنها خرید و فروش یا انتقال مالکیت مانند خانه، زمین یا خودرو، با استفاده از سندی عادی به نام «قولنامه» انجام می‌شود. معاملات قولنامه‌ای در بازار املاک ممنوع شده اما در بازار خودرو همچنان رواج دارد. در این روش طرفین معامله با تنظیم یک قولنامه یا مبایعه‌نامه، توافق می‌کنند در آینده، پس از انجام مراحلی مانند تعویض پلاک و پرداخت کامل مبلغ خودرو، انتقال مالکیت به صورت رسمی انجام شود. در این روش احتمال فروش خودرو به چند نفر یا فروش خودروی سرقتی وجود دارد. در صورت بروز اختلاف، حل و فصل مسائل حقوقی پیچیده و زمانبر خواهد بود. قولنامه فروش خودرو برای مالک هم پرریسک است چون تا وقتی سند قطعی در مراکز تعویض پلاک تنظیم نشود مسئولیت حقوقی تخلفات احتمالی برعهده مالک قانونی خودرو خواهد بود.

پیش‌خرید مسکن

پیش‌خرید مسکن، قراردادی است که بر اساس آن، فروشنده متعهد می‌شود واحد مسکونی را با دریافت هزینه به صورت مرحله‌ای بسازد و در موعد مشخص تحویل دهد. معمولاً قیمت واحدهای پیش‌خرید نسبت به واحدهای آماده، پایین‌تر است و سازندگان معمولاً شرایط پرداخت متنوعی را برای پیش‌خرید ارائه می‌دهند.

پیش‌خرید مسکن برای خریدار، معایب و ریسک‌های متعددی دارد؛ ممکن است سازنده به تعهدات خود عمل نکند و واحد را در زمان مقرر تحویل ندهد. سازنده ممکن است بدون اطلاع خریدار، تغییراتی در نقشه واحد یا ساختمان ایجاد کند. امکان دارد پروژه به دلایل مختلفی مانند مشکلات مالی سازنده، نیمه‌کاره رها شود. افزایش قیمت مصالح ساختمانی در طول ساخت معمولا باعث افزایش قیمت نهایی واحد خواهد شد.

فروشنده هم اطمینان خاطر ندارد چون تغییرات ناگهانی در بازار مسکن ممکن است باعث کاهش سودآوری پروژه شود. سازندگان در صورت تاخیر در دریافت مجوزهای لازم از شهرداری و سایر نهادها، با افزایش زمان تحویل پروژه روبرو خواهند شد و باید خودشان را برای اختلافات حقوقی با خریداران آماده نگه دارند.

طلای آنلاین

بزرگ‌ترین ریسک بازار معامله آنلاین طلا، خطر «خالی‌فروشی» است. خالی‌فروشی وقتی به کار می‌رود که پلتفرم‌های آنلاین جعلی با وعده‌های سودهای بالا، افراد را فریب می‌دهند و پس از دریافت پول، ناپدید شوند. این پلتفرم‌ها با ترفندهای مختلف و تبلیغات گسترده، مشتریان زیادی را ترغیب به خرید می‌کنند اما چون پشتوانه واقعی طلا ندارند در صورت درخواست مشتری برای تحویل به شکل فیزیکی ماهیت واقعی‌شان لو می‌رود. سوای این مسئله، برخی فروشندگان آنلاین ممکن است طلای تقلبی یا با عیار پایین را به جای طلای اصل به فروش برسانند. نوسانات بازار طلا، به ضرر خریدار و فروشنده عمل می‌کند چون قیمت به شدت تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار دارد و به‌طور ناگهانی تغییر می‌کند. حتی اگر همه‌چیز به خوبی پیش برود، خطر هک شدن حساب‌های کاربری و سرقت اطلاعات شخصی و مالی وجود دارد. اختلال در سیستم‌های آنلاین هم ممکن است باعث ایجاد مشکل شود.

ارز دیجیتال

قوانین و مقررات مربوط به ارزهای دیجیتال در ایران هنوز به طور کامل مشخص نشده‌اند. نبود قطعیت قانونی، می‌تواند باعث بروز مشکلات حقوقی و مالی برای معامله‌گران شود. بازار ارزهای دیجیتال، به دلیل ماهیت غیرمتمرکز و ناشناس بودن برخی از تراکنش‌ها، مستعد کلاهبرداری و تقلب است. از طرف دیگر پروژه‌های جعلی، پلتفرم‌های معاملاتی تقلبی و طرح‌های پانزی، از جمله رایج‌ترین روش‌های کلاهبرداری در این بازار هستند.

بازار ارزهای دیجیتال به شدت نوسان‌پذیر است و قیمت‌ها می‌توانند در مدت زمان کوتاهی به طور چشمگیری بالا و پایین بروند. این نوسانات، ریسک از دست دادن بخش قابل توجهی از سرمایه را افزایش می‌دهد. سوای این موارد کیف پول‌های دیجیتال و پلتفرم‌های معاملاتی، در معرض خطر هک و سرقت اطلاعات قرار دارند و از دست دادن کلیدهای خصوصی کیف پول، فاجعه بزرگی است که به از دست رفتن دائمی سرمایه در قالب ارز دیجیتال منجر خواهد شد.

محدودیت دسترسی معامله‌گران ایرانی به برخی صرافی‌های بین‌المللی، از دیگر دردسرهای حضور در بازار ارز دیجیتال است.

فروش با چک

کاهش فروش باعث می‌شود فروشندگان در روزهای آخر سال، میزان حساسیت همیشگی نسبت به معاملات چکی را پایین بیاورند. این در حالی است که با وجود تلاش‌های بانک مرکزی برای بازگرداندن اعتبار به معاملات صورت گرفته با کمک چک، همچنان مهم‌ترین خطر برگشت خوردن چک به دلیل نداشتن موجودی کافی در حساب صادرکننده چک وجود دارد. این موضوع می‌تواند باعث تأخیر در دریافت وجه، ضرر مالی و حتی مشکلات حقوقی شود.

فروشندگان هنوز به قوانین و مقررات ثبت چک در سامانه عادت نکرده‌اند. با این کار می‌توان قبل از انجام معامله، از هویت و اعتبار طرف مقابل اطمینان حاصل کرد یا به طور کلی فقط انجام معامله با چک الکترونیکی را پذیرفت. بهتر است بدون تعارف و رودربایستی، وضعیت حساب صادرکننده چک را بررسی کنید و از داشتن موجودی کافی برای پرداخت مبلغ چک مطمئن شوید. سامانه همچنین اطلاعات مناسبی درباره سابقه چک‌های برگشتی صادرکننده چک در اختیارتان می‌گذارد که عقل سلیم می‌گوید آن را جدی بگیرید.

معاملات غیرحضوری

معاملات غیرحضوری برای خریدار و فروشنده به یک اندازه ریسک دارد. در معاملات غیرحضوری، امکان بررسی فیزیکی کالا یا خدمات وجود ندارد. این موضوع می‌تواند منجر به خرید کالاهای تقلبی، معیوب یا با کیفیت پایین شود یا اصلا فروشنده کالایی برای شما ارسال نکند. تأخیر در تحویل کالا، عدم تحویل کالا، یا تحویل کالای آسیب‌دیده، از جمله رایج‌ترین مشکلات مربوط به تحویل کالا در معاملات غیرحضوری هستند. فضای آنلاین، بستری مناسب برای کلاهبرداران و متقلبان است. ریسک این کار برای فروشنده هم وجود دارد. چون شناسایی دقیق خریدار امکان‌پذیر نیست، استفاده از هویت‌های جعلی یا خودداری از پرداخت وجه در آن وجود دارد. کلاهبرداران همچنین از روش‌های پیچیده‌ای برای کلاهبرداری در خرید غیرحضوری استفاده می‌کنند. مثلا آگهی مشابه آگهی شما می‌گذارند. خریداری پیدا می‌کنند و شماره حساب شما را در اختیارش می‌گذارند و پس از واریز وجه، رسید شخص ثالث را تحویل فروشنده می‌دهند و سپس آدرس خودشان را برای تحویل کالا ارسال می‌کنند. نزدیک عید خطر این قبیل کلاهبرداری‌های به ظاهر خلاقانه بالا می‌رود.

۶/۵ هزار واحد

شاخص کل بورس رشد کرد

شاخص کل بورس پس از یک هفته ریزش ۱۴۶ هزار واحدی و افت شاخص به کانال ۲.۶ میلیونی، روز چهارشنبه نزدیک به شش هزار و ۵۰۰ واحد رشد کرد و در آستانه صعود به کانال ۲.۷ میلیونی قرار گرفت. شاخص کل بورس در پایان معاملات دیروز شش هزار و ۴۹۶ واحد مثبت شد و به تراز دو میلیون و ۶۹۴ هزار واحد بازگشت. ارزش کل بورس تهران ۸.۴ هزار همت است اما ارزش معاملات امروز بورس تهران و فرابورس حدود ۱۸۰ همت و ارزش معاملات خُرد نیز حدود هشت همت بود. بیشترین میزان خروج پول حقیقی‌ها از نماد خودرو با ۱۶۱ میلیارد تومان و بیشترین میزان ورود حقیقی به نماد شاملاح با ۳۴ میلیارد تومان در معاملات دیروز به وقوع پیوست. این در حالی است که شاخص فرابورس ۴۰ واحد منفی شد و به ۲۴ هزار و ۳۰۶ واحد برگشت. در بازار نفت، گاز و حامل‌های انرژی بورس انرژی ۳۰ معامله به ارزش ۱۱۰۰ میلیارد تومان و در بازار برق ۲۴ معامله به ارزش ۷۲.۶ میلیارد تومان ثبت شد.

رمز ارز

یک پیش‌بینی درمورد آینده بیت‌کوین و آخرین وضعیت اتریوم

آرتور هیز، هم‌بنیانگذار بیت‌مکس، معتقد است که بیت‌کوین حتی پس از اصلاح ۲۴ درصدی از سقف تاریخی خود، ممکن است همچنان روند نزولی داشته باشد. هیز سلسله رویدادهایی را که به نظرش فدرال رزرو را مجبور به تغییر سیاست‌های پولی انقباضی خواهد کرد، ترسیم کرده و پیش‌بینی می‌کند که بیت‌کوین همراه با بازار سهام آمریکا سقوط خواهد کرد اما این رویدادها برای مداخله فدرال رزرو کافی نخواهد بود طبق نظر هیز، فروپاشی شرکت‌های مالی سنتی در آمریکا، فدرال رزرو را مجبور به پایان دادن به سیاست انقباض کمی خواهد کرد. او پیش‌بینی می‌کند که کف قیمت بیت‌کوین حدود ۷۰ هزار دلار خواهد بود و هشدار می‌دهد که نوسانات شدیدی در این محدوده قیمتی به دلیل حجم بالای قراردادهای مشتقه رخ خواهد داد.

سناتور سینتیا لومیس از ایالت وایومینگ در کنفرانس بیت‌کوین برای آمریکا که توسط بیت‌کوین پالیسی انستیتو برگزار شد، از ارائه مجدد لایحه بیت‌کوین به کنگره خبر داد. این لایحه که با همکاری دیگر سناتور جمهوری‌خواه، جیم جاستیس از ایالت ویرجینیای غربی ارائه شده، پیشنهاد می‌کند دولت آمریکا ۱ میلیون بیت‌کوین به عنوان بخشی از ذخایر ملی خود خریداری کرده و آنها را نیز برای حداقل ۲۰ سال نگهداری کند. لومیس قبلاً این قانون را در جولای ۲۰۲۴ معرفی کرده بود اما به دلیل حمایت محدود در کنگره پیشرفتی نداشت. با آغاز دوره جدید کنگره، او به دنبال احیای این تلاش است.

یک تحلیلگر برجسته با نام اِی‌اِم پنیک سه سناریو را مطرح کرده که می‌توانند موجب پیشی گرفتن کاردانواز سولانا شوند. این پیش‌بینی در شرایطی ارائه شده که بازار ارزهای دیجیتال پس از افت اخیر بیت‌کوین و سقوط سنگین آلت‌کوین‌ها، یک بهبود نسبی را تجربه می‌کند. اگر کاردانو بتواند برنامه‌های خود را برای افزایش مقیاس‌پذیری اجرا کند، ممکن است پذیرش بیشتری از سوی برنامه‌های غیرمتمرکز داشته باشد. این اتفاق می‌تواند به تقویت شبکه کاردانو و ایجاد برتری نسبت به سولانا منجر شود. هرگونه مشکل فنی یا فشار نظارتی بر سولانا می‌تواند قیمت آن را تحت تأثیر قرار دهد. به گفته این تحلیلگر، اگر سولانا ۲۰ درصد افت قیمت داشته باشد، ارزش بازار فعلی آن که حدود ۵۰.۱۱ میلیارد دلار است، کاهش می‌یابد و فضای بیشتری برای رشد کاردانو ایجاد می‌شود. در صورت شکل‌گیری روندهای صعودی در بازار یا افزایش شفافیت‌های قانونی، کاردانو می‌تواند سود بیشتری ببرد. این تحلیلگر معتقد است کاردانو با تمرکز بر تحقیقات و توسعه علمی، یک بلاکچین پایدارتر نسبت به سولانا محسوب می‌شود. در هفته‌های اخیر، سولانا با چالش‌های متعددی مانند کاهش رشد توکن‌ها در شبکه و افت قیمت مواجه بوده است. همچنین، پلتفرم پامپ.فان که زمانی از عوامل رشد سولانا بود، با کاهش پذیرش روبه‌رو شده است. برخی از منتقدان معتقدند سولانا برای افزایش سرعت، تمرکززدایی را قربانی کرده که این مسئله می‌تواند در بلندمدت ریسک‌هایی مانند تحریم شبکه را به همراه داشته باشد.

در سال‌های اخیر، پروژه‌های متعددی با وعده سودهای کلان و سوءاستفاده از نام‌های معتبر در دنیای بلاکچین ظهور کرده‌اند. یکی از این پروژه‌ها، اسمارت باینینس پرو ۳ با توکن SBT۳ است که با سوءاستفاده از نام باینینس و تبلیغ فرصت‌های جذاب درآمدزایی، تا تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۲۵ موفق به جذب ۴۴ هزار کاربر شده است اما بررسی دقیق کد قرارداد هوشمند و ساختار این پروژه نشان می‌دهد که نه‌تنها هیچ ارتباطی با باینینس ندارد، بلکه نشانه‌های آشکاری از یک طرح کلاهبرداری هرمی در آن دیده می‌شود. در ادامه، ابعاد خطرناک این پروژه را بررسی می‌کنیم. اسمارت باینینس پرو ۳ یک قرارداد هوشمند مبتنی بر باینینس اسمارت چین است که با زبان سالیدیتی نوشته شده و ادعا می‌کند بستری غیرمتمرکز برای کسب درآمد فراهم کرده است. این سیستم از ساختار باینری استفاده می‌کند، یعنی هر کاربر باید ۲ نفر دیگر را به شبکه دعوت کند. شرایط عضویت و ورود به درخت درآمدی نیز شامل پرداخت ۱۰۰ تتر برای ثبت‌نام و ۲۰۰ تتر برای افزایش امتیاز است. سیستم باینری پروژه که در آن هر کاربر باید برای کسب درآمد دو نفر دیگر را وارد شبکه کند، مشابه طرح‌های پانزی (Ponzi) است. در این مدل، سود کاربران قدیمی از سرمایه افراد جدید پرداخت می‌شود و با توقف ورود کاربران تازه، سیستم عملاً فرو می‌پاشد. در همین حال، بررسی کد قرارداد نیز نشان می‌دهد که هیچ مکانیسم بازپرداخت سرمایه اولیه وجود ندارد و خروج امن کاربران هم تعریف نشده است.

علی‌رغم بهبود نسبی بازار، اتریوم همچنان در یک روند نزولی قرار دارد و طی هفته گذشته ۱۴ درصد کاهش قیمت را تجربه کرده است. شاخص‌های تکنیکال نیز همچنان سیگنال‌های نزولی می‌دهند و نشان از افزایش فشار فروش در بازار دارند. در صورت تداوم این روند، اتریوم ممکن است سطح حمایتی ۱،۷۵۶ دلار را آزمایش و حتی به زیر ۱،۷۰۰ دلار سقوط کند. شاخص قدرت نسبی اتریوم همچنان ضعیف است و نشان می‌دهد که خریداران حضور چندانی در بازار ندارند. این شاخص اکنون روی عدد ۳۴.۴ قرار دارد و پس از افت موقت به ۲۷.۴ در روز گذشته، اندکی بهبود یافته است.

از هر ۱۰۰ پرونده، ۴۲ پرونده با صلح به خاتمه رسید

رئیس مرکز حل اختلاف دستگاه قضایی می‌گوید ما ۳۵ هزار نفر را از زندان نجات دادیم

گزیده سخنان حجت‌الاسلام هادی صادقی، رئیس مرکز حل اختلاف قوه قضاییه در خصوص عملکرد شوراهای حل اختلاف در سال ۱۴۰۳ را بخوانید:

امسال شوراهای حل اختلاف با تحولی بزرگ روبه‌رو شدند. این تحول بزرگ در خصوص اجرای قانون جدید شوراهای حل اختلاف بود که این قانون از اواسط سال جاری آغاز شد و دادگاه‌های صلح براساس آن تشکیل شدند.

یکی از خدمات بزرگی که شوراهای حل اختلاف برای تحقق قانون جدید انجام دادند، در اختیار قراردادن تمام امکانات خود جهت تأسیس دادگاه‌های صلح بود؛ بنابراین اکثر دادگاه‌های صلح در سراسر کشور در ساختمان شوراها مستقر شده‌اند که این موضوع نشان دهنده نزدیکی این دو نهاد مهم برای تحقق صلح و سازش در جامعه است.

دادگاه‌های صلح در قانون جدید شوراهای حل اختلاف تأسیس شده‌اند و فلسفه تأسیس دادگاه‌ها این است که ضمن آنکه هویت دادگاهی خود را دارند، مأموریت اصلی آنها ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های قضایی مردم است.

در قانون پیش‌بینی شده است که دو نهاد شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌های صلح در کنار یکدیگر فعالیت کنند. حتی عنوان شده است که شعب شورای حل اختلاف در دادگاه صلح مستقر باشند؛ از این رو این تحول بزرگ موجب شده است که شوراهای حل اختلاف بیشتر به مأموریت اصلی خود یعنی صلح و سازش بپردازند.

طبیعی است که در این تغییر و تحولاتی که براساس قانون جدید شوراهای حل اختلاف رخ داده است، میزان رسیدگی‌های شوراهای حل اختلاف به پرونده‌های مردم تحت تأثیر قرار بگیرد.

در ۹ماهه ابتدای سال ۱۴۰۳، ۳ میلیون و ۷۱۲ هزار پرونده در شوراهای حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفتند. طبیعتاً با این میزان آماری، اگر به انتهای سال نزدیک شویم، حدود ۴ و نیم میلیون پرونده در شوراها مختومه می‌شوند که البته از این تعداد حدود ۴۲ درصد پرونده‌ها تاکنون به مصالحه ختم شده است.

با تلاش همکاران ما در شوراها حدود ۲۸ هزار نفر از زندان آزاد شده‌اند و از زندانی شدن حدود ۵ تا ۶ هزار نفر پیشگیری شده است. در مجموع با تلاش شوراهای حل اختلاف حدود ۳۵ هزار نفر از زندان نجات یافته‌اند.

در سال ۱۴۰۳ به داوران زیادی به شکل حرفه‌ای پروانه اعطا کردیم. در حال حاضر ۲ هزار داور در سراسر کشور پروانه‌های خود را دریافت کرده‌اند. همچنین ۲۰ کانون داوران حرفه‌ای در استان‌های مختلف سراسر کشور تأسیس شده و مقدمات تأسیس این کانون در ۱۱ استان دیگر در حال انجام است.

در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ میانجی‌گر در سراسر کشور آموزش دیده و پروانه کسب کرده‌اند. آن‌ها می‌توانند در مسائل کیفری راحت‌تر از دادگاه‌های کیفری و دادسراها به شکایت مردم رسیدگی کنند.

هدف از شکایت شاکی دستیابی به حقوق خود و جبران خسارت وارده بر اوست؛ جبران این خسارت در مسیر میانجی‌گری بهتر تأمین می‌شود. با شکایت به دادسرا و دادگاه مجازات فرد خاطی صورت می‌گیرد، درحالی‌که فایده‌ای برای شاکی نخواهد داشت، اما با استفاده از میانجی‌گران می‌توان حقوق از دست رفته را تأمین و خسارات را جبران کرد. هدف میانجی‌گر هموار کردن مسیر پرونده است. میانجی‌گر متهم را به جبران خسارت مجبور می‌کند؛ در واقع این اقدام به نفع شاکی، متهم و جامعه است که کمتر مردمانش این گونه آسیب ببینند و کارشان به زندان منتهی شود. (ایسنا)

نکته

چند سوال متداول در مورد دادگاه‌های صلح

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۱۹

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

این هفته هم در ادامه جمع‌بندی‌های یادداشت‌هایی که در زمینه دعاوی ملکی داشتیم و به عنوان بخش پایانی این مطالب در سال ۱۴۰۳؛ چند سوال در زمینه دادگاه‌های صلح را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

● **سوال اول:** آیا می‌توان از حکم دادگاه صلح به دادگاه بالاتر اعتراض کرد؟

پاسخ: بله می‌توان و البته بایستی دو شرط داشته باشد. اول اینکه در دعاوی حقوقی بهای خواسته بیش از ۵۰ میلیون تومان باشد، دوم اینکه در دعاوی کیفری از جمله جرایمی باشد که در دادگاه صلح قابلیت اعتراض برایشان وجود دارد.

● **سوال دوم:** مرجع اعتراض از دادگاه صلح چه دادگاهی است؟

پاسخ: دادگاه تجدیدنظر استان

● **سوال سوم:** آیا دادگاه صلح همان شورای حل اختلاف است؟

پاسخ: خیر. دادگاه صلح یک مرجع متفاوت از شوراست که اگرچه تحت لوای قانون شوراهای حل اختلاف قانونگذاری شده است اما شورای حل اختلاف نیست و تفاوت‌های بی شماری با آن مرجع دارد.

● **سوال چهارم:** آیا دادگاه صلح صلاحیت رسیدگی به پرونده با موضوع ارث و وصیت را دارد؟

پاسخ: بله. اگر میزان تقویم شما در قسمت خواسته یا همان بهای خواسته به ۱۰۰ میلیون تومان برسد، این مرجع می‌تواند به این خواسته نیز رسیدگی کند.

● **سوال پنجم:** آیا دادگاه صلح می‌تواند به دعاوی سرقفلی و حق کسب و پیشه رسیدگی کند؟ پاسخ: خیر. نمی تواند البته لازم به ذکر است که به دعاوی مرتبط با اجاره اعم از تخلیه عین مستاجره و تعدیل اجاره‌بها می‌تواند رسیدگی کند. اما بحث سرقفلی و حق کسب و پیشه خارج از صلاحیت دادگاه صلح است.

● **سوال ششم:** آیا دادگاه صلح به دعوای اعسار از هر مبلغی می‌تواند رسیدگی کند؟

پاسخ: خیر. اگر اصل دعوی که شخص در خصوص آن مدعی اعسار است، در صلاحیت دادگاه صلح نباشد نمی‌تواند به آن رسیدگی کند و فقط به اعساری رسیدگی می‌کند که اصل دعوی آن، در صلاحیتش باشد.

● **سوال هفتم:** آیا دادگاه صلح به هر دعوی ملکی که تا نصاب ۱۰۰ میلیون است رسیدگی می‌کند؟

پاسخ: خیر. به همه دعاوی خیر اما بسیاری از دعاوی در صلاحیت آن دادگاه است. از جمله دعاوی دعوی خلع ید، الزام به تنظیم سند وغیره اما همانطور که در پاسخ سوال‌های پیشین بیان شد، دعوی سرقفلی و حق کسب و پیشه که ملکی محسوب می‌شوند در صلاحیت دادگاه صلح نیست.

● **سوال هشتم:** در طرح دعوی ملکی که دادگاه صلح، صالح به رسیدگی است بایستی به چه چیز توجه شود؟

پاسخ: اولین و مهم‌ترین موضوع در طرح دعوی ملکی، دادگاه صالح است که در مورد دادگاه صلح نیز مانند دادگاه بدوی، دادگاه محل وقوع مال غیر منقول صالح به رسیدگی است.

● **سوال نهم:** اگر مطالبه شما در یک دعوی، خسارت تاخیر تادیه نیز داشته باشد، آیا ملاک تعیین صلاحیت قرار می‌گیرد؟

پاسخ: خیر. خسارت تاخیر تادیه از متفرعات دعوی اصلی است و در تعیین صلاحیت دادگاه صلح صرفا به خواسته اصلی توجه می‌شود مگر اینکه خواسته اصلی مطالبه خسارت تاخیر در تادیه باشد که در این صورت بایستی تاریخ آغاز و پایان آن به صورت منجز و مشخص با مبلغ تعیین شود. در غیر این صورت با قرار رد دعوی مواجه می‌شوید.

راه ارتباطی با وکیل:
وب سایت: sahabigroup.com
اینستاگرام: vakil_sahabii@

روزی روزگاری وکالت (۴۸)

ده و دو هزار آن که خویش من‌اند

چرا وکلا با عدد و رقم بیگانه‌اند؟

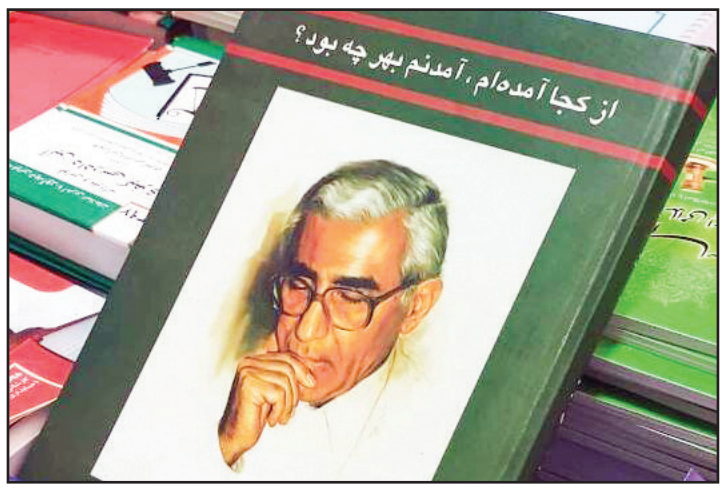

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

بیشتر دانشجویانی که پا به دانشکده حقوق می‌گذارند، در دوران دبیرستان در رشته ادبیات و علوم انسانی درس خوانده‌اند. دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق‌دان نام‌آور ایرانی در کتاب خاطرات خود با نام «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟» دلیل انتخاب رشته در دبیرستان را این‌گونه بیان می‌کند: «در این دودلی بودم که مرحوم پدر پیشنهاد دیگری را مطرح کرد که برای هر جوان دیگری فریبنده است. پیشنهاد رفتن به وزارت خارجه...ولی، شرط لازم آن خواندن رشته سیاسی در دانشکده حقوق است. در آن روزها تنها دیپلمه‌های ادبی می‌توانستند در مسابقه ورودی دانشکده حقوق شرکت کنند. پس، مفهوم و لازمه پیشنهاد پدر خواندن رشته ادبی بود. این پیشنهاد و اصرار مدیر و معلمان دبیرستان علمیه و علاقه‌ای که به آن مدرسه داشتم سبب شد تا رشته ادبی را انتخاب کنم...» وی در سال ۱۳۲۸ شاگرد اول رشته ادبی تمام دبیرستان‌ها می‌شود و از وزیر فرهنگ «نشان فرهنگ» دریافت می‌کند. البته همه دانش‌آموختگان گرایش ادبیات و علوم انسانی به این شکل وارد این رشته (و بعدها دانشکده حقوق) نشده‌اند و گاهی به دلیل کم بودن نمرات در درس‌های ریاضی و تجربی وارد این شاخه می‌شوند. نگارنده این افتخار را دارد که درس ریاضی یک دبیرستان را در مرتبه چهارم گذرانده و هیچ گزینه‌ای جز رشته ادبیات در آن دوران نداشته است! توفیق اجباری.

موضوع یادداشت عدد است. پایه حقوق، ادبیات، پایه مهندسی، ریاضیات و پایه پزشکی، شیمی است؛ ولی خواهی/نخواهی در حقوق و قضا با اعداد سروکار داریم. نکته جالب این که در اوراق دادگستری، اعداد به جای فارسی به شکل لاتین نوشته می‌شود که به نظر می‌رسد خلاف قانون باشد. طبق اصل پانزدهم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» همچنین در آغاز ماده ۵۱ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» (۱۳۷۹) می‌خوانیم: «دادخواست باید به زبان فارسی بر روی برگه‌های چاپی مخصوص نوشته شده...باشد» خط را باید شامل هم حرف و هم اعداد دانست؛ خط فارسی تنها از سی و دو حرف تشکیل نمی‌شود، بلکه اعداد نیز مشمول روش نگارش فارسی است و نباید از اعداد لاتین که مربوط به این خط بیگانه است، بهره جُست. حتی اگر مشکل نوشتن اعداد به لاتین در آرای دادگستری مربوط اشکال در سامانه‌ها باشد، پذیرفتنی نیست و لازم است اصلاح شود.

چندین سال است که در دادگستری مفهومی به نام «آمار» و روزهای «آمار» رایج شده است. در طول ماه از سوی معاون ارجاع هر مجتمع قضایی به هر شعبه چند پرونده ارجاع می‌شود، و از طرف دیگر هر قاضی در طول ماه به تعدادی پرونده رسیدگی کرده و رأی می‌دهد. اگر تعداد پرونده‌های ارجاع‌شده بیش از پرونده‌های مختومه باشد؛ آمار شعبه منفی بوده و برای قاضی نمره منفی به حساب می‌آید. به همین دلیل نگاه «کمی» بر رسیدگی‌ها و «کیفیت» غلبه دارد. متأسفانه در برنامه‌های توسعه نیز با جداولی که بعد پنج سال باید محقق شود، به این رویکرد غیرمنطقی دامن زده می‌شود. نتیجه این که قضات چند روز آخر ماه را به بهانه آمار تعطیل می‌کنند، پشت درهای بسته که امکان ورود مراجعین وجود ندارد، شروع به صدور رأی می‌کنند که اگر فرصت مطالعه زیاد نباشد؛ صدور «قرار عدم استماع دعوی» حکم کیمیا را دارد: تصمیمی که پرونده را برای همیشه مختومه نمی‌کند و حق طرفین تضییع نمی‌شود، اعتراض به آن هزینه دادرسی چندانی ندارد، و به دلیل کلی بودن مثل «آچار فرانسه» همه جا کاربرد دارد. به زبان ساده «نه سیخ می‌سوزد و نه کباب!»

گرچه در انجام امور فنی و محاسبات لازم است کار به کارشناس رسمی دادگستری یا خبره ارجاع گردد، اما دانستن حدی از ریاضیات و محاسبه برای هر وکیل یا قاضی دادگستری ضرورت دارد. در پرونده‌ای که به عنوان وکیل خواهان برای ابطال رأی داور به دلیل صدور خارج از مهلت نود روزه قانونی دادخواست طرح کرده بودم، رئیس شعبه پرونده را برای یک محاسبه عددی ساده به کارشناس ارجاع کرد. البته ریاضی خوانده‌ها هم به دنیای حقوق کمک‌های زیادی کرده‌اند. دکتر مهدی شهیدی استاد برجسته حقوق مدنی دانشگاه شهیدبهشتی، در دبیرستان ریاضی خوانده بود. همچنین مهندس عباس عبدی به عنوان روزنامه نگار، دقیق‌ترین تحلیل‌ها و مقالات حقوقی را می‌نویسند و در زمینه جامعه‌شناسی حقوقی نیز تألیف دارند. اگر به کسی بر نمی‌خورد: یک دیپلمه ریاضی حتما با هوش است؛ اما یک دانش‌آموخته دکترای در گرایش‌های علوم انسانی، ممکن است باهوش باشد و امکان دارد نباشد!

برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

دوسیه

درباره مالیات حقوق کارمندان چه می‌دانیم؟

در حاشیه شایعاتی پیرامون لغو کلیه معافیت‌های مالیاتی

هانیه اشتغالی
وکیل پایه یک دادگستری

یکی از انواع مالیات، که به طور مستقیم به درآمد افراد تعلق می‌گیرد، مالیات بر درآمد حقوق است. این مالیات به هر نوع دریافتی‌ای مربوط می‌شود که افراد در جایگاه کارگر و کارمند، در ازای اختصاص ساعات کار خود به کارفرما، به عنوان درآمد کسب می‌کنند. مالیات بر درآمد حقوق افراد دارای ویژگی‌هایی است که در هفته‌های گذشته و طی یادداشتی تحت عنوان «ماده ۸۲ قانون مالیات‌های مستقیم چه می‌گوید؟» به آن پرداختیم. آن‌چه امروز و در این نوشتار مورد بحث ماست تفصیل بیشتر موارد شمول و معافیت این نوع مالیات است.

در خصوص این که کدام یک از دریافتی‌های کارگران و کارمندان مورد شمول این نوع مالیات قرار می‌گیرد، می توان گفت مالیات بر درآمد به هر آن‌چه مابه ازای خدمت واقع می‌شود تسری می‌یابد و این مابه‌ازا می‌تواند شامل پرداخت‌ها به خود فرد، پرداخت‌ها به شخص ثالث و همین‌طور پرداخت‌های نقدی و غیر نقدی باشد.

بر اساس بند ث تبصره ۱۵ قانون بودجه ۱۴۰۳ «مجموع درآمد حقوق کارکنان دولتی و غیردولتی که تحت عناوینی از قبیل حقوق و مزایا، مقرری یا مزد، حق شغل، حق شاغل، فوق‌العاده‌ها، اضافه کار، حق الزحمه، حق مشاوره، حق حضور در جلسات، پاداش، حق‌التدریس، حق التحقیق، حق پژوهش و کارانه اعم از مستمر یا غیرمستمر که به صورت نقدی و غیرنقدی، از یک یا چند منبع، در بخش دولتی و یا غیر دولتی تحصیل می‌کنند، چه از کارفرمای اصلی و یا غیراصلی باشد» مشمول مالیات بر درآمد حقوق است. این گزاره تردیدی باقی نمی‌گذارد که از پرداخت مالیات برای همه انواع دریافتی درآمدی گریزی نیست. به‌ویژه آن که بر دریافت از یک یا چند منبع و همین طور کارفرمای اصلی و غیر اصلی نیز تاکید شده است.

اما آیا این شمول همه‌جانبه به این معناست که مالیات بر درآمد حقوق مشمول هیچ‌گونه معافیتی نیست؟ بر اساس ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم، «میزان معافیت مالیات بر درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق از یک یا چند منبع، هرساله در قانون بودجه سنواتی مشخص می‌شود.» بنابراین معافیت مالیاتی نسبت به درآمد حقوق به رسمیت شناخته شده و میزان آن به علت وجود تورم و تغییر شاخص‌های اقتصادی به بودجه سالانه هر سال کشور واگذار شده است.

بر اساس بند ز تبصره ۱ قانون بودجه ۱۴۰۴، سقف معافیت مالیاتی سالانه موضوع ماده ۸۴ قانون مالیات های مستقیم در سال ۱۴۰۴ مبلغ دو میلیارد و هشتصد و هشتاد میلیون ریال معادل دویست و هشتاد و هشت میلیون تومان تعیین شده است. یعنی درآمد ماهانه افراد تا میزان بیست و چهار میلیون تومان در ماه از پرداخت مالیات معاف است و به میزان بیش از آن مشمول پرداخت مالیات به نرخ پلکانی زیر است:

نسبت به مازاد مبلغ دویست و هشتاد و هشت میلیون تومان تا سیصد و شصت میلیون تومان، به نرخ ده درصد

نسبت به مازاد سیصد و شصت میلیون تومان تا چهارصد و پنجاه و شش میلیون تومان، به نرخ پانزده درصد

نسبت به مازاد چهارصد و پنجاه و شش میلیون تومان تا ششصد میلیون تومان، به نرخ بیست درصد

نسبت به مازاد ششصد میلیون تومان تا هشتصد میلیون تومان، بیست و پنج درصد

نسبت به مازاد هشتصد میلیون تومان، سی درصد

بنابراین مجموع دریافتی‌های اشخاص در قالب حقوق، به هر عنوان و شکل که باشد، تا میزان مشخصی که هر ساله در قانون بودجه مشخص می‌شود از پرداخت مالیات معاف و مازاد بر آن مشمول پرداخت مالیات به نرخ فوق است که کارفرما مکلف است این مالیات را پیش از پرداخت حقوق به کارگر یا کارمند از حقوق او کسر کرده و سپس حقوق را پرداخت کند.

برای ارتباط با وکیل از طریق ایمیل hanie.eshteghali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.

پارکه / مصطفی آرانی

چگونگی تبدیل اسناد عادی به رسمی از زبان سخنگوی سازمان ثبت اسناد

این هفته سوالی از سوی مخاطبان روزنامه نداشتیم و تصمیم گرفتیم سخنان سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را بازتاب بدهیم که در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی صحبت کرده است.

سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اشاره به ماده ۱۰ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول گفت: سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی اردیبهشت ۱۴۰۴ به بهره‌برداری می‌رسد و دارندگان اسناد عادی می‌توانند اسناد و مدارک مربوط به ادعای مالکیت خود را در این سامانه بارگذاری و برای دریافت سند رسمی اقدام کنند.

اعظم قویدل اظهار کرد: قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در اردیبهشت ۱۴۰۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و به موجب ماده ۱۰ این قانون راه‌اندازی سامانه‌ای به نام سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی پیش‌بینی شده است و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است از تاریخ ابلاغ قانون ظرف مدت یک سال نسبت به راه‌اندازی این سامانه اقدام کند.

سخنگوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور افزود: مرحله نخست سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی به پایان رسیده و پیش‌بینی این است که مرحله دوم این سامانه تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴ به بهره‌برداری برسد. پس از راه‌اندازی این سامانه که در روزنامه رسمی کشور و توسط ریاست قوه قضاییه به اطلاع عموم مردم خواهد رسید؛ هر شخص یا اشخاصی که نسبت به ملکی ادعای مالکیت داشته باشند؛ باید ظرف مدت ۲ سال از تاریخ راه‌اندازی این سامانه ادعای خود را منضم به مستندات و نقشه جغرافیایی ملک مورد ادعا در این سامانه بارگذاری کنند.

وی اظهار کرد: ادعاهای بارگذاری شده در سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی از تاریخ بارگذاری ظرف مدت ۲ سال توسط ادارات ثبت اسناد و املاک کشور و حسب مورد بر اساس قوانین و مقررات مربوطه رسیدگی خواهد شد. ادعاهای بارگذاری شده در سامانه مزبور حسب مورد بر اساس قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی یا قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن رسیدگی خواهد شد.

قویدل با اشاره به تبصره ۵ ماده ۱۰ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول گفت: چنانچه شخصی با علم بر عدم استحقاق ملک دیگری نسبت به بارگذاری سند عادی در سامانه موضوع ماده ۱۰ اقدام کند؛ به جریمه نقدی به میزان ۲۰ درصد قیمت روز ملک محکوم خواهد شد همچنین چنانچه در این راستا جرمی از قبیل جعل سند یا تبانی برای بردن مال غیر مرتکب شود به مجازات جرایم مذکور نیز محکوم خواهد شد.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید.

PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

درسنامه

کدام دعاوی در صلاحیت دادگاه صلح است؟

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

تشکیل دادگاه صلح به عنوان مهم‌ترین تغییرات قانون جدید شوراهای حل اختلاف مطرح شده است. این قانون پس از تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه، ۲۲ شهریور ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۲ مهر ۱۴۰۲ به تایید شورای نگهبان رسید و سپس در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۳، آیین‌نامه اجرایی آن توسط رئیس قوه قضاییه ابلاغ شد.

دادگاه صلح، یک نهاد جدید در دستگاه قضایی است که مطابق قانون شورای حل اختلاف ۱۴۰۲ معرفی شده و از حیث ماهیت با سایر دادگاه‌ها و محاکم تفاوت دارد. این دادگاه به منظور تسهیل فرآیندهای قضایی و کاهش بار دادگاه‌های دیگر تأسیس شده است و به حل و فصل دعاوی و جرائم در سطح محلی پرداخته و به عنوان مرجع قضایی محلی شناخته می‌شود.

دادگاه صلح به عنوان یک نهاد جدید و مستقل در دستگاه قضایی، نقش مهمی در تسهیل فرآیندهای قضایی و تضمین دسترسی به عدالت برای تمام اقشار جامعه ایفا می‌کند. با بهره‌گیری از صلاحیت‌های جدید و روش‌های میانجی‌گری، این نهاد می‌تواند به بهبود کیفیت نظام قضایی و افزایش رضایت عمومی از آن کمک کند.

وظیفه دادگاه صلح چیست؟ دادگاه صلح وظیفه دارد برای ایجاد صلح و سازش میان طرفین دعوا تلاش کند. دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به شعبه شورای حل اختلاف ارجاع می‌دهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورت‌جلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام کند. در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی می‌کند. همچنین در قانون جدید، دادگاه صلح علاوه بر صلاحیت‌های رسیدگی به دعاوی شورای حل اختلاف، به موارد جدیدی نیز اختصاص یافته است.

دادگاه صلح به چه جرایمی رسیدگی می‌کند؟ دادگاه صلح در ایران صلاحیت رسیدگی به انواع خاصی از جرایم از جمله جرایم غیرعمدی و جرایم تعزیری را دارد:

۱ جرایم غیرعمدی ناشی از کار و تصادفات رانندگی: تمامی جرایم غیرعمدی که بر اثر اشتباهات در حین کار یا تصادفات رانندگی رخ می‌دهند، در صلاحیت دادگاه صلح قرار دارند.

۲ جرایم عمدی تعزیری با مجازات‌های درجه هفت و هشت: جرایم عمدی که مجازات آن‌ها حبس تعزیری درجه هفت یا هشت باشد، نیز در صلاحیت دادگاه صلح است. نکته مهم این است که این پرونده‌ها مستقیما و بدون نیاز به صدور کیفرخواست توسط دادگاه صلح رسیدگی می‌شوند. این امر امکان یک فرآیند ساده‌تر در رسیدگی به این جرایم را فراهم می‌کند.

اجرای احکام دادگاه صلح با کیست؟ اجرای احکام صادر شده از دادگاه‌های صلح در ایران عمدتا بر عهده مقامات قضایی و ضابطین قضایی است. یعنی از این جهت تفاوتی با اجرای احکام دادگاه‌های عمومی ندارد.

برای ارتباط با ایشان می‌توانید با شماره ۰۹۱۲۴۳۹۴۹۵۸ تعامل کنید.

نکته بازی

مطمئنید حسینی یک اشتباه کرده؟

محسن گروسی پیشکسوت استقلال در مصاحبه‌ای در واکنش به اشتباه سیدحسینی حسینی دروازه‌بان استقلال در مقابل النصر که منجر به گل اول تیم حریف شد گفته: «با یک اشتباه حسینی را زیر سوال نبرید.» خدمت جناب گروسی عرض می کنیم که چشم! یک اشتباه که هیچ، ما حاضریم تا ۱۰ اشتباه بازیکنان را هم بشماریم و آنها را ببخشیم و زیر سوال نبریم اما چرا فکر می کنید این اولین اشتباه حسینی بوده؟ واقعا یادتان نمی‌آید؟ اصلا بازی‌های استقلال را نگاه می کنید؟ ببینید آقای گروسی! می‌دانیم که در همین بازی حسینی چند بار دروازه استقلال را از فروپاشی نجات داد. می‌دانیم که در بازی رفت هم واکنش‌های فوق‌العاده‌ای داشت. این را هم می‌دانیم که او همین حالا بیشترین تعداد سیو را در مسابقات لیگ نخبگان آسیا دارد و در این آیتم، صدرنشین است اما می‌دانید او چند بار با اشتباهات مرگبارش استقلال را به فنا داده است؟ در همین فصل یک بار مقابل السد از دروازه خارج شد و با مشت کردن توپ، آن را به داخل دروازه خودش انداخت! در لیگ برتر هم مقابل خیبر خرم‌آباد، هوادار و چند تیم دیگر گل‌های بدی خورده است. آقای گروسی باور کنید هواداران آنقدر درک و فهم دارند که با یکی دو اشتباه، بازیکنی را تحت فشار نگذارند و آزار ندهند اما این را هم باور کنید که چوب‌خط حسینی در استقلال خیلی وقت است که پر شده است. به آمار او در دربی‌ها نگاه کنید. اصلا یکی از دلایل ناکامی استقلال در دربی‌ها، همین آمار حسینی است که روحیه خود او را هم پایین می‌آورد و مانع نتیجه گرفتن او در این بازی می‌شود. لطفا دقیق‌تر و کارشناسانه‌تر اظهارنظر کنید.

حالا هی بگویید بازی ملی!

گفته می‌شد در بازی النصر و استقلال تعدادی از هواداران الهلال هم بلیت خریده و با توجه به رقابتی که بین این تیم و النصر وجود دارد، خواهان پیروزی استقلال در برابر النصر بودند و از این تیم حمایت می کردند. راست و دروغش برعهده راویان اما حتی اگر حقیقت داشته باشد، اصلا چیز بدی نیست و باید بپذیریم که این از قواعد هواداری در فوتبال روز دنیاست. هیچ تیم باشگاهی در هیچ جای دنیا، دوست ندارد موفقیت رقیبش را ببیند؛ حتی اگر آن موفقیت بین‌المللی باشد و به نام همان کشور ثبت شود. در این باره بارها نوشته‌ایم و این بار هم همین خبر بهانه شد تا یک بار دیگر بنویسیم بلکه کمی اثرگذار باشد و افکار عمومی این فرهنگ هواداری حرفه‌ای را بپذیرند و رسانه ملی هم بیهوده تلاش نکند تا این بازی‌ها را جزو بازی‌های ملی قرار دهد. به چه زبانی بگوییم که هواداران استقلال از شکست پرسپولیس در آسیا خوشحال می‌شوند و هواداران پرسپولیس از ناکامی استقلال در آسیا استقبال می کنند؟ چرا اصرار داریم به این بازی‌ها وجهه ملی ببخشیم در حالی که استقلالی‌ها قهرمانی در آسیا را متعلق به خودشان می‌دانند و با آن به پرسپولیسی‌ها فخر می‌فروشند و پرسپولیسی همین قهرمانی‌ها را بی‌ارزش می‌دانند و به آن لقب تورنمنت چهارجانبه امجدیه می‌دهند؟ چرا این بازی‌ها را در رسانه ملی، بازی ملی می‌دانیم وقتی که می‌بینیم بعد از شکست هر کدام از دو تیم در آسیا، انواع و اقسام ویدئوها و کلیپ‌ها در مسخره کردن رقیب در اینستاگرام منتشر و خیلی زود وایرال می‌شود؟ شما را به خدا حالا که همه تیم‌های‌مان حذف شده‌اند، این بساط را برای همیشه جمع کنید.

پایان کابوس آسیا برای بیرو

این فصل از لیگ قهرمانان آسیا برای تراکتور به پایان رسید؛ البته با یک عملکرد انتقادآمیز از علیرضا بیرانوند

نادر نامدار | با شکست تراکتور در ضربات پنالتی مقابل التعاون عربستان، این تیم از لیگ قهرمانان آسیای سطح ۲ حذف شد و حالا دیگر هیچ نماینده‌ای از ایران در دو تورنمنت بزرگ و مهم آسیایی حضور ندارند. تراکتور البته سزاوار صعود بود و می توانست با کمی خوش‌شانسی به نیمه نهایی برسد اما برخلاف تصور، خبری از درخشش علیرضا بیرانوند در این بازی نبود. مرور بازی‌های تراکتور در لیگ قهرمانان آسیا نشان می‌دهد که او برخلاف لیگ برتر، در این تورنمنت اصلا موفق نبوده و آمار بدی را هم از خود به جا گذاشته است.

تنها گل روشن

تراکتور در دومین بازی خود در مرحله گروهی، میهمان تیم روشن تاجیکستان بود و در حالی که بازی به وقت‌های تلف‌شده خود رسیده بود، با ۳ گل از میزبانش پیش بود. اما در همین لحظات، دفع توپ اشتباه مدافعان، توپ را به بازیکنان روشن سپرد و «ماوتور» با یک بغل پای زمینی و نرم، توپ را از زاویه‌ای نسبتا بسته از زیر دستان بیرانوند تبدیل به گل کرد. البته مقصر اصلی مدافع تراکتور بود اما از بیرانوند هم انتظار می‌رفت روی این ضربه، به این راحتی تسلیم نشود.

هت‌تریک اشتباه مقابل الوکره

در بازی برگشت مقابل الوکره در قطر، تراکتور ۳ گل خورد و بازی ۳ - ۳ مساوی شد. روی گل اول الوکره در دقیقه ۴، بیرانوند در حالی که خودش هم تحت فشار بود، پاس را در داخل محوطه جریمه به شجاع خلیل‌زاده داد که او هم تحت فشار مهاجم حریف بود و نتوانست توپ را از محوطه جریمه دور کند. ضربه او به بازیکن الوکره رسید و او هم همبازی‌اش را مقابل دروازه صاحب توپ کرد تا گل اول تیم قطری به راحتی و روی اشتباه دو بازیکن باتجربه تراکتور به ثمر برسد. روی گل دوم هم بیرانوند یک لحظه برای خروج از دروازه دچار تردید شد و در شلوغی داخل محوطه شش قدم توپ به مهاجم حریف رسید و بغل پای آرام او، به راحتی از میان پاهای بیرانوند وارد دروازه تراکتور شد. بیرانوند روی گل سوم الوکره هم واکنش خوبی نداشت و تقریبا توپ را فقط نگاه کرد که با یک شوت زمینی و آرام از کنار دستانش وارد دروازه تراکتور شد.

تنها بازی بدون اشتباه منجر به گل!

در بازی رفت مقابل الخالدیه بحرین، بیرانوند یک ضربه آرام بازیکن حریف را در ۳ ضرب کنترل کرد! این بازی ۲ بر یک به سود تراکتور به پایان رسید و جزو معدود گل‌هایی بود که بیرانوند نقشی در آن نداشت!

نمایش افتضاح در یادگار

بازی برگشت مقابل نماینده بحرین می‌توانست به یک فاجعه تاریخی غیرمنتظره برای فوتبال ایران و تراکتور منجر شود. تراکتور در نیمه اول به دو گل رسید و در حالی که به نظر می‌رسید یک پیروزی مطمئن در راه است، هنرنمایی بیرانوند آغاز شد. روی یک ارسال از جناح راست تراکتور، مهاجم الخالدیه ضربه‌ای را به سمت دروازه شلیک کرد و بیرانوند پس از اینکه توپ به تیر عمودی دروازه‌اش خورد، آن را برگشت داد اما جاگیری او پشت خط دروازه، به شکلی بود که توپ کاملا از خط دروازه رد شده بود و داور اعلام گل کرد! چند دقیقه بعد، روی یک ضربه شروع مجدد از دروازه، شجاع خلیل‌زاده توپ را به صورت عرضی و آرام به سمت بیرانوند فرستاد اما به دلیل ناهموار بودن چمن، توپ از روی پای بیرو رد شد و مهاجم حریف دروازه خالی تراکتور را باز کرد. در این صحنه اگرچه ناهمواری زمین نقش اول را داشت اما اصرار بیرو و شجاع هم به شروع بازی به این شکل را نباید نادیده گرفت، آن هم در حالی که در بازی‌های قبلی همین کار دردسرساز شده بود. بازی ۲-۲ مساوی شد و نگرانی هواداران تراکتور بالا گرفت. هرچند خیلی زود تراکتور گل سوم را زد اما در وقت‌های تلف‌شده، بیرانوند روی یک ارسال از بحرینی‌ها خروجی اشتباه داشت و مهاجم حریف زودتر به توپ رسید و برای سومین بار دروازه او را باز کرد. بازی در نهایت ۳ - ۳ تمام شد اما بیرانوند هواداران تراکتور را جان به لب کرد!

دریغ از یک تشخیص درست!

در بازی برگشت مقابل التعاون، دروازه تراکتور دو بار باز شد. ابتدا موسی بارو با یک شوت دیدنی از پشت محوطه توپ را دور از دسترس بیرانوند وارد دروازه تراکتور کرد. در ادامه بیرو روی صحنه تک به تک با مهاجم حریف به راحتی فریب حرکت بدن او را خورد و گل دوم هم به ثمر رسید. ناامیدکننده‌تر از همه چیز اما ضربات پنالتی بود. در حالی که هواداران او را به عنوان یک دروازه‌بان پنالتی‌گیر می‌شناسند اما او نه‌تنها هیچ کدام از پنالتی‌ها را نگرفت بلکه حتی مسیر یکی از ضربات را هم درست تشخیص نداد و همه را خلاف جهت رفت! این در حالی بود که دروازه‌بان گمنام حریف، مسیر ۳ پنالتی را درست تشخیص داد و یکی از آنها را هم گرفت.

۱۰ گل خورده در ۸ بازی

بیرو در مجموع ۸ بار در لیگ قهرمانان آسیا برای تراکتور به میدان رفت و در عملکردی ناامیدکننده، ۱۰ بار دروازه‌اش باز شد که روی خیلی از آنها خودش مقصر بود. بیرانوند در این ۸ بازی فقط دو بار موفق به کلین‌شیت شد که یکی از آنها در برابر تیم ضعیف روشن تاجیکستان بود که در بازی رفت ۷ بر صفر مغلوب تراکتور شده بود. در مجموع لیگ قهرمانان آسیا برای بیرانوند در پیراهن تراکتور یک تورنمنت کابوس‌وار بود.

گزارش

لیورپول به دوناروما و بدشانسی باخت

پاری‌سن‌ژرمن در کنار اینکه جانلوئیجی دوناروما در ضربات پنالتی درخشید، برای حذف کردن لیورپول به کمی شانس هم نیاز داشت

در مسابقه‌ای که اکنون پر از فناوری‌های مدرن و سیستم کمک‌داور ویدئویی (VAR) است، عجیب به نظر می‌رسد که یک پرتاب سکه قدیمی هنوز می‌تواند بر نتیجه چنین دیدار مهمی تأثیر بگذارد. با این حال، دو کاپیتان این تیم‌های برجسته اشرف حکیمی از پی‌اس‌جی و ویرژیل فن‌دایک از لیورپول بالای سر داور ایستاده بودند و با نگرانی منتظر نتیجه پرتاب سکه‌ای بودند که مکان برگزاری ضربات پنالتی را تعیین می کرد.

کواچ به‌صراحت به حکیمی و فن‌دایک توضیح داد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و با اشاره به دو سوی ورزشگاه، پیش از اعلام نتیجه، موقعیت را روشن کرد. وقتی مشخص شد نتیجه پرتاب سکه به این معناست که ضربات پنالتی در انتهای آنفیلد رود برگزار خواهد شد -جایی که هواداران پی‌اس‌جی در نیمی از جایگاه‌ها با هواداران لیورپول در اطراف و بالای آن‌ها حضور داشتند، و نه مقابل جایگاه کوپ، جایی که پرشورترین هواداران لیورپول جمع می‌شوند- شادی در چهره حکیمی نمایان شد.

سپس کاپیتان پی‌اس‌جی مأمور شد یک سوی سکه را برای تعیین تیم اول ضربات پنالتی انتخاب کند. وقتی او در این پرتاب نیز برنده شد، تیم خود را پیش انداخت و این فرصت را به پی‌اس‌جی داد تا از همان ابتدا برتری را کسب کند.

هوادار با بلندگو

پس از ضربات پنالتی مطمئن و آغازین ویتینیا و گونچالو راموس از پی‌اس‌جی و محمد صلاح از لیورپول، نوبت به داروین نونیز رسید که قدم به میدان بگذارد. اما این بازیکن اروگوئه‌ای نه‌تنها با استرس، بلکه با چالش دیگری روبه‌رو شد. در بخش هواداران پی‌اس‌جی، یک هوادار با بلندگو فکر کرد می‌تواند با فریاد زدن تمرکز داروین نونیز را از بین ببرد.

در حالی که داروین نونیز پشت توپ ایستاده بود، دست‌هایش را به کمر گرفته بود، درست مثل صلاح، صدای فریادهای آن هوادار از طریق بلندگو به‌خوبی شنیده می‌شد. آیا این فریادها در از دست دادن ضربه نونیز نقشی داشت؟ تنها خودش می‌داند.

همان صدای بلندگو بار دیگر هنگام ورود کرتیس جونز برای زدن آخرین ضربه پنالتی لیورپول شنیده شد. او نیز حین حرکت به سمت توپ و ثانیه‌هایی پیش از شوتش، مورد فریادهای توهین‌آمیز قرار گرفت و در نهایت ضربه‌اش توسط دوناروما دفع شد.

اثر دوناروما

رفتار دوناروما در طول ضربات پنالتی همه‌چیز را نشان می‌داد: او صحبت‌های پیش از ضربات پنالتی لوئیس انریکه را از دست داد و از جمع هم‌تیمی‌هایش حین جمع شدن کنار زمین غایب بود، زیرا به‌طور موقت به تنهایی به تونل ورزشگاه رفت. وقتی بازگشت، ابتدا همتای خود، آلیسون بکر را در آغوش گرفت و سپس با جدیت به کارش پرداخت و ضربه نونیز را مهار کرد و و سپس ضربه کرتیس جونز. هر بار که ضربه‌ای را دفع می کرد، جشنش به شکلی معقول و محدود بود و تنها به هم‌تیمی‌هایش اشاره می کرد. انگار انتظار داشت چیزی کمتر از نقش قهرمان بودن نداشته باشد.

دقت بی‌نقص پی‌اس‌جی

با وجود تمام مشکلات لیورپول، پی‌اس‌جی بی‌رحمانه عمل کرد. بله، ضربه آغازین ویتینیا شاید چندان قانع‌کننده نبود و آلیسون به خاطر عدم مهار آن ناامید خواهد بود، اما او در لحظات پر از استرس خیلی آرام بود. هیچ لحظه‌ای حتی به ذهن خطور نمی کرد که این هافبک ضربه‌اش را از دست بدهد.

این موضوع به‌سرعت به ویژگی اصلی ضربات پنالتی تبدیل شد. گونچالو راموس که در دقیقه ۱۱۹ به‌عنوان یار تعویضی وارد زمین شده بود و پیش از پنالتی‌اش حتی یک بار توپ را لمس نکرده بود و صرفاً برای زدن پنالتی وارد زمین شده بود، با سرعت و هدفی مشخص ضربه‌اش را به ثمر رساند.

عثمان دمبله، بهترین ضربه را با شلیکی مهیب وارد دروازه کرد؛ پنالتی‌ای که وین رونی، مهاجم سابق انگلیس، در تحلیل نتیجه برای آمازون پرایم آن را «ضربه‌ای که هیچ دروازه‌بانی در جهان نمی‌توانست مهار کند» توصیف کرد.

شاید برای این تیم جوان پی‌اس‌جی مناسب بود که دزیره دوئه، جوان‌ترین ضربه‌زن پنالتی در تاریخ لیگ قهرمانان، با آخرین ضربه‌ای به همان اندازه قانع‌کننده، پیروزی در این دیدار را برای تیمش رقم زد و تاریخ‌ساز شد.

سوژه روز

سهمیه ایران در آسیا آب رفت

رقابت‌های قهرمانان آسیا در سطح نخبگان و لیگ دو در حالی برای نمایندگان ایران به پایان رسید که استقلال با شکست قابل انتظار مقابل النصر رقابت را به حریف واگذار کرد و تیم تراکتور در میان موج امید و خوشبینی هواداران فوتبال در ایران، برابر التعاون شکست خورد تا به این ترتیب آخرین شانس برای زنده نگه داشتن سهمیه چهارم ایران هم از دست برود.

نکته مهم اینکه همزمان با دیدار تیم تراکتور، الریان قطر هم مقابل الاهلی عربستان حذف شد اما برتری السد مقابل الوصل کافی بود تا لیگ ستارگان قطر موقعیت خود در رتبه پنجم فوتبال آسیا را حفظ کند و با گرفتن سهمیه ایران، سه سهمیه در لیگ نخبگان و یک سهمیه در لیگ قهرمانان آسیا داشته باشد.

به این ترتیب ایران علاوه بر فصل آینده که تکلیف سهمیه‌اش از قبل مشخص شده بود، برای دو فصل بعد هم سهمیه ۱+۱ در لیگ نخبگان خواهد داشت، یعنی تیم قهرمان لیگ‌برتر به صورت مستقیم در لیگ نخبگان حاضر خواهد بود و تیم نایب‌قهرمان هم در پلی‌آف برای صعود به مرحله گروهی تلاش خواهد کرد. قهرمان جام حذفی هم به صورت مستقیم به مرحله گروهی لیگ دو آسیا صعود می کند.

نکته جالب اینکه اگر حتی این فصل تیم‌های پرسپولیس و سپاهان با عملکرد بهتری از رقابت‌های لیگ قهرمانان حذف می‌شدند، باز هم ایران می‌توانست در جایگاه بهتری نسبت به قطر و حتی امارات قرار بگیرد. امارات که حالا تنها یک سهمیه در لیگ ۲ آسیا برایش باقی مانده، با ۴ امتیاز برتری نسبت به ایران در جایگاه بالاتر ایستاده و شاید افسوس بزرگی برای پرسپولیس و سپاهان باشد که با یک یا دو برد می‌توانستند هم سرنوشت خود و هم فوتبال ایران را تغییر بدهند.

این در حالی است که با توجه به کاهش سهمیه، حالا جبران این اختلاف نسبت به قطر و امارات هم کار سختی خواهد بود و باید سه نماینده فصل آینده ایران تمام تلاش خود را انجام بدهند تا با جبران این اختلاف، شانس برای افزایش سهمیه لیگ برتر خلیج فارس به وجود بیاید.

نکته مهم اینکه با توجه به لغو ای‌اف‌سی کاپ در سال ۲۰۲۰، امتیازات این فصل مورد محاسبه قرار نگرفته، وگرنه به دلیل صعود پرسپولیس تا فینال رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا، حالا ایران می‌توانست بالاتر از امارات چهار سهمیه خود را داشته باشد.

در رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان آسیا سه نماینده عربستان در یک چهارم نهایی لیگ نخبگان حضور دارند و یک نماینده این تیم در نیمه نهایی آسیا بازی خواهد کرد. السد قطر و یک تیم از بین شباب‌الاهلی و الشارجه هم دیگر تیم‌های غرب آسیا را تشکیل می‌دهند.

منبع: ورزش ۳

گوشه و کنار مستطیل سبز

رافینیا رکورد گلزنی برزیلی‌ها در لیگ قهرمانان اروپا را شکست

رافینیا، وینگر برزیلی تیم فوتبال بارسلونا در دیدار برگشت مرحله یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا برابر بنفیکا موفق به بریس شد و رکورد ملی بیشترین تعداد گل زده در یک فصل از این تورنمنت بین برزیلی‌ها را به نام خود ثبت کرد. وینگر ۲۸ ساله بارسلونا تاکنون ۱۱ گل در این رقابت‌ها به ثمر رسانده است. پیش از این هیچ بازیکن برزیلی دیگری در تاریخ معتبرترین جام باشگاهی اروپا موفق به زدن بیش از ۱۰ گل در یک فصل نشده بود. پیش از رافینیا، کاکا (۲۰۰۷/۲۰۰۶)، ریوالدو (۲۰۰۰/۱۹۹۹)، ژاردل (۲۰۰۰/۱۹۹۹)، روبرتو فیرمینو (۲۰۱۸/۲۰۱۷) و نیمار (۲۰۱۵/۲۰۱۴) هر کدام ۱۰ گل در یک فصل به ثمر رسانده بودند. رافینیا در فصل جاری ۴۱ بازی در تمامی رقابت‌ها برای بارسلونا انجام داده و حاصل آن ۲۷ گل و ۱۹ پاس گل بوده است. قرارداد کنونی این بازیکن با بارسلونا تا تابستان ۲۰۲۷ اعتبار دارد و ارزش تقریبی او در بازار نقل‌وانتقالات حدود ۸۰ میلیون یورو تخمین زده می‌شود.

ستاره آرسنال رئال مادرید را ناامید کرد

قرارداد فعلی ویلیام سالیبا با باشگاه آرسنال در تابستان ۲۰۲۷ به پایان می‌رسد و آرسنال هنوز مذاکرات برای تمدید قرارداد با این مدافع میانی را آغاز نکرده است اما انتظار می‌رود قرارداد او خیلی زود تمدید شود. قبل از دیدار آرسنال در لیگ قهرمانان اروپا مقابل آیندهوون در روز چهارشنبه، از سالیبا در مورد آینده بلندمدت او و اینکه آیا باشگاه مذاکرات تمدید قرارداد را آغاز کرده است، سوال شد که او گفت: «هنوز نه، چون چند سالی وقت داریم، پس در حال حاضر عجله‌ای نیست. من اینجا خوشحالم، همین. می‌خواهم جام‌های بزرگی با آرسنال ببرم. اگر از این باشگاه بدون بردن چیزی بروی، هواداران تو را فراموش می کنند. من می‌خواهم جام‌های بزرگی اینجا ببرم.» این اظهارات باعث شده است که بسیاری از رسانه‌های اسپانیایی و انگلیسی مدعی شوند که او در واقع پیامی را به رئال مادرید ارسال کرده است تا به آنها اعلام کند که فعلا تصمیمی برای ترک ورزشگاه امارات و پیوستن به این باشگاه نخواهد داشت و رئال بهتر است که تمرکزش را روی جذب مدافع دیگری بگذارد.

بنزما حالاحالاها خداحافظی نمی کند

کریم بنزما، کاپیتان فرانسوی الاتحاد که یکی از مدعیان اصلی آقای گلی لیگ روشن عربستان به حساب می‌آید، بالاتر از هموطنش، انگولو کانته، عنوان پردرآمدترین بازیکن الاتحاد در این فصل را از آن خود کرد. برنده توپ طلای سال ۲۰۲۲ که عناوین پرشماری را با رئال مادرید کسب کرد، در تابستان ۲۰۲۳ بعد از ۱۴ سال سانتیاگو برنابئو را ترک کرد و الاتحاد را به عنوان سومین تیم دوران حرفه‌ای خود انتخاب کرد تا به جمع ستارگان پرشمار لیگ روشن بپیوندد. طبق گزارش سایت گل، بنزما اکنون با دستمزد باورنکردنی هفته ای ۲.۰۸۳.۲۵۷ دلار به عنوان پردرآمد ترین بازیکن الاتحاد به حساب می‌آید و حقوق سالانه او نیز به ۱۰۸ میلیون دلار می‌رسد. بنابراین بنزما با اختلاف زیاد نسبت به کانته در رتبه اول پردرآمد ترین بازیکن الاتحاد در دو فصل اخیر به حساب می‌آید. چراکه هافبک فرانسوی سابق چلسی با درآمد سالانه ۲۷ میلیون دلار در رتبه دوم قرار دارد و دیگر ستاره فرانسوی آن‌ها یعنی موسی دیابی نیز با درآمد ۱۶ میلیون دلاری در رتبه سوم این فهرست قرار گرفته است. ضمن آنکه فابینیو با ۱۵ میلیون دلار و استیون برخواین با درآمد ۱۰ میلیون دلار در سال در رتبه‌های چهارم و پنجم جای گرفته‌اند.

افت فاحش محبوبیت مسی در آمریکا

با وجود اینکه لیونل مسی در جریان دیدار اینترمیامی برابر شارلوت در فهرست این تیم قرار داشت و روی نیمکت بود اما به میدان نرفت تا سه بازی اخیر تیمش را در تمامی رقابت‌ها از دست داده باشد. خاویر ماسکرانو، سرمربی اینترمیامی، این غیبت را به مدیریت فشار و تمایل به پرهیز از هرگونه ریسک در مورد آمادگی بدنی این اسطوره آرژانتینی مربوط دانست. با این حال، هواداران فوتبال در آمریکا ناامید شده‌اند. هوستون دینامو مجبور شد به هواداران ناراضی بلیت رایگان برای بازی‌های آینده ارائه دهد چون مسی از سفر به تگزاس بازماند. دیگران هم به سرعت نارضایتی‌شان را در شبکه‌های اجتماعی ابراز کردند. یک مطالعه که توسط رسانه‌ای کانادایی انجام شده نشان داده است که ۲۴ درصد از پست‌های مربوط به مسی در شبکه اجتماعی ایکس در ماه گذشته را می‌توان منفی تلقی کرد. تنها ۱۲ درصد از این پست‌ها مثبت بوده‌اند که پایین‌ترین میزان برای برنده هشت دوره توپ طلا در طول سال گذشته محسوب می‌شود. مسی همچنین در جولای ۲۰۲۴ و پس از مصدومیت از ناحیه مچ پا در اردوی ملی در کوپا آمه‌ریکا، با نظرات منفی ۲۴ درصدی روبه‌رو شده بود اما در آن زمان همچنان ۱۸ درصد نظرات مثبت داشت.

حکم انضباطی دربی پایتخت اعلام شد

دو هفته پیش تیم‌های پرسپولیس و استقلال در حالی به مصاف یکدیگر رفتند که با وجود اعلام خطای پنالتی، تکرار پنالتی و همچنین صحنه‌های مشکوک داوری، اتفاقات حاشیه‌ای بسیار کمی روی سکو رخ داد و بازی با رخدادهای معمول دربی به انجام رسید تا پرسپولیس و استقلال هم از محرومیت در امان باشند. با اعلام کمیته انضباطی تیم پرسپولیس به دلیل پرتاب اشیا، نارنجک و روشن کردن مواد آتش‌زا ۱۵۰ میلیون تومان جریمه شدند و هواداران استقلال هم به دلیل پرتاب اشیا و نارنجک ۱۱۰ میلیون تومان جریمه پرداخت خواهند کرد. به عبارتی طرفداران پرسپولیس به خاطر روشن کردن مواد آتش‌زا ۴۰ میلیون تومان جریمه بیشتر متحمل شده‌اند. این در حالی است که بازی شهرآورد با حضور حدود ۳۰ هزار تماشاگر از سوی هر دو تیم به انجام رسید و هواداران هم بدون مشکل از ورودی‌های یکسان وارد ورزشگاه شده و تیم خود را تشویق کردند.

عذرخواهی عجیب و پراشتباه کوجو از هواداران

روز سه‌شنبه جوئل کوجو، بازیکن غنایی استقلال، با انتشار یک پست اینستاگرامی جنجالی باعث خشم هواداران این تیم شد. در این پست، او لباس کریستیانو رونالدو را بر تن داشت و در محل اقامت خود در عربستان تصاویری از خودش منتشر کرده بود. نکته‌ای که این اقدام را بحث‌برانگیزتر کرد، چهره خوشحال و راضی کوجو در تصویر بود. در حالی که استقلالی‌ها هنوز در شوک این شکست بودند. انتشار این پست باعث شد هواداران و اعضای تیم استقلال به شدت نسبت به رفتار مهاجم خارجی خود معترض شوند. بسیاری از طرفداران استقلال این حرکت را بی‌احترامی به تیم و احساسات آنها دانستند و از باشگاه خواستند تا واکنش جدی نشان دهد. در همین راستا، مدیران استقلال بلافاصله از کوجو خواستند که تصاویر منتشرشده را از صفحه شخصی خود پاک کند. این بازیکن نیز ناچار شد خیلی سریع پست‌های اینستاگرامی‌اش را حذف کند. کوجو پیش از پیوستن به استقلال هم بارها اعلام کرده بود که آرزویش بازی مقابل کریستیانو رونالدو است. پس از افزایش موج اعتراضات، کوجو یک استوری جدید در صفحه شخصی خود منتشر کرد تا شاید بتواند از هواداران دلجویی کند. البته استوری او با ترجمه‌ای غلط و عجیب منتشر شده و کمک چندانی به تغییر وضعیت نکرده است.

ابراهیم افشار

استفاده ابزاری از مرد کله تخم‌مرغی

۱ مواجهه مردم ایران با سلاطین شهرت و قدرت در تمام این یک قرن و اندی، نه بر مبنای شیفتگی برده‌وار که قبل از هر چیز، لبریز از رندی و مشاطگی بوده است. این همان مردم مردرند عشق‌خیام است که وقتی برای اولین بار سلطان پله را از نزدیک دید به جای اینکه کاغذ و مقوا دستش بدهد که امضا کند سفته‌های بانک‌مرکزی را جلوی دستش گذاشتند که امضا کند و بیچاره را بعدا بفرستند به حبس و پول‌شان را زنده کنند. بیچاره پله دیر فهمید که کاغذهای توی دست و بال مردم ایران در فرودگاه مهرآباد، اصلا شباهتی به کاغذ محل امضای یادگاری ندارند و جزو اوراق بهادار محسوب می‌شوند. حالا آن که سلطان مروارید سیاه بوده است، ببین با سلطان قیصر و گردمولر افسانه‌ای چه کردند؟ روز آخر در سرمونی آخرشب حضور بایرن‌مونیخ در ایران، وقتی فهمیدند ژرمن‌ها به شدت عاشق خوردن زهرماری هستند خبرنگاران ایرانی راه به راه برایشان جانی واکر سفارش دادند تا بلکه خجالت‌شان بریزد و به صمیمانه‌ترین و جنجالی‌ترین سوال‌های یک مصاحبه پر از قِر و قمیش پاسخ دهند.

۲ حالا آن که سلطان پله و قیصر و گلزن کبیر تیم ملی آلمان بوده‌اند و آن بلاها را سرشان آوردند ببین با کلود للوش –فیلمساز شهیر فرانسوی و برنده اسکار برای فیلم «یک مرد یک زن» چه کردند. او که در اوایل دهه ۵۰ برای ساخت مستندی شاعرانه از مملکت ما به تهران آمده بود نمی‌دانم کی مخش را زد که سفری هم به رشت ببردش. با رفقا می‌روند شمال و می‌بینند که جلوی سینمای رشت قیامت است. آنها هم بلیت می‌خرند و در معیت رفقا وارد سینما می‌شوند. للوش چنان ضدحال می‌خورد که وقتی به تهران باز می‌گردد در گفت‌وگو با خبرنگار مجله تماشا می‌گوید: «باید اعتراف کنم که یاس‌آور بود. البته سینمای فارسی را نمی‌توان با دیدن یک فیلم محکوم کرد. من حتی اسم فیلم را هم نمی‌دانم. فقط دیدم جمعیت زیادی جلوی سینما جمع شده‌اند ما هم همان فیلم را انتخاب کردیم. وقتی یک فیلم خوب درنمی‌آید فقط نمی‌توان گفت گناه آن از کارگردان فیلم است. به نظر من مقصر واقعی تماشاچی‌ست. در سینما جا برای نشستن نبود و مردم واقعا از تماشای فیلم لذت می‌بردند.» بیچاره للوش فکر می‌کرد هر فیلمی که گیشه را بترکاند حکما فیلم محشری است اما اینجا تازه فهمید که مردم در ایران صرفا برای تماشای فیلم به سینما نمی‌روند و آنجا در تاریکی، کلی کار دارند که در جای دیگر نمی‌توانند بکنند!

۳ حالا آن که سلطان پله و قیصر و بمب افکن بایرن و کلود للوش بود و آن بلاها را سرشان آوردند آنها حتی هیچکاک را هم سر منافع خود سرکار گذاشتند و ازش استفاده ابزاری کردند. اولین عکس و آگهی که از هیچکاک در روزنامه‌های ایران چاپ شد مربوط به فیلم «روح»اش بود که قرار بود در سینما مولن‌روژ اکران شود. اما به جای استفاده از عکس بازیگرهای فیلم، در متن تبلیغات فیلم در رسانه‌ها یک تصویر سیاه و سفید از یک مرد کله تخم‌مرغی تپل‌مپلی به نام هیچکاک کار کردند که با دست راستش ساعت مچی‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید «آقا خیلی متاسفم که شما به علت تاخیر حق ورود به سالن نمایش را ندارید. یادتان باشد که برای تماشای فیلم‌های من همیشه سر ساعت تشریف بیاورید.» بعد در تراکت تبلیغاتی دیگری نوشته بودند «طبق دستور آلفرد هیچکاک یک دقیقه قبل از شروع فیلم، سالن کاملا تاریک خواهد شد»(اطلاعات سوم آبان ماه ۱۳۴۰) بیچاره هیچکاک هیچوقت نفهمید مردم ایران به نامش چه کلک‌ها که پیاده نکردند.

۴ حالا آن که سلطان پله و قیصر و گردمولر و کلود للوش و آلفرد هیچکاک بود که آن بلاها را سرشان آوردند در جشنواره جهانی فیلم تهران در دهه ۵۰ نیز که جایزه‌اش یک بز خالدار خوشگل بود با سینماگران معروف دنیا نیز کم داد و ستد عاطفی نکردند. آنجا که با شرکت دادن آثار چهره‌های نامداری چون کوروساوا، اسکورسیزی، تروفو، فورمن و استنلی کوبریک، طی دو هفته، بیش از سیصد فیلم نمایش داده شده و نیز در بازار فیلم جشنواره به مدت ده روز بیش از ۴۰۰ فیلم به خریداران و توزیع‌کنندگان ۷۵ کشور دنیا عرضه شد. جشنواره‌ای که در آن برخی چهره‌های بزرگ سینمای دنیا زیر بغل تهرانی‌ها، آی هندوانه و قارپوز گذاشتند. قارپوزهایی پر از گنده‌گویی‌های میزبان رنگ‌کن. یکی از آنها اتو پرمینجر کارگردان معروف آمریکایی بود که در یک جلسه مطبوعاتی علنا گفت «من در کشور شما استودیوهای سینمایی دیده‌ام که گاهی مجهزتر و بهتر از هم‌تاهای آمریکایی‌ست.» در همین فستیوال بین‌المللی تهران در دهه پنجاه بود که کچل کبیر نیز لی‌لی به لالای میزبان گذاشت؛ یول براینر بازیگر کلّه‌آینه‌ای سینمای هالیوود در نخستین دوره جشنواره که از ۲۷ فروردین تا ششم اردیبهشت ۵۱ برگزار شد اعلام کرد که فستیوال تهران ارزشی بیشتر از جشنواره کان(همان جشنواره کن) دارد و جزو چهار فستیوال برتر جهان محسوب می‌شود. طاس شماره یک هالیوود در حضور مخبرین هاج و واج‌مانده جراید ایرانی از سرزمین میزبان آنقدر تعریف و توصیف کرد که کم مانده بود مردم بگویند آقا خواهشا دیگر بس کن. دل‌مان را خوب بردی! او که با منشی‌های فوق‌العاده دلبرانه‌اش به ایران آمده بود با تعریفات خود از غذاهای ایرانی، دل جریده‌نویسان و روزنامه فروشان و سینمایی‌نویسان بومی را فتح کرد: «با اینکه مدت فستیوال تهران ۱۱ روزه ست اما به دنبال تغییر برنامه‌ام هستم تا یک ماه در ایران حضور بیابم و شهرهای اصفهان و شیراز را از نزدیک ببینم. من طعم غذاهای ایرانی را هرگز فراموش نمی‌کنم. مخصوصا خاویار ایرانی که صبحانه هر روز صبح مرا تشکیل می‌دهد. من همچنین طعم چلوکباب‌ها و قورمه‌سبزی‌های ایران را از یاد نمی‌برم.» در دوره اول جشنواره فیلم تهران، آن بز بالدار زیبا که نماد جشنواره محسوب می‌شد در دست‌های «جین فوندا» آرام گرفت و همه برای خانم فوندا، کف و خون قاطی کردند. دوره دوم فستیوال تهران با درخشش «لاکی لوپیانو»ی فرانچسکو رزی همراه بود و دوره پنجم و آخرین دوره نیز با درخشش «برده عشق» نیکیتا میخالکوف مواجه شد. درد اما این بود که منتقدین اولین دوره جشنواره فیلم تهران حضور یک هنرپیشه درجه ۳ نظیر به نام خانم «اودیل ورسوا» را به عنوان نماینده سینمای فرانسه در مسند یک داور بین‌المللی فستیوال جهانی تهران بر نمی‌تابیدند. آقا بَرِبتابید دیگر. بَرِبتابید. یکی نبود بپرسد آخر بر چه باید تابید؟

رضیه انصاری

قهر و آشتی

چادرها را جمع کنید! حرکت می‌کنیم! آرتیست آمریکایی همین یک خط دیالوگ را هم نمی‌تواند به فارسیِ درست و درمان بگوید. بیست، سی برداشت می‌گیرند تا سرانجام کارگردان راضی شود. آرتیست آمریکایی به آرتیست ایرانی می‌گوید عجب کار سختی است و تو چطور با اینکه انگلیسی‌ات خوب نیست، آن همه دیالوگ را حفظ کرده‌ای و می‌گویی؟ حالا آرتیست آمریکایی کی باشد؟ جناب آنتونی کوئین. هنرپیشه ایرانی کیست؟ بهروز وثوقی. زمان؟ سال ۱۳۵۷، سر صحنه فیلمبرداری سینمایی «کاروان‌ها» به کارگردانی جیمز فارگو، محصول مشترک ایران و آمریکا.

بهروز وثوقی در کتاب زندگینامه‌اش (به کوشش ناصر زراعتی، آران‌پرس آمریکا، ۲۰۰۴) در بخش خاطرات مربوط به این فیلم از آشنایی‌اش با آنتونی کوئین تعریف می‌کند و از روزی در اصفهان می‌گوید که صبح زودش با آنتونی کوئین قرار دوچرخه‌سواری گذاشته‌اند. داستان فیلم در افغانستان اتفاق می‌افتد اما در بوشهر و اصفهان فیلمبرداری می‌شود و محمدعلی کشاورز، پرویز قریب‌افشار، محمدتقی کهنمویی و چند ایرانی دیگر هم جزو هیات بازیگران ایرانی‌اند. از آنجایی که بهروز وثوقی یکی از ستاره‌های معروف سینمای آن سال‌ها بوده، مردم اصفهان او را می‌شناسند و دنبالش می‌افتند و برایش هورا می‌کشند. جناب آنتونی کوئین هم که در مملکت غریب به اندازه ستاره وطنی شناس نبوده، لابد از تشویق برابر برخوردار نشده و تازه آرامش برنامه دوچرخه‌سواری‌اش هم خراب شده، به جناب بهروزخان می‌گوید از فردا دیگر با تو نمی‌آیم و خودم تنهایی می‌روم دوچرخه‌سواری. یعنی دلخور شده؟ شاید. دلخوری بعدی اما جدی‌تر است.

با اینکه فیلمنامه بر اساس کتابی از جیمز آلبرت میچنر نوشته شده و بازیگران فیلمنامه را خوانده‌اند و قرارداد امضا کرده‌اند، آنتونی کوئین به قول بهروزخان دبّه می‌کند. او که در نقش ذوالفقار، رئیس طایفه ایفای نقش می‌کند و قرار است در پایان فیلم در جنگ با نیروهای ارتشی کشته شود، می‌گوید طرفدارانش دوست ندارند او در فیلم‌ها کشته شود و بنابراین باید حتما پایان فیلم عوض شود. کارگردان و دست‌اندرکاران یک جلسه مشورتی بر پا می‌کنند تا تصمیم بگیرند کدام نقش از چهار شخصیت اصلی فیلم، یعنی ذوالفقارخان (با بازی آنتونی کوئین)، سرهنگ نصرالله (با بازی بهروز وثوقی)، مارک میلر، فرستاده آمریکایی (با بازی مایکل سارازین) یا اِلن (با بازی جنیفر اونیل) در آخر کشته شوند. دَلیل آنتونی کوئین که معلوم است. سارازین هم زیر بار نمی‌رود و می‌گوید من نماینده دولت آمریکا هستم و صورت خوشی ندارد در فیلم کشته شوم. جنیفر هم اگر کشته شود، معنای فیلم تحت تاثیر قرار می‌گیرد. بحث و گفتگو بالا می‌گیرد و آنتونی کوئین که خسته و کلافه شده با عصبانیت می‌گوید اصلا گور پدر سرهنگ نصرالله، او را می‌کشیم! البته دقیقا از اصطلاح گور پدرش استفاده نمی‌کند و معادل آمریکایی‌اش را که با F شروع می‌شود بر زبان می‌آورد. این بار جناب بهروزخان به دل می‌گیرد و چنان به او برمی‌خورَد که چمدانش را جمع می‌کند و بر می‌گردد تهران. با پا درمیانی فردی به نام دکتر بوشهری، بالاخره بهروز وثوقی به اصفهان برمی‌گردد و در کنار گروه و عوامل قرار می‌گیرد. او در کتاب خاطراتش صحنه آشتی کردن با آنتونی کوئین را اینطور به تصویر کشیده: «در رستوران هتل شاه‌عباس با دیگر عوامل فیلم نشسته بودم، ولی آنتونی کوئین نبود. همینطور که مشغول حرف زدن بودیم یک نفر از پشت سر بغلم کرد و صورتش را به صورتم چسباند. برگشتم و دیدم آنتونی کوئین است. سلام کرد و گفت: پسرم، پاشو برویم، می‌خواهم کمی باهم گپ بزنیم. رفتیم داخل حیاط هتل و شروع کردیم به قدم زدن...» سوءتفاهم برطرف می‌شود و دو ستاره با هم آشتی می‌کنند و فیلم با کشته شدن الن (جنیفر اونیل) به پایان می‌رسد. قربانی اصلی اما سرمایه ایران است. جمال امید در کتاب تاریخ سینمای ایران (ص ۷۵۱) نوشته است: «صاحب‌نظران معتقدند که ویلیامز (تهیه‌کننده آمریکایی فیلم)، «کاروان‌ها» را در واقع با ۵۰میلیون تومان سرمایه‌گذاری دولت ایران به پایان رساند و بعد هم با استفاده از اوضاع انقلابی ایران، سر فرصت به حساب‌سازی پرداخت و با وانمود کردن به این که نمایش فیلم در همه‌جا با شکست تجاری روبرو شد، دیناری از فروش فیلم را به ایران بازنگرداند.»

نادر نامدار

ما بودیم و تاریبو وست!

آن روزها که جام‌جهانی ۱۹۹۰ را از تلویزیون می‌دیدم، حتی به ذهنم هم خطور نمی‌کرد که روزی ممکن است فوتبال ایران هم مقابل بهترین و بزرگ‌ترین تیم‌ها و فوق‌ستاره‌های‌شان قرار بگیرد. آنقدر از نظر ذهنی در این زمینه فقیر بودم که همین که می‌توانستم این بازی‌ها را زنده ببینم و هنرنمایی مارادونا، ماتئوس، رود گولیت، روژه میلا و ... را ببینم، برایم کافی بود. البته می‌دانم که سال‌ها پیشتر، پله هم به ایران آمده و در ورزشگاه آزادی بازی کرده بود. اوزه بیو هم با بنفیکا مقابل پرسپولیس بازی کرده بود. توستائو هم با کروزیرو، پرسپولیس را در ایران شکست داده بود. بکن باوئر، گرد مولر و اووه زیلر هم با بایرن مقابل تیم منتخب تهران بازی کرده بودند اما خب اینها را فقط خوانده بودم و درکی واقعی از اتفاق بزرگی که رخ داده بود، نداشتم. چند سال که گذشت، بعضی از ستاره‌ها از نظر جغرافیا به ایران نزدیک‌تر شدند. مثلا خبر می‌رسید که عبدی پله به العین امارات پیوسته! او البته دوران اوجش را پشت سر گذاشته بود و در آن روزها فوق‌ستاره به حساب نمی‌آمد اما هنوز هم بزرگ بود و دیدنش در یک تیم اماراتی، هم باورنکردنی بود و هم جذاب؛ و نمی‌توانستم تصور کنم که ممکن است روزی بازیکنی مثل او حتی در سن و سال بالا، مقابل تیمی از ایران قرار بگیرد.

اما این اتفاق بالاخره افتاد و او در سال ۷۷ با تیم العین مقابل استقلال قرار گرفت. داشتم از ترس سکته می‌کردم که او قرار است چه بلایی سر تیم محبوبم بیاورد اما او ۹۰ دقیقه تمام زیر نظر یکی از گمنام‌ترین و معمولی‌ترین بازیکنان آن دوره استقلال یعنی ایوب اصغرخانی، نتوانست کاری از پیش ببرد و تیمش هم با یک گل به استقلال باخت!

چند سال بعد، گذر روبرتو دونادونی ایتالیایی به ایران افتاد. البته باز هم به لطف بازی در تیم‌های عربی حاشیه خلیج فارس! او بازیکن الاتحاد عربستان بود و تیمش در جام باشگاه‌های آسیا حریف استقلال شد. دونادونی اما با عبدی پله فرق داشت. او در تهران تنها گل پیروزی‌بخش تیمش را زد و در بازی برگشت هم بهترین بازیکن زمین بود و باعث و بانی حذف استقلال از آسیا شد.

کم‌کم رفت و آمد و تقابل این ستاره‌ها با تیم‌های ایرانی بیشتر شد. به لطف رسیدن به جام‌جهانی ۱۹۹۸، تنه بازیکنان‌مان بیشتر از قبل به تنه ستاره‌های فوتبال جهان خورد. چشم‌مان را باز کردیم و دیدیم تیم ملی‌مان دارد مقابل آاس رم بازی می‌کند و فرانچسکو توتی هم آن وسط دارد دلبری می‌کند! چند روز بعد آلوارو رکوبا را دیدیم که با پیراهن اینترمیلان دروازه ما را باز کرد. بعد هم که خود جام‌جهانی از راه رسید و مقابل یوگسلاوی با دراگان استویکوویچ و دژان استانکوویچ و سینیشا میهایلوویچ و آلمان با کوپکه، لوتار ماتئوس، توماس هسلر، توماس هلمر، اولیور بیرهوف، یورگن کلینزمن و ... به میدان رفتیم.

از آن دوران به بعد، بازی کردن فوق‌ستاره‌ها مقابل تیم‌های ایرانی دیگر خیلی هم عجیب و غریب نبود. در دو دهه اخیر بهترین فوتبالیست‌های جهان یعنی لیونل مسی، کریس رونالدو و زلاتان ایبراهیموویچ هم مقابل تیم ملی ما بازی کردند. مسی یک بار در جام‌جهانی ۲۰۱۴ در برابر تیم ملی ایران بازی کرد و آن گل تماشایی و دردناک را در آخرین دقیقه به علیرضا حقیقی زد، زلاتان در یک بازی دوستانه یک نمایش بی‌رحمانه مقابل ایران داشت و یک گل زد و یک پاس گل داد و رونالدو هم به جز دو بازی با پیراهن تیم ملی پرتغال در برابر ایران در جام جهانی، چند بار در قالب تیم النصر مقابل ایرانی‌ها قرار گرفته که در بیشتر مواقع ناکام بوده و فقط دو بار از روی نقطه پنالتی دروازه میرزاپور و حسینی را باز کرده است.

در میان همه این ستاره‌ها، بازیکن مورد علاقه‌ام هم یک بار به ایران آمده که خب خیلی‌ها آن روز را فراموش کرده‌اند و اگر بپرسید که آیا می‌دانید او به ایران آمده؟ متعجب خواهند شد. منظورم رائول گونزالس ستاره سابق رئال مادرید است که در سال ۱۳۹۳ با تیم السد قطر برای بازی مقابل فولاد خوزستان در لیگ قهرمانان آسیا به اهواز رفت. او در آن بازی خوب کار نکرد اما حضور او را در ایران مهم‌تر از حضور نفراتی مثل ژاوی، دونادونی و خیلی‌های دیگر می‌دانستم و حسرت خوردم که چرا استقلال فرصت بازی مقابل او را پیدا نکرد. درباره ریوالدوی برزیلی هم همین حس را دارم. او با پیراهن بنیادکار مقابل پرسپولیس و ذوب‌آهن به میدان رفت اما استقلال شناس رویارویی را با او را پیدا نکرد.

همه این‌ها را نوشتم اما این را هم می‌دانم که فوتبال ایران بیشتر به لطف حضور این بازیکنان حضور در تیم‌های عربی کشورها حاشیه خلیج فارس فرصت دیدن و رودررو شدن با آنها را پیدا کرده است. در سایر موارد هم قرعه‌کشی جام جهانی شانس رویارویی با امثال مسی و رونالدو را به فوتبال ایران داده؛ وگرنه اگر به ما بود، معروف‌ترین بازیکنی که برای بازی در فوتبال ایران به کشورمان آمد، تاریبو وست دیوانه نیجریه‌ای بود که در اتفاقی که هنوز هم هضمش نکرده‌ام، به پیکان پیوست اما حتی یک دقیقه هم برای این تیم بازی نکرد و قراردادش را فسخ کرد و رفت پی کارش! خلاصه که اگر این باشگاه‌های قطری، عربستانی و اماراتی نبودند، فوتبال ما هنوز هم از حضور ستاره‌ها در ایران غش و ضعف می‌کرد.

احد بابایی منیر

پله سفید و آناناس‌های مونیخی!

به یاد فرزاد قورچیان

۱ -صحبت از پله که شود، به خاطر داشته باشید که «ورژن ایرانی‌اش»را هم داریم: نه سیه‌چرده که سفید، پله سفید: «پله‌ابوطالب!». داستان، از دعوت «تیم‌منتخب‌سانتوز» برای بازی دوستانه با «تیم‌تاج»- استقلال فعلی- شروع شد اگرچه، به سبب نبودن ستارگان‌آبی پوش ایرانی که آن روزها با تیم‌ملّی در پیونگ‌یانگ بودند سرانجام «تیم‌منتخب‌تهران» رو در روی سانتوز ایستاد و نتیجه ۵ بر یک به سود سانتوز رقم خورد، سانتوز پیش از رسیدن به تهران، «فنرباغچه» را در ترکیه با ۶ گل درهم کوبیده بود! تنها گل تیم منتخب تهران را پرویز میرزاحسن زد و نصرالله‌عبداللهی مامور مهار «جادوگر سیه‌چرده بود.» روزنامه اطلاعات البته، «بازارگرمی» را با شماره ۱۳۷۷۸ دوشنبه ۴اردیبهشت شروع کرده بود در صفحه اول تیتر زده بود: «پله در استادیوم صدهزارنفری» و در صفحه ۳ بر آتش اشتیاق دمیده بود: «پله با پاهایش توپ را چنان به بازی می‌گیرد که با دست نیز نمی‌توان چنین حرکاتی را انجام داد!» سالمندی، برگریزان خاطره‌هاست! خزان پیری که از راه برسد، با داس فراموشی یادها و خاطره‌ها را درو می‌کند، به گمانم امّا، روزهایی هستند که حافظه تهران - هر چقدر هم که پیر شود - فراموش‌شان نخواهد کرد. پانزدهم اردیبهشت ۱۳۵۱ یکی از همان روزهاست:

«طفلکی‌مهرآباد!» سرسام گرفته بود فریادهای کر کننده «پله،پله» هنوز که هنوز است در گوش‌های فرودگاه پیر طنین‌انداز است گیرم که از آن روز اردیبهشتی ۱۳۵۱ تا سال جاری (۱۴۰۳) بیش از «نیم‌قرن» می‌گذرد!

دیگران هم بودند: جرزینهو، توستائو، کارلوس‌آلبرتو و... ولی، «ادسون‌آرانتس‌دو ناسیمنتو» اصل جنس بود! فیفا به او لقب «برترین» داده بود، شوخی نبود «یکی از بزرگ‌ترین‌های تمام‌ادوار مستطیل‌سبز» آمده بود تا ۹۰ دقیقه تمام با توپ شعبده‌بازی کند!

اتفاقات جالب و به یادماندنی در آن «اردیبهشت‌فراموش‌نشدنی» هیچ‌زمان از حافظه تهران و مهرآباد زدوده نخواهد شد: «عمومهراب» از ۳ بامداد در فرودگاه به انتظار پله، پابه‌پا می‌کرد و نتیجه این انتظار شده بود عکس‌دونفری پله و مهراب شاهرخی!

در ازدحام علاقمندانی که برای گرفتن امضا از پله از سر و کول هم بالا می‌رفتند، رندی هم سفته‌ای خالی را به امضای «مرواریدسیاه»رسانده بود! ولی «تک‌خال» این ماجراها را زنده‌یاد «پرویز ابوطالب» رو کرده بود: مربّی تیم ملّی جوانان دست سلطان را گرفته بود و برده بود به «بیمارستان‌آسیا» تا گل‌پسر تازه به دنیا آمده‌اش پله را ببیند! و به مناسبت همین دیدار نام نوزاد تازه به دنیا آمده‌اش را گذاشته بود: پله! فراموش نکنید: پله دوبار و در دو مکان مختلف به دنیا آمده‌است: یکبار در «ترس کوراسویس میناز ژرایس» برزیل و بار دوم در «تهران بیمارستان آسیا!»

پله سیاه و پله سفید!

۲ - کیهان ورزشی تیتر زده بود:

بلی! منتخب‌تهران شش، قهرمان باشگاه‌های‌آلمان سه!

پس از آن باخت‌تاریخی بکن‌باوئر گفته بود: «این سخت‌ترین روزهای زندگی ورزشی‌من بوده‌است!

۹ تیر ۱۳۵۱ را حضور «تیم بایرن‌مونیخ» در تهران به یکی از «داغ‌ترین‌تابستان‌ها»ی پایتخت تبدیل کرده بود با آن «مثلث طلایی و اسطوره‌ای باوئر- مایر و مولر!»:

در سال ۱۹۶۷ که برای بازی دوستانه‌ای به اتریش رفته بود، زمانی که به دعوت امپراتور اتریش «فرانسیس‌دوّم» در کنار او ایستاد و عکسی یادگاری گرفت، روزنامه‌های اتریش نوشتند: امپراتور و امپراتور فوتبال در یک قاب! و از آن روز، فرانتس بکن‌باوئر شد: «قیصر»

غیرقابل پیش‌بینی بودن، شیرجه‌های انفجاری و حیرت‌انگیز و واکنش‌های سریع‌وبی‌نظیرش «سپ‌مایر» را شایسته لقب «گربه آنتسینگ» ساخته بود: زادگاهش در آلمان، دهستانی کوچک‌وزیبا!

و سوّمین ضلع مثلث، «گرهاردمولر» که در ایران او را با نام «گردمولر» می‌شناختند

گرهارد در زادگاهش آلمان، لقب «بمب‌افکن» را یدک می‌کشید!

با این‌همه «اهِن‌وتُلُپ!»، از قیصر و گربه‌آنتسینگ و بمب‌افکن کاریِ ساخته نبود.

محمدصادقی یک‌تنه و به تنهایی! با ۳گُل و غلامحسین‌مظلومی و صفرایرانپاک‌وهمایون‌بهزادی هر کدام با یک گل در «کرت باغچه دروازه بایرن» ۶ گل کاشته بودند به چه ناز و کرشمه‌ای که بیا و ببین!

از ۳ گل بایرن‌مونیخ به منتخب‌تهران، سهم «بمب‌افکن» فقط یک گل بود و بس!

«آتشبار ضدهوایی مجیدخان‌حلوایی» در تمام طول نبرد، بمب‌افکن را از کار انداخته بود! هر زمان کیف‌تان کوک بود و دماغ‌تان چاق و هوس «کری‌خوانی» کردید، از «۶تایی‌های ژرمنی» هم یاد بکنید! دوستی دارم که نزدیک ده دوازده سال است که ساکن استرالیاست، یادش بخیر فوتبال که بازی می‌کردیم و می‌بردیم، به تیم بازنده می‌گفت: آناناس! «فرزادجان!» لابد اگر آن روز ورزشگاه‌بودی، پس از بازی به «مثلث اسطوره‌ای طلایی!» می‌گفتی:

چه‌حال چه احوال آناناس‌های مونیخی ؟!

حمید رستمی

کپی برابر اصل!

۱ در بهار سال ۸۵ تیتر نخست روزنامه‌های تهران به سفر بدون مقدمه و دوستانه ژولیت بینوش ستاره فرانسوی سینمای دنیا به ایران اختصاص یافت و اینکه او به دعوت عباس کیارستمی و احتمالاً برای همکاری در یک پروژه سینمایی به ایران آمده است. خیلی زود تصاویر گشت و گذار و آبگوشت خوری ژولیت در تهران به عکس اول روزنامه‌های کشور تبدیل شد و تصاویری محجبه از او که با شمایل سینمایی‌اش تفاوت بسیار داشت بر روی جلدها خودنمایی کرد. آن روزها علاقه‌مندان جدی سینما بینوش را با فیلم آبی (کریشتوف کیشلوفسکی) می‌شناختند و زنی غمگین و آسیب دیده که بعد از مرگ همسر آهنگسازش با واقعیت‌های تلخی روبه‌رو می‌شود و سعی در ایجاد یک انقلاب درونی در روح و روان خود دارد. همچنان که در فیلم سبکی تحمل ناپذیر هستی (فیلیپ کافمن) یک دختر خجالتی و تودار است که برای رسیدن به خواسته‌اش ریسک می‌کند، نکته‌ای که انگار برای مجاب شدنش به سفر به تهران هم او را کمک کرده و برای ارضای غریزه کنجکاوی خودش هم که شده سعی می‌کند دنیای جدیدی که در موردش شنیده و خوانده را از نزدیک ببیند. هرچند که سفر یک هفته‌ای برای شناخت یک کشور با آداب و سنن و ریزه کاری‌های فرهنگی بسیار اصلاً کافی نیست ولی همین حضورش در ایران و دیدن بلاواسطه زندگی در پایتخت ایران و نوع ارتباط مردمانش برای باطل کردن فرضیات قبلی کفایت می‌کند. او از فرهنگ خوش‌آمدگویی ایرانی‌ها بسیار تحت تاثیر قرار گرفته و همه جا از آن به نیکی یاد می‌کند و اینکه شاید ایران از نظر پیشرفت‌های ظاهری چندان تفاوتی با غرب نداشته ولی هنوز اصالت‌هایش را حفظ کرده است. او که در فیلم آسیب (لویی مال) دختر جوان پر شر و شوری‌ست که وارد رابطه‌ای خطرناک و ممنوعه با پدر نامزدش که از اعضای ارشد کابینه دولت بریتانیاست می‌شود و جسارت خویش در انتخاب و ایفای نقش‌های پرتنش را یادآور می‌کند، حالا در میانسالی ترجیح داده در پی کشف دنیای ذهنی و سینمایی عباس کیارستمی با او همسفر شود و سعی کند او را بهتر بشناسد. همان کارگردان معروفی که همیشه با عینک آفتابی در مجامع ظاهر می‌شد و حتی اصرار بینوش در یکی از نخستین دیدارهایشان در خانه ژان کلود کاریر (فیلمنامه نویس) در فرانسه هم باعث نشده بود که او مجبور به برداشتن عینک شود و ژولیت چشمانش را ببیند. او در خلال سفر یک هفته‌ای به تهران یک سفر زمینی هم به اصفهان داشت و از این سفر یک روزه به عنوان نقطه عطف کل مسافرتش یاد می‌کند و آثار باستانی، اماکن دیدنی و مساجد تاریخی اصفهان تاثیر عمیقی بر او می‌گذارد و در همان سفر بود که کیارستمی داستان فیلم کپی برابر اصل را که قبلا یک بار نزدیک به یک ساعت برایش تعریف کرده بود را دوباره تعریف می‌کند و دستیار کیارستمی که رانندگی را بر عهده داشته از این داستان شگفت زده شده و پیشنهاد ساختش را می‌دهد و ژولیت هم همان جا «بله» را گفته و یک قرارداد دو طرفه در دو تکه کاغذ نوشته و طرفین امضا و انگشت می‌زند تا بعدها فیلم ساخته شده و جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره کن را نصیب بینوش کند و رهآورد دلچسبی باشد برای یک سفر یک هفته‌ای ستاره سینمای جهان به ایران که ابتدا با قصد شناخت بیشتر ایران و تماشای طبیعت زیبا و چشم‌اندازهای منحصر به فرد فیلم‌های کیارستمی بود و بعد تبدیل به یک همکاری موفق شد.

۲ روزی که تصویر حضور شان پن در نماز جمعه تهران به عکس اول روزنامه‌های کشور تبدیل شد اگر یک نظرسنجی گذاشته می‌شد و می‌گفتند حدس بزنید چه کسی به نماز جمعه این هفته تهران می‌آید شاید شانس حضور شان پن که در آن روزها در اوج محبوبیت سینمایی قرار داشت یک به یک میلیارد هم نمی‌شد ولی اتفاق غیر ممکن رخ داده بود بدون کوچک‌ترین پیش زمینه‌ای حتی!

بهار ۸۴ بهار متفاوتی بود و تهران سبز آن روزها کمترین نشانه‌ای از بروز بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روزها و سال‌های بعد را نمی‌توانست پیش‌بینی کند! رئیس جمهور نجیب از بهانه‌گیری‌های کودکانه گروه‌های فشار به تنگ آمده بود و برای پایان مهلت ریاستش روزشماری می‌کرد و دلار زیر هزار تومان و سکه زیر ۱۰۰ هزار تومان هنوز برای تبدیل به اژدهای چند سر رام نشدنی فرصت بسیار داشت و کسی گمان نمی‌کرد که در کمتر از ۲۰ سال چنان خشکسالی در تهران بشود که یاران عشق و محبت و مهربانی را فراموش کنند و گروهی اقلیت که رویای «ژاپن اسلامی» شدن در سر می‌پروراندند از لحظه‌ای غفلت عاقله مردان و زنان استفاده کرده و قطار را از ریل خارج کنند. شان پن در چنین روزهایی به ایران آمد تا در قامت یک خبرنگار روایتگر تکاپوی ملتی خسته از اصلاحات برای انتخاب رئیس دولت جدید باشد و مردمی درمانده از جنگ‌های لفظی بی‌حاصل ۸ ساله گروه‌های مختلف که در بدترین حالت رو به سوی شیخ رفسنجان می‌کردند و دولت سازندگی با هدف نزدیک کردن نیروهای انقلاب به هم سکان هدایت را دوباره به دست می‌گرفت و زندگی کم تلاطمشان تداوم می‌یافت. اما نشد آنچه باید می‌شد و تقدیر نسخه دیگری نوشته بود از ظهور و بروز معجزه هزاره سوم که در مستندهای شان پن جای خالی‌اش احساس می‌شد. شان پن آن روزها با فیلم ۲۱ گرم (ایناریتو) حسابی کولاک کرده بود و در قامت مردی مریض احوال که قلب مرد مرده‌ای را به او پیوند زده‌اند و حالا سعی در نزدیک شدن به خانواده مرد مرده دارد و قلبی که برای همسر بیوه او همچنان می‌تپد و وزنی که بعد از مرگ و با پرواز روح از جسم کمتر می‌شود! شان پن پیش از آن در یک شاهکار پربیننده دیگر هم بازی کرده بود با اسم راه رفتن مرد مرده (تیم رابینز) که در آن نقش یک زندانی محکوم به اعدام را بازی می‌کرد که به دلیل تجاوز و قتل دستگیر شده و حالا در روزهای آخر زندگی همدم یک راهبه شده است و سعی دارد تا با وجدانی آسوده‌تر به آن دنیا سفر کند. رفته رفته رابطه دوستی عمیق‌تری بین خواهر هلن و متیو پانسلت (شان پن) برقرار می‌شود و راهبه خوش قلب در پی گرفتن رضایت از اولیای دم تلاش‌هایی را آغاز می‌کند ولی بعد از ناامیدی به تقدیر گردن نهاده و متیو اعدام می‌شود. شان پن در نقش گنهکاری به آخر خط رسیده و پشیمان تصویری به یاد ماندنی از روزهای آخر یک شرور بالفطره را به نمایش می‌گذارد و افسوسی عمیق از دیر آشنا شدن با آدم‌هایی نیکو خصال مثل خواهر هلن بر دلش می‌ماند. شان پن در طول چهار روز حضور در تهران با آدم‌های مختلفی دیدار و گفت‌وگو کرد از جمله هنرمندانی مثل بهرام رادان و آتیلا پسیانی و البته مراسمی رسمی که در خانه هنرمندان ایران به افتخارش تشکیل یافته بود و انبوه هوادارانی که هر روز برای گرفتن عکس یادگاری به محل اقامتش در هتل لاله تهران مراجعه می‌کردند. یکی از مهم‌ترین دیدارهای شان پن در تهران ملاقاتش با علی اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بود که رسانه‌های خارجی روی انتخابش بیشتر حساب می‌کردند ولی این محمود احمدی‌نژاد بود که در روزهای آخر از گرد راه رسید و گوی سبقت را ربود تا گزارش چند قسمتی شان پن از تهران ارزش خبری- تاریخی چندانی نداشته باشد.

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشاردهنده آنها ذکر شده‌است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

ده چهره از سال بلوا

خرده روایت‌های شهر شلوغ | آنان که از سال ۱۴۰۳ در قاب ذهن ما نقش بسته‌اند

مصطفی آرانی | سال پرخبر ۱۴۰۳ نیز به پایان رسید. سالی که پر از رویدادهای عجیب، دردناک و شاید کمی مهیب و ترسناک بود.
بیش از همه این رویدادها مرتبط با تحولات خاورمیانه و وقایع لبنان و فلسطین و سوریه بود ولی خب پای ایران هم به این تحولات باز شد و ما دست کم دو رویارویی مستقیم با رژیم اشغالگر داشتیم. در این شرایط و البته با قید این نکته که برخی از کسانی که امسال چهره بودند مثل زنان خواننده را به دلایل قانونی و وضعیت فعلی نمی توانیم پوشش بدهیم؛ تلاش کردیم ترکیبی ایجاد کنیم از همه شخصیت‌های در قیدحیاتی که می توانند چهره‌های سال جدید باشند. در این میان البته تبعیض‌های مثبتی هم تلاش کردیم به نفع زنان و نیز به نفع چهره‌هایی ایجاد کنیم که حالمان را خوب کردند وگرنه شاید مثلا امیرمحمد خالقی که قتلش در خیابان‌های امیرآباد تهران موجب تاثر عمومی شد می توانست جزو چهره‌های ما باشد.
در نهایت هم بدون هیچ تردیدی می توان مسعود پزشکیان را به عنوان چهره سال انتخاب کرد. مردی که از حضورش در انتخابات تا پیروزی‌اش و تحولات مرتبط با آن و نیز طرز گفتار و رفتارش، او را به یک رئیس جمهور خاص تبدیل کرده است.

بازی سرنوشت؛ از مهاباد تا تهران

یک زندگی‌نامه کمی متفاوت از رئیس جمهور جدیدی که در سال ۱۴۰۳ داشتیم

۱. «جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان
سلام علیکم
اکنون که در جهت راهبردهای اساسی برنامه سوم توسعه و انجام اصلاحات زیربنایی، ساختار نوین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب رسیده است، لذا با توجه به تعهد، تجربه و شایستگی جنابعالی به موجب این ابلاغ به سمت معاون سلامت منصوب می‌شوید، تا با رعایت جوانب شرعی و قانونی انجام وظیفه نمایید...
دکتر محمد فرهادی.»

۲. ۲۳ بهمن ۱۳۷۹ این حکم انتصاب در خبرگزاری ایسنا درج شده بود. سال سوم دولت خاتمی بود. در آن زمان شاید برای کمتر کسی خارج از مجموعه وزارت بهداشت، انتصاب «معاون سلامت» وزارت بهداشت مهم بود و شاید که نه؛ قطعا؛ هیچ کس؛ باور نمی کرد که کمتر از ربع قرن بعد، همان معاون سلامت، رئیس جمهور ایران باشد. کار برای این روزگار اما نشد ندارد!

۳. مسعود پزشکیان متولد ازدواج محبوبه و محمدعلی است. در میانه سال ۱۳۲۰. پدرش در آن زمان ۱۸ ساله بود و مادرش ۴۱ ساله. اختلاف سنی آن‌ها زیاد بود ولی مادر، بنا به نرم‌های امروزی بخواهی حساب کنی، دست کم در سن کودکی ازدواج نکرده بود.

۴. محل تولد مهاباد بود ولی پدر و مادر هر دو ارومیه‌ای بودند. در آن زمان هر دو شهر، مهاباد و ارومیه اما زیرمجموعه «استان چهارم» مملکت بودند که در زمستان سال ۱۳۱۶ تاسیس شده است. در آن زمان به این استان «آذربایجان غربی» نمی گفتند و ظاهرا در میانه دهه چهل چنین اسمی مرسوم شد.

۵. تولد در این منطقه برای پزشکیان، که فرزند چهارم پدر و مادر خود بود، یک ترکیب قومیتی کم‌نظیر به وجود آورد: ترک و کرد. حتی برخی منابع می گویند پدر او آذری و مادر او کرد بوده یا بالعکس هرچند که پزشکیان گفته پدر و مادر او هر دو از ترکان آذربایجان بودند.

۶. چرا می گوییم ترکیب قومیتی کم‌نظیر؟ چون دقیقا پزشکیان با رای همین مناطق رئیس‌جمهور شد. در واقع همان طور که در نقشه‌ای که در اینجا منتشر کردیم نشان داده شده پزشکیان تقریبا با رای استان‌های حاشیه‌ای مملکت توانست به ریاست جمهوری برسد.

۷. زندگی پزشکیان را اگر نگاه کنی اثری نمی‌بینی از کسی که از ابتدای زندگی خود تصمیم گرفته باشد فلان مسیر را برود و به این هدف خود برسد. او پس از گذران تحصیلات ابتدایی در مهاباد به ارومیه رفت و در هنرستان کشاورزی ارومیه، دیپلم صنایع غذایی گرفت و پس از گرفتن دیپلم، در سال ۱۳۵۲ برای انجام خدمت سربازی به زابل در استان سیستان و بلوچستان منتقل شد.

۸. این را گفتیم برای کسانی که فکر می کنند باید دست کم در نوجوانی یا حداکثر جوانی دیگر بدانند که آینده‌شان چیست. نه! رئیس جمهور مملکت تا سن ۲۱ سالگی (یعنی تقریبا یک چهارم عمر فعلی‌اش) نمی‌دانسته مسیری که باید بپیماید چیست و تازه سال ۱۳۵۴ پس از اتمام خدمت سربازی، دیپلم دوم خود را در رشته علوم تجربی گرفته و در سال ۱۳۵۵ در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز پذیرفته شده است.

۹. حالا می‌رسیم به دوره‌ای که پزشکیان در آن درس خوانده است. او چند بار تا به حال تذکر داده که از این پزشکیان سهمیه‌ای نیست و خوب درس خوانده است.
او دوره پزشکی عمومی خود را در سال ۱۳۶۴ به پایان می‌رساند. ممکن است بگویید که در میانه این دوره، انقلاب فرهنگی را داریم که حرف شما کاملا درست است.
پزشکیان در گفت‌وگویی با صدا و سیما در سال ۱۳۹۳ خود را از بانیان پاکسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و آغاز انقلاب فرهنگی دانست و البته گفته آن‌ها «در جریانات پاک سازی و بازسازی» یک نفر را هم اخراج نکرده‌اند و با «حرف زدن و توجیه» حجاب را قبولاندند و اجرا کردند. او هم‌چنین گفته که بلافاصله بعد از انقلاب و حتی قبل از الزام حجاب، مقررات پوشش را برای ورود به دانشگاه علوم‌پزشکی تعیین کرده و زنان را مجبور کرده که صرفاً با پوشش روسری، مانتوی بلند و شلوار در دانشگاه حاضر شوند.
وقتی این‌ها را می‌شنویم و جمع می‌زنیم با تسلطی که پزشکیان روی قرآن و نیز نهج‌البلاغه دارد باید بدانیم که با یک فرد مذهبی روبرو هستیم. شاید مروری بر نام سه فرزند در قید حیات پزشکیان هم بتواند نشانه‌ای بر این موضوع باشد. دختری به نام «زهرا» و پسرانی با نام‌های «یوسف» و «مهدی».

۱۰. خب نام فرزندان آمد و همین جا نگاهی هم کنیم به زندگی شخصی پزشکیان که به بخشی از برند شخصی او تبدیل شده است.
آقای رئیس‌جمهور در دوران دانشجویی عضو انجمن اسلامی دانشجویان بود و با همسرش فاطمه مجیدی که پزشک متخصص زنان بود آشنا شد و هنگام وقوع انقلاب فرهنگی از او خواستگاری کرد. اما حدود پانزده سال بعد همسر و یکی از فرزندان خود را بر اثر سانحه رانندگی از دست داد و پس از آن هرگز ازدواج نکرد. قابی از او که در اجلاس خانواده، هم‌چنان در فراق همسر مرحومش گریه می کند یکی از قاب‌های به یادماندنی سال ۱۴۰۳ بود.

۱۱. برگردیم به همان روال سابق. تا سال ۱۳۶۴، مملکت درگیر یک مساله دیگر هم هست: جنگ. او در دوران جنگ ایران و عراق، مسئول اعزام اکیپ‌های پزشکی به جبهه‌ها بود و هم‌زمان به‌عنوانِ رزمنده و پزشک فعالیت می کرد.
البته درس را هم رها نکرده بود و با سمت مربی فیزیولوژی شروع به تدریس در دانشکده پزشکی کرد. پس از جنگ در سال ۱۳۶۹ تخصص خود در رشته جراحی عمومی را از دانشگاه علوم پزشکی تبریز گرفت و سه سال بعد هم مدرک فوق‌تخصص جراحی قلب را از دانشگاه علوم پزشکی ایران دریافت کرد.

۱۲. البته دوره‌هایی که پزشکیان در حوزه پزشکی و نیز مدیریت پزشکی که بعدا در آن فعالیت می کند به این‌ها ختم نمی‌شود و او در کشورها و دانشگاه‌های مختلفی، از تایلند گرفته تا انگلستان و دانشگاه هاروارد آمریکا دوره‌های مدیریت سلامت را گذرانده است.

۱۳. اما بین سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۹ که در آن ابتدا، حکمی از این دوره را نقل کردیم چه گذشته است؟ پزشکیان در بیمارستان قلب شهید مدنی تبریز استخدام شد، یک سال بعد استاد جراحی قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی تبریز شد و تا سال ۱۳۷۹ ریاست این دانشگاه بر عهده داشت.

۱۴. در همین دوره او به عنوان رئیس دانشگاه علوم پزشکی که در واقع متصدی بهداشت و سلامت در آن منطقه بود یک پروژه بزرگ اجرا کرد که چندین بار هم به آن اشاره کرده و آن هم ساخت ۶۰۰ خانه بهداشت روستایی در آذربایجان شرقی، عمدتا با استفاده از منابع مردمی بود.

۱۵. حالا بیایید درباره سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۴۰۳ صحبت کنیم. یعنی حدود ۲۳ سال که پزشکیان در آن از معاونت بهداشت وزیر به ریاست جمهوری رسید.

۱۶. او فقط یک سال معاون سلامت بود. آیا توبیخ شد یا برکنار شد؟ خیر. ارتقا گرفت. پزشکیان در کابینه دوم سیدمحمد خاتمی به‌عنوان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مجلس رأی اعتماد گرفت. در این دوره یک بار هم استیضاح شد که البته رأی نیاورد و با کسب اعتماد مجدد مجلس وزیر ماند.

۱۷. با آغازِ دولتِ احمدی‌نژاد، پزشکیان دو سال از سیاست دوری کرد و در گام پایانی خود قبل از رسیدن به ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۶ موفق شد در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده آذربایجان شرقی برای اولین بار راهی مجلس شود. او از آن زمان تاکنون به صورت پیوسته نماینده تبریز در مجلس بوده است و در این میان بالا و پایین‌های زیادی داشته است.
مثلا مجلس هشتم نسبتا اصولگرا و مجلس نهم سوپراصولگرا را به خود دیده و بعد از آن هم مجلس دهم را به خود دیده که از اصلاح‌طلبان بودند و حتی پزشکیان را به سمت نایب رئیسی اول مجلس رساندند و پس از آن اقبال اصلاح‌طلبان فروکش کرد و کار به جایی رسید که پزشکیان تقریبا تنها نماینده واقعا اصلاح‌طلب در مجلس بود هر چند که خودش از این لقب بدش می‌آید و می گوید من فرد حزبی نیستم.
قاب خاطره‌انگیز این مجالس اما نطق‌های پراستناد او به نهج‌البلاغه در فضاهای حساس است؛ از اعتراضات ۸۸ گرفته تا ماجراهای پس از مرگ خانم مهسا امینی و همین نطق‌ها بود که در کنار شخصیتی که پزشکیان از خود نشان داد؛ در تیر ۱۴۰۳ او را به ریاست جمهوری رساند.

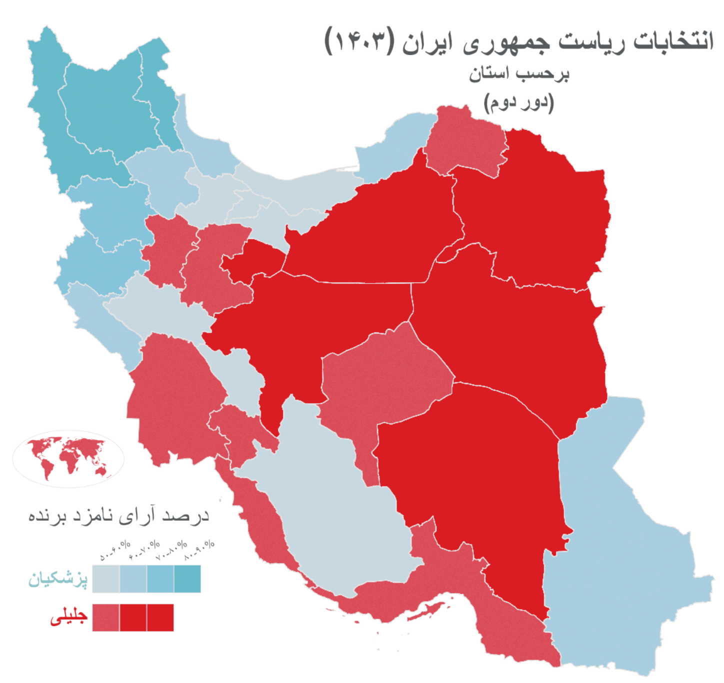

بهرام افشاری؛ موفقیت عجیب در نخستین تجربه

بازیگری با یک متر و ۹۸ سانتی‌متر که او را بیش از هر چیز دیگر، با سریال پایتخت شناختیم. او امسال در سی و هفت سالگی و پس از حدود ۱۳ سال که آغاز کارش در رسانه‌های تصویری (تلویزیون) گذشت توانست در نخستین تجربه کارگردانی فیلم بلند خود، پرفروش‌ترین فیلم سال را بسازد. فیلمی با عنوان «هفتاد سی» که تا همین دیروز که آمارها را از «سامانه مدیریت فروش و اکران سینما» استخراج کردیم؛ ۵ میلیون و ۷۱۸ هزار و ۷۳۸ بلیت فروخته بود در ۷۶۸ سالن سینما با ۹۲ هزار و ۶۳۴ سانس. اکران این فیلم از ۷ آذر امسال آغاز شده بود و میزان کل فروش ۳۳۵ میلیارد و ۴۷۷ میلیون تومان بود. افشاری البته امسال فیلم سینمایی «سال گربه» را نیز روی پرده داشت. فیلمی که کارگردان آن مصطفی تقی‌زاده بود و ۶۴ میلیارد تومان فروخت. افشاری البته ظاهرا یکی از برگ برنده‌های اکران شده است چرا که پیش از این یعنی در سال ۱۳۹۹ هم در فیلم سینمایی «فسیل» به کارگردانی کریم امینی بازی کرده بود. فیلمی که توانست با جذب بیش از ۷ میلیون و ۴۸۷ هزار مخاطب، پربیننده‌ترین فیلم سینمای ایران در سال اول اکران باشد. نکته جالب توجه دیگر این است که هم فیلم سینمایی سال گربه و هم فسیل، تهیه‌کننده مشترکی داشت: سید ابراهیم عامریان؛ تهیه‌کننده ۴۳ ساله‌ای که کار خود را در سینما با فیلم سینمایی «تگزاس» در سال ۱۳۹۶ شروع کرد و حالا یکی از معروف‌ترین بفروش‌سازهای سینمای ایران است.

پارسا پیروزفر؛ بازگشت در ۵۲ سالگی

مدت زیادی بود که از پارسا پیروزفر خبر زیادی نبود. هر از گاهی عکسی از او منتشر می‌شد و فضای مجازی پر می‌شد از غش و ضعف‌های فراوان به خصوص از جانب جماعت نسوان. با این حال سال ۱۴۰۳ برای پیروزفر سال پرکار و پرحاشیه‌ای بود. حاشیه مهم پیروزفر در امسال، ادعاهایی بود که خانم بهاره مصدقیان در مورد زندگی مشترک با پارسا پیروزفر داشت. مصدقیان در واقع برای شکایت از پیروزفر و انتقاد از رفتاری که با او شده و شاید در ادامه موج جنبش «می‌تو» این ادعاها را در اینستاگرام خود منتشر کرد ولی به نظر می‌رسد چون ادعایی مبنی بر آزار جنسی یا تجاوز صورت نگرفته بود و بیشتر شکایت از یک ماجرای عاشقانه بود؛ چندان بازتابی پیدا نکرد. اما در متن فعالیت کاری پارسا پیروزفر، بعد از حضور او در پروژه یاغی در سال ۱۴۰۱، شاهد دو نقش‌آفرینی خبرساز از پیروزفر در سال جاری بودیم. یکی فیلم سینمایی «مست عشق» که داستان مولوی و شمس و یک محصول مشترک بین سینمای ایران و ترکیه بود و پیروزفر در آن نقش مولوی را بازی می کرد و دیگری سریال «در انتهای شب» به کارگردانی «آیدا پناهنده» که در واقع اقتباسی ایرانی از سریال "داستان ازدواج" بود که اخیرا از آن سوی مرزها دیده بودیم ولی آنچنان داستان و کارگردانی و بازیگری آن خوب بود که به یک اثر هنری اصیل تبدیل شده بود. پیروزفر برای بازی در این مجموعه برنده جایزه بهترین بازیگر مرد درام در جشن حافظ شد.

رامین رضاییان؛ داستان پسری که واقعا سر به راه شده است

وقتی در تابستان امسال رامین رضاییان به استقلال آمد؛ بسیاری گفتند که این یاغی گری، یعنی بازی یک بازیکن که در پرسپولیس بازی کرده و حالا به تیم رقیب آمده، باعث حاشیه‌های زیادی برای رضاییان خواهد شد مخصوصا با توجه به اینکه خود او نیز حواشی مختلفی را ساخته یا در کانون آن قرار داشته است.
با این حال عملکرد رضاییان در این فصل نشان داد که یا او به سر عقل آمده یا مربیان و اطرافیانی که دارد توانسته‌اند از حاشیه‌های رضاییان کم کنند.
او تا به حال در ۱۹ بازی لیگ برتر برای استقلال به میدان رفته و تاکنون ۶ گل به ثمر رسانده است. او همچنین در بازی‌های آسیایی هم ۱۰ بازی داشته و ۲ گل به ثمر رسانده و به این ترتیب آن طور که در برخی از صفحات هواداری استقلال آمده در این فصل، ۲۹ بازی داشته و ۲ هزار و ۴۶۸ دقیقه حضور در زمین داشته و با هشت گل و ۴ پاس گل موثرترین بازیکن استقلال به شمار می‌رود.
البته نباید از حق بگذریم که عملکرد رضاییان در دو فصل قبل از آن در باشگاه سپاهان هم خوب بود و او توانسته بود ۵۶ بازی برای این تیم انجام دهد و ۱۵ بار دروازه حریف را باز کند؛ عملکردی که سه فصل قبل از آن نه در پرسپولیس، نه در السیلیه و نه در الدحیل از رضاییان ندیده بودیم.

ناهید کیانی؛ درخششی که به اوج نرسید

ناهید را تقریبا ۵ سال است می‌شناسیم. او البته ۲۶ ساله است و از هشت سالگی هم تکواندو را همراه با خواهرش آغاز کرده و نخستین خبرهایی هم که از او داشتیم برای اردوهای تیم ملی نوجوانان در حوالی سال ۱۳۹۲ بوده ولی تا المپیک ۲۰۲۰ تصویر پررنگی از او در رسانه‌ها را ندیده بودیم.
او توانست با پیروزی مقابل نماینده اردن، موفق به کسب نشان طلا و سهمیه المپیک ۲۰۲۰ توکیو شود ولی در دیداری پرحاشیه نتیجه بازی را به حریف خود کیمیا علیزاده المپین سابق ایران که در آن المپیک از تیم پناهندگان بازی می‌کرد واگذار کرد و از دور رقابت‌ها حذف شد و به نوعی هم نان را خورد و هم پیاز چون هم بخشی از اپوزیسیون ایران که چشم به عرصه‌های ورزشی داشتند از باخت او ابراز خوشحالی کردند و هم مسئولین ایرانی از دست او ناراحت شدند که چرا این بازی را باخته است.
با این حال کیانی از پا ننشست و در مسابقات جهانی ۲۰۲۳، نخستین نشان طلای مسابقات جهانی در تاریخ تکواندوی زنان ایران را کسب کرد و موفق به کسب سهمیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس هم شد و در نخستین بازی خود در این رقابت‌ها، علی‌رغم شکست در ست اول بازی با نتیجه ۱۰-۷ در برابر کیمیا علیزاده، در دو ست بعدی با نتایج ۶-۵ و ۷-۷ پیروز شد و به مرحله بعدی راه یافت اما در بازی نهایی از حریف کره‌ای خود کیم یو جین شکست خورد و به کسب مدال نقره بسنده کرد.

شایع؛ رپ به سلیقه مردم

سال گذشته محمدرضا شایع که یک رپر یعنی خواننده موسیقی رپ است؛ یک آلبوم منتشر کرد به نام «آماده‌باش». او که متولد ۱۳۷۲ است؛ از ۱۴ سالگی یعنی سال ۱۳۸۶ شروع به انتشار آهنگ‌های خود کرده است ولی همین پارسال بود که او را در سطح بسیار عمومی شناختیم.
شایع چند ویژگی دارد که او را به رپری تبدیل کرده که خیلی نزدیک به سلیقه عمومی مردم است. نخست اینکه زبان خیلی ساده‌ای دارد و خیلی هم آن را شمرده شمرده می‌خواند و به این ترتیب جزو رپرهایی است که تو می‌توانی به سادگی بفهمی او چه می‌گوید. از سوی دیگر او رپری است که به موضوعات اجتماعی می‌پردازد ولی تم اصلی موسیقی او عشق و دوست داشتن است یعنی چیزی که پیش از این در موسیقی پاپ توقع داشتیم. او هم‌چنین یکی از رپرهایی است که حاشیه سیاسی پررنگی ندارد و در زمینه اخلاقی هم با وجود اینکه سن زیادی ندارد ولی ظاهرا ازدواج کرده است. به این ترتیب گوش کردن به موسیقی شایع، تو را وارد تنش‌های معمول سایر رپرها نمی‌کند. بقیه رپرها از هر دو موسیقی یکی را به اصطلاح به «دیس» کردن دیگران اختصاص می‌دهند ولی شایع این طور نیست. البته شایع امسال یک حاشیه پررنگ داشت و آن هم قهر کردن با همکار اصلی و قدیمی‌اش مهیار بود ولی در نهایت بعد از حضور او در برنامه علی ضیا و روایت این قهر، او و مهیار در برنامه دیگری که ضیا در شب عید برگزار کرد با هم آشتی کردند.

همستر؛ وقتی همه سرکار بودیم

اواخر اردیبهشت امسال ناگهان تب یک بازی تلگرامی به میان مردم آمد. آدم‌ها باید روی صفحه موبایل خود کلیک می کردند و به آن‌ها وعده داده شده بود که کمی بعد به آن‌ها یک ارز مجازی داده خواهد شد.
خب در آن زمان بسیاری بودند که دچار این حسرت بودند که زمانی که باید و شاید، به فکر ارز مجازی نبودند و از قافله بیت‌کوینی‌ها دور ماندند. از سوی دیگر خب قیمت دلار بالا رفته بود و ارزش بیت کوین و دیگر رمزارزها وقتی ضرب می‌شد در این دلارهای گران‌قیمت خب خیلی‌ها را می‌برد به رویایی که من هم یک شبه توانستام پولدار شوم.
با این حال بعد از آنکه مردم زیادی وارد بازی همستر شدند و حتی برای اینکه بتوانند ضربات بیشتری روی صفحه موبایل خود بزنند ربات‌هایی هم ساختند؛ در نهایت همستر به اصطلاح رمزارزی‌ها لیست شد یا به عبارت دیگر در صرافی‌ها قابل خرید و فروش شد اما قیمت بسیار کمی داشت و در عین حال بسیاری از ضربه‌هایی که روی موبایل زده شده بود را به دلایل مختلف مثل اینکه از ربات استفاده شده یا عملکرد مشکوکی است قبول نکرد و در نهایت پول کلانی، آن طور که تصور می‌شد به اهالی همستر نرسید و حرف بزرگ‌ترهای شکاک و بدبینی درست درآمد که می گفتند: «آدمیزاد باید برود کار کند! مگر می‌شود همینجوری بنشینی خانه و بکوبی روی موبایلت و پولدار شوی؟»

فاطمه مهاجرانی؛ نخستین سخنگوی زن

ابتدای سال ۱۴۰۳، علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت بود ولی بعد از اتفاقی که برای هلیکوپتر حامل سید ابراهیم رئیسی رخ داد و روی کار آمدن دولت جدید، فرصت به فاطمه مهاجرانی متولد سال ۱۳۴۹ و ۵۴ ساله رسید که نخستین سخنگوی زن دولت در تاریخ ایران باشد. پیش از این خانم مهاجرانی بیشتر در حوزه آموزش فعال بود و دو سمت عالی او در این حوزه ریاست مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان به مدت سه ماه و معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مشارکت‌های سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور بود. او که یک اراکی است در رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه شهید باهنر کرمان، فوق لیسانس گرفته و پس از آن به خارج از کشور (اسکاتلند) رفته و فوق لیسانس در رشته استراتژی و دکترا در رشته مدیریت کسب‌وکار را در دانشگاه هریوت-وات اسکاتلند کسب کرده است. خانم مهاجرانی کی به یک شخصیت سیاسی تبدیل شد؟ وقتی در کمپین انتخاباتی مسعود پزشکیان نام مهرشاد شهیدی را آورد. او یکی از افرادی است که در دوران اعتراضات ۱۴۰۱ از دنیا رفت ولی رسانه‌های رسمی گفتند که مرگ او ارتباطی با اعتراضات ندارد. به هر حال خانم مهاجرانی در ۱۳ تیر ۱۴۰۳، در تجمع انتخاباتی مسعود پزشکیان در اراک بیان کرد: «من به عنوان یک مادر اجازه نخواهم داد دیگری بر خاک بیفتد.» پس از آن البته امیر شهیدی، پدر مهرشاد شهیدی در شبکه اجتماعی ایکس، این گفته‌های مهاجرانی را «سوءاستفاده از نام» پسرش و «بی‌اخلاقی سیاسی» نامید.

عباس عراقچی؛ رستوران گردی در میان آتش و خون

سید عباس عراقچی، اوایل امسال دبیر شورای راهبردی روابط خارجی بود و لابد فکر می کرد دیگر در همین سمت تقریبا تشریفاتی و غیراجرایی بازنشست خواهد شد. در حوالی ۶۲ سالگی، او به این فکر می کرد که چطور حضور هشت ساله در دولت حسن روحانی، برند او را به محمدجواد ظریف و نیز به برجام گره زد و حتی شاید باعث دردسرهایی برای اقوام او شد که در بانک مرکزی مشغول به فعالیت شدند. به شوخی می توان گفت که او البته یک سرمایه از آن دولت به دست آورده بود و آن هم محبوبیت نزد طرفداران پرسپولیس بود یعنی تیمی که عراقچی آشکارا از آن‌ها حمایت کرده بود. با این حال ورق برگشت و بعد از ماجرای هلیکوپتر و انتخابات ریاست جمهوری مجددی که برگزار شد عراقچی به عنوان کاندیدای وزارت خارجه به مجلس معرفی شد و اتفاقا از مجلس اصولگرایی که با برجام میانه خوبی هم نداشتند رای خوبی آورد. با این حال از همان روزهای اول، عراقچی درگیر بحران‌های دیپلماتیک عمیقی شده بود. در شب تنفیذ رئیس جمهور اسماعیل هنیه در تهران ترور شده بود و جنگ از غزه داشت به لبنان سرایت می‌کرد و بعد از مدتی موجی از ترور فرماندهان مقاومت را شاهد بودیم و کمی بعد دولت بشار اسد در سوریه نیز فرو پاشید. عراقچی را در همه این بحران‌ها با سفرهای متعددش به کشورهای منطقه مخصوصا سفری به بیروت در میان بمباران و البته حضورش در رستوران‌های کشورهای عربی به عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی او به یاد داریم.

سوهانی و ملایمی؛ اسکار زیر سایه یک سخنرانی

آخرین روزهای زمستان بود که ما به طور رسمی برای سومین بار توانستیم ایران را به عنوان برنده اسکار روی آن صحنه مجلل در لس‌آنجلس ببینیم. این بار خانم شیرین یا فاطمه سوهانی که متولد سال ۱۳۶۵ بود به همراه حسین ملایمی که متولد ۱۳۶۱ بود برای «در سایه سرو» به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان موفق به کسب جایزه اسکار شدند. آن‌ها که زندگی مشترکی با هم دارند ظاهرا در دانشگاه هنر تهران به یکدیگر رسیدند. چون ملایمی دانش‌آموخته رشته نقاشی هنرستان هنرهای زیبای پسران کرج در سال (۱۳۷۹)، کارشناسی گرافیک از دانشگاه سوره در سال (۱۳۸۵) و کارشناسی ارشد انیمیشن دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران (۱۳۸۹) است و سوهانی، دانش‌آموخته کارشناس صنایع دستی از دانشگاه هنر تهران در سال (۱۳۸۹) و کارشناسی ارشد انیمیشن از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران (۱۳۹۲). ملایمی در سال ۱۳۹۳ استودیو برفک را بنیان‌گذاری کرد و از آن پس این دو محصولات مشترکی با هم داشتند که نقطه اوج آن همین انیمیشن در سایه سرو بود. نکته جالب اما سخنرانی سوهانی و ملایمی در هنگام دریافت جایزه اسکار بود. سخنرانی را سوهانی آغاز کرده بود ولی به دلیل دیر رسیدن به محل برگزاری مراسم به خاطر مشکلات ویزا و البته هیجان‌زدگی کمی هول بود و نمی‌توانست کلمات را به خوبی ادا کند و برای همین ملایمی تلاش کرد به او کمک کند که البته این حرکت از دید برخی یک زن‌ستیزی و کنار زدن یک زن از یک صحنه مهم در زندگی تفسیر شد.

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

می‌خوام اسب مراد رو زین کنم پشتش سوار شم (یه نفر هم جا دارم!)

پارک پرستار، شوفری گرگانی‌ها، شهر لوازم خانگی، وزیر خارجه، CFT پالرمو و ترامپ!

۰۹۱۲۲۵۴…: رفتیم شهر لوازم خانگی، تا یک یخچال بخریم، نداشت! فقط یخچال فریبرز داشت.
تلویزیون هم فراوان اما فقط از یک برند. چیزهای دیگر نیز به همین ترتیب.
هفت‌صبح: این فریبرز رو دستکم نگیر داش. من یه بار دستکم گرفتم، دست زیاد شد!

۰۹۱۲۵۰۴…: در طول سال اگر راننده‌ای می‌خواد در رانندگی دغدغه نداشته باشه، تشریف بیاره گرگان. می‌دونی چرا!!!!؟ چون تو این شهر پارک دوبل و سوبل آزاده. چون در ۲۰متری چهارراه هم می‌شه ماشین‌رو خاموش کرد و رفت. در صورتی که ترافیک باشه، به راحتی آب خوردن می‌تونی به مسیر مقابل تجاوز کنی و خلاف بری و پلیس و راهنمایی و رانندگی هم یا نیست، یا اون دوردست‌ها نظاره‌گره. بهترین گزینه برای سفر نوروزی، شهر نمونه گردشگری از لحاظ ترافیک یعنی گرگان هستش.(با تشکر، احسان -گرگان)
هفت‌صبح: اگه بزرگواری کنی و یه «سئله» هم واسه کفاتر من رزرو کنی، من و براهم و لراهم و خراهم و چراهم (ایشون باجناق جدید لراهم است و اخیرا خیلی باهم صفا می‌کنن!) می‌آیم عیدرو گرگان. دیگه ارزن و بلغور و ماءالشعیرت هم که به راهه. افتادیم ما!

۰۹۱۲۷۱۰…: از شهردار تهران دکتر ذاکانی تقاضامندیم از وضعیت اسفناک پارک پرستار واقع در تهران، خیابان پیروزی، ابتدای خیابان پرستار شمالی، شهرداری منطقه ۱۴ تهران بازدید کنند.(علی زمانی فراهانی. بازنشسته دولت)
هفت‌صبح: حالا تو این گیر و گرفت‌های شب عید، باشن سَلونه‌سَلونه بیان پارک پرستار؟ پرستارم کجا بود داش؟! به قول شاعرگفتنی؛ «الهی تب و لرز کنم پرستارم تو باشی، طبیب حاذق این طاحال بیمارم تو باشی» شاعر در ادامه می‌فرماید «می‌خوام اسب مراد رو زین کنم پشتش سوار شم / بتازم سوی شهرت، پشت خونت موندگار شم!» (دیگه نمی‌دونم شاعر در شهرت چه دیده که اینجوری هراسونه!)

۰۹۱۲۲۵۴…: خوشخوی عزیز، نمره‌ات ۲۰ است ولی بهتر است به خودت ۲۰ ندهی همیشه... چپ و راست ایستادن را هم از وزیر خارجه بهتر می‌دانی؟!
هفت‌صبح: اوخ اوخ، وزیر خارجه کیه بابا! اون پیش کمال بردبار، لنگ می‌اندازه! خودش هم ۲۰ نده من ۲۱ می‌دمش حداقل!

۰۹۳۶۶۲۹…: حالا که دولت «وفاق ملی» شکل گرفته پیشنهاد می کنم دولت از ظرفیت گروه‌های سیاسی منتقد هم در هیات وزیران استفاده کند. مثلا دکتر جلیلی که سال‌هاست برنامه اقتصادی دارند به دولت کمک کند و وزارت اقتصاد را برعهده بگیرد! یا فردی از نزدیکانش را برای وزارت اقتصاد معرفی کند تا مشکلات اقتصادی کشور در [اسرع وقت] برطرف شود و عیدمان مبارک شود! (مجتبی گروسی هنوز از مشهد)
هفت‌صبح: مگه دکتر جلیلی وزارت اقتصاد رو نمی‌چرخونه مجی‌جون؟ منو بگو فکر کردم همیشه افسار همه وزارتخونه‌ها دست ایشونه! (بد فکر کردم؟)

۰۹۲۲۰۴۲…: از اعضای مجمع مصلحت سوال کنید چرا تکلیف CFT پالرمو را روشن نمی‌کنند؟
آیا مجمع تشخیص با تصویب CFT پالرمو چراغ سبز نشان می‌دهد برای مراوده مالی بانکی با ۱۵ کشور همسایه اعضای بریکس اوراسیا که کمک به فشار حداکثری ترامپ نکنند یا چراغ قرمز نشان می‌دهند که بر فشار ترامپ می‌افزایند؟
هفت‌صبح: من نه که تخصصم، حوزه مافیای سیسیل است تو کار پالرمو نیستم داش. بذار ببینم کفتربازای کوچه دلگشا چی می‌گن!
(شیطونه می‌گه عین زلنسکی برم جلسه مشترک با ترامپ، بعد باهم دعوامون بشه، بعد یه زغال سینه‌کفتری بذارم رو گاز و بگم «بابا چرا اعصاب تو خرد می کنی بیا یه دود بگیر ببینیم دنیا دست کیه»؟! اونم بگه «دود رو بیرون نده داش»!

۰۹۱۲۷۱۰…: اطلاعیه از صداوسیما، مطبوعات؛ تقاضامندم حقایق قبض‌روح شدن ناجوانمردانه اینجانب از سال ۹۵ تا حالا به خاطر داشتن ژن قبض‌روح کاترینازیوالاه -خدای سیاره نپیتون- همراه با دزدی، سرقت و خسارت مادی معنوی، حقایق ۲۴۳ شبه‌علم لدونی، ندادن مطالبات قانونی از سال ۹۱ تا حالا از سازمان امور مالیاتی تهران را افشاگری، بازگو و بنویسید. (تشکر از شماها. علی زمانی فراهانی. تهران)
هفت‌صبح: هم افشاگری، هم بازگو، هم بنویسیم؟ من دست‌تنها، سه کار همزمان رو چه جوری انجام بدم داش؟ رحمی گفتن. مروتی گفتن. انسانیتی گفتن.

۰۹۳۳۸۶۷…: وقتی روسیه به اوکراین حمله کرد عده‌ای گفتند برای اولین بار ایران در جای درست تاریخی‌اش قرار گرفته و حمایتش از روسیه به صورت عقلانی درسته.
الآن که روسیه ایران را در باتلاق تحریم‌های جنگ اوکراین گرفتار کرده و به خاطر روس‌ها کشور ایران تحریم بین‌المللی شد روسیه خودش را از باتلاق جنگ اوکراین با تعامل و گفتگو و مذاکره با آمریکای ترامپ بیرون کشید و ایران را در باتلاق تحریم رها کرد.
اکنون پس منافع ملی ما کجاست؟ آیا روسیه پوتین حاضر است به عنوان یک میانجی، قبل از سفرش به عربستان بیاد ایران و شرایط و قواعد و چارچوب‌های ایران را برای مذاکره به ترامپ بقبولاند تا برای پایان دادن به تحریم‌های ضدکشورمان با ایران مذاکره کند؟ وقتی بایدن و دموکرات‌ها می‌آیند سرکار، ما غلت می‌زنیم سمت روسیه، از آن سو چین هم روابطش با آمریکا خوب می‌شه و .... وقتی ترامپ و جمهوری‌خواهان می‌آیند سرکار، از آن سو روس‌ها می‌زنیم سمت چین، از آن سو روس‌ها روابط‌شان با آمریکا خوب می‌شود و .... خلاصه ما شدیم توپ فوتبالی بین روس‌ها و چینی‌ها برای منافع‌شان. نه شرقی نه غربی.
هفت‌صبح: توپ فوتبال اگه سه‌لایه است پاره نمی‌شه! من خودم فوق‌تخصص توپ‌های دولایه‌ام. یکی رو پیدا کنید یه لایه دیگه اضاف کنه!

چقدر کم پیدایی، مهره مار شدی!

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیت‌های کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسین‌تان می‌کنند.

- امروز فهمیدم اگه یه چیزی‌رو واقعا می‌خوام باید واسه‌ش یه کاری کنم؛ نمی‌دونم چیکار، فقط می‌دونم هیچ کاری نکردن یعنی نخواستن.
- آدم اولش حوصله همه‌رو داره، بعدش فقط حوصله آشناهاشو داره، بعد فقط حوصله دوستاشو، بعدتر دوستای صمیمیش، بعدتر حوصله اوناروهم نداره، آخرش که می‌رسه، دیگه حوصله خودشم نداره.
- تقاضای جدی من از مردم اینه صبح‌ها تو وسایل حمل و نقل عمومی از دهن نفس نکشن.
- دیشب خواب دیدم دانشجوئم و انتخاب واحد دارم، حتی تو خواب هم با مسئول آموزش دعوام شد.
- رستوران گیاهخوارا اگه آتیش بگیره نه سیخ می‌سوزه نه کباب.
- اما عزیز من، وقتی کسی در حال غرق شدن است، آن موقعیت، زمان مناسبی برای یاد دادن شنا به او نیست.
- به بابام میگم من مردم برای من ختم نگیرید پولشو بدید بدبخت بیچاره‌ها. میگه تو بمیر حالا ما یه کاریش می‌کنیم.
- از آدم‌های شهر بیزارم چون به یکی‌شون اجاره میدم.
- خدایا هرکی حالش خوب نیست یه شادی یهویی هل بده تو زندگیش.
- آقا میگم یه بار همه چیو خاموش روشن کنید شاید درست شد.
- می‌خواستم پاشم وان حمومرو پر کنم یک ساعتی ریلکس کنم توش یادم اومد ما اصن وان نداریم.
- این خونواده‌های پولدارو دیدین همه‌شون تو فیلما دعوا می‌کنن؟ ما عین همونیم، فقط پول نداریم.
- تقریبا ۳ ساله دارم عکس before می‌گیرم تا وقتی هیکلم به مرحله after رسید، عکس قبلمو داشته باشم.
- خدارو شکر نوزاد نیستم وگرنه با این قیمت پوشک بابام منو می‌ذاشت بهزیستی.
- واقعاً دوست دارم بدونم زندگی کردن تو جایی که ثبات اقتصادی هست چه شکلیه؟ یعنی مثلا چه حسی داره که یک سال کار کنی پول جمع کنی و در نهایت بتونی یک چیزی به زندگیت اضافه کنی.
- بی‌خیال‌ترین موجود زنده جهان درخت کاجه نه فصل براش مهمه، نه میوه میده، نه حرف می‌زنه، کلا می‌شینه یه گوشه سبز می‌مونه تا وقتی که دنیا تموم بشه.
- یکی تو مغزم داد می‌زنه «تحمل کن تحمل کن روزای خوب نزدیکن» ولی من خیلی خسته‌ام.
- سخت‌ترین کار جهان، حموم رفتنه. ماشین آدم‌شویی، بزرگ‌ترین اختراع نشده تاریخه.
- استایل از قیافه مهمتره، ادکلن از جفتش، لول از سه تاش، ذات از چهارتاش.
- پشت اکثر عکس‌ها از میز غذا، یک نفری روبرو نشسته که مثل چی گشنه است و منتظره.
- امسال هم زن نگیرم باید به هوش مصنوعی بگم عکس عروسی منو تولید کنه بفرستم واسه مامان‌بزرگم.
- من کربن نیستم که تحت فشار الماس شم، من حساسم یهو می‌شینم تا ۶ صبح گریه می‌کنم.
- اگه بی‌شعوری درد داشت بازهم یه عده‌ای مسکن می‌خوردن به کارشون ادامه می‌دادن.
- یه هم اتاقی توی خوابگاه داشتیم کلا کاربرد ضرب‌المثل براش نامفهوم بود. مثلا می گفت: چقدر کم پیدایی مهره مار شدی.
- شما کمبود «خسته نباشید» رو تو زبان‌های خارجی احساس نمی‌کنید؟ من روزانه باهاش درگیرم.
- من به اونایی که مسافرت میرن آمریکا بیشتر حسودیم میشه تا اونایی که اونجا زندگی می‌کنن.
- من هنوز نفهمیدم چطوری همه آدما انقدر چیزای قشنگ تنشونه ولی مغازه‌ها انقدر چیزای زشت دارن؟
- هر وقت من و مامانم بحث‌مون می‌شه بخیه‌های سزارینش یهو درد می‌گیره، من ۲۲ سالمه.
- مهارت مامانم در احساس گناه دادن واقعا قابل تحسینه.
- من واقعا بدترین شخص واسه غیبت کردنم. حافظم ضعیفه اصلا یادم نیس کی چیکار کرد، کی با کی داستان بود، کی دوسته کی دشمن.
- مکانیک‌های خارجی وقتی افسرده می‌شن دست و دل‌شون به هیچ car ی نمی‌ره.
- من گربه گرفتم حال روحیم بهتر شه، امروز گریه کردم اومد کتکم زد.
- قبل از اومدن ایموجی‌ها، چطوری به مخاطب پایان مسیج‌هارو اعلام می‌کردیم؟ خدا پدر ایموجی‌رو بیامرزه.
- موو آن خیلی کانسپت عجیبیه. یه روز از خواب بیدار میشی و می‌بینی موو آن کردی! اون صبحو واسه همه‌تون آرزو می‌کنم جدی.
- وضع مالیم جوریه که حتی به پی‌سی هم نمی‌خورم خوردم به اتاری.
- یه اضطراب عجیبی دارم، چه‌جوری بگم، انگار اونی که موقع رانندگی بهش فحش دادم جلوتر تو ترافیک رسیده بهم.
- مامان من اگه بخواد بره تراپی قبلش چند سال رو خودش کار می‌کنه روانش سالم بشه که جلوی تراپیست یه وقت مشکل‌دار به نظر نرسه زشت باشه.
- خیلی دوست دارم از «مصادره به مطلوب نکن» استفاده کنم اما موقعیتش پیش نمیاد.
- شاید باورتون نشه ولی الان به ۲۰۳۰ نزدیکتریم تا ۲۰۱۹.
- می‌دونید واقعاً چرا حموم هر کاری دلش بخواد می‌کنه؟ چون دوش داره.
- من از سرکار رفتن بدم نمیاد، از سرکار رفتن و به جایی نرسیدن بدم میاد، از مقدار حقوقم بدم میاد.
- هیچ وقت امضا گرفتن از سلبریتی‌هارو درک نکردم، خب الان می‌خوای با اون امضا چیکار کنی؟
امضا گرفتن فقط از ایلان ماسک به‌درد می‌خوره اونم به‌شرطی که یه عقدنامه جعل کنی و به محض اینکه امضا کرد، زن رسمیش بشی.
- تاثیرگذارترین شخصیت تاریخ هند بدون شک جناب بادوم هندیه.
- با حرفایی که مادرم بهم زد فهمیدم که قدیمم خوش نمی‌گذشت دوستان. این ما بودیم که نمی‌فهمیدیم چه‌جوری داره میگذره و دهن پدر و مادرمون در حال سرویس شدنه که ما رو بزرگ کنن.
- نمی‌دونم کجا خوندم نوشته بود «اوکی همه چی درست میشه ولی من همین الان به درست شدنش نیاز دارم» دقیقا همین.
- روزی که هوش مصنوعی بتونه دست‌خط دکترا رو بخونه ترسناک می‌شه.
- از اینکه مطلقا هیچ چیز خوبی تو دنیا برای من راحت به‌دست نمیاد خستم.

ویدئوهای پربازدید هفته

ساسان حیدری، آشتی کنان رپرها و خشم نوشاد

این هفته پربازدیدترین ویدئو در فضای مجازی متعلق به آهنگ پرحاشیه و جدید ساسان حیدری معروف به ساسی مانکن بود که بیش از ۵۰ میلیون بار در اینستاگرام دیده شد. حضور آرام جوینده، همسر سپهر حیدری در این موزیک ویدئو هم واکنش‌های زیادی را به همراه داشت.
علی ضیا در یک برنامه متفاوت با دعوت از دو رپر معروف، شایع و مهیار، این دو را بعد از ماه‌ها قهر، آشتی داد. ضیا از شایع پرسید: «با مهیار آشتی کردی؟» شایع گفت: «رفیقمه. حالا الان پنج، شیش ماهه یه ذره ... پنج شیش ساله رفیقیم. با دو سه تا آجر بد که یه ساختمون‌رو نمی‌ریزی بهم.» ضیا گفت: «من می‌گم شاید دلتون تنگ شده برای هم بخواد همرو ببینید.» محمدرضا شایع جواب داد: «برای چی تنگ نشده باشه؟ می‌خوای بگی الان اینجاست؟» بعد هم مهیار آمد و شایع را بغل کرد. صحنه تاثیرگذاری بود.
نادر سلیمانی بازیگر سینما و تلویزیون ویدئویی منتشر کرد و گفت: «دوستان یه سوالی ازتون دارم. چه‌جوریه که توی بلک فرایدی اکثرا تخفیف‌های عجیب و غریب می‌ذاشتن، اما الان همه قیمت‌هارو بردن بالا و تخفیفی هم در کار نیست؟»
سیما تیرانداز در یک مصاحبه در جواب به صحبت‌های مجری که دو بار طلاق او را یک تجربه با «تلاطم» توصیف کرد، خندید و گفت: «خیلی هم با تلاطم به‌خدا نبوده. چرا فکر می‌کنی هرکی جدا می‌شه تلاطم داره؟ جامعه تغییر کرده. الان خیلی طبیعیه. وقتی یکی میگه ۱۰ سال، ۱۲ سال زن و شوهریم می‌گیم باریک‌الله.»
این هفته کنسرت لئو روخاس، نوازنده سرخپوست در تهران بود که علی دایی و عادل فردوسی‌پور از مهمانان ویژه آن بودند. عادل زمان ورود به سالن اجرا همراه با همسرش دیده شد. همسرش در برابر جمعیت و دوربین‌ها سعی کرده بود صورتش را بپوشاند. یک ویدئو هم از زمان اجرا وایرال شد که نشان می‌داد آقای فردوسی‌پور وسط کنسرت هم فوتبال را رها نکرده و با گوشی موبایلش بازی لیگ قهرمانان اروپا را تماشا می‌کند. و در آخر، بامزه‌ترین ویدئوی هفته مربوط به عصبانیت نوشاد عالمیان در مقابل حریف دانمارکی خود بود. او چند بار سعی کرد ضربه حریفش را برگرداند اما تعادلش را از دست داد. با این حال حریف دانمارکی دست از ادامه بازی برنداشت تا امتیاز را بگیرد. عالمیان که از تلاش‌های بی‌نتیجه خود عصبانی شده بود داد زد: «بابا ول کن دیگه. دهن مارو سرویس کردی.»

سوژه هفته

پیش به سوی ۱۴۰۴

به پایان اسفند و شروع فصل بهار نزدیک می‌شویم و ایکس بیشتر از همیشه بوی عید نوروز می‌دهد.

وقتی داداشم زنگ می‌زد می‌گفت هرجا هستی خودت‌رو برسون ننه‌بزرگ داره عیدی پنجاهی میده، از ایکس میلان

رویداد هفته

بازی را مهران احمدی بُرد

استقلال مقابل النصر ۳ بر صفر باخت. تنها دستاورد نماینده ایران در آسیا از این بازی، دلداری رونالدو به مهران احمدی و پیراهنی که کوجو از رونالدو گرفت بود.

اگه برای حرص خوردن تو بازی‌های استقلال پول می‌دادن، از ایکس فیک ضحا

تاریخچه مدرسه دارالفنون

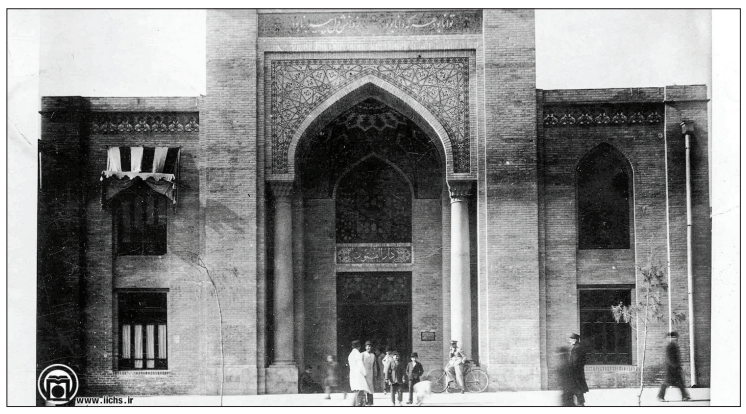

عباس عربی، تهران‌شـــناس | پس از جنگ‌های ایران و روس و شکست‌هایی که از این کشور داشتیم، مهمترین سوالی که ذهن برخی دولتمردان آن زمان را مشغول کرده بود، این بود که چرا شکست خوردیم و راه درمان چیســت. بدین ترتیب مواجهه ایران با مدرنیته و لزوم آشنایی با مظاهر جدید تمدنی یکی از اهداف رجالی همچون عباس میــرزا بود. عباس میرزا و کسانی که در کنار او بودند، نقش بارز و ویژه‌ای در جهت نوســازی نهادهای کشور داشــتند؛ اعزام محصلین به فرنگ برای آشنایی با علم و دانش جدید از جمله اقدامات عباس میرزا و همفکران او بود. در اوایل دوران ناصری همچنان لزوم جبران عقب‌ماندگی‌ها و نوسازی همه‌جانبه کشور در اذهان اولیای امور احساس می‌شد، در چنین فضایی بود که فردی همچون میرزا تقی‌خان امیر کبیر اصلاحات خود را آغاز کرد. وی که پیش از دوران صدراعظمی به روسیه مسافرت کرده و با مدارس جدید این کشور آشنا شده بود، از این جهت می‌خواست تا با اقتباس از این مدارس و دارالعلم‌های فرنگی به این نیاز کشور که همانا آموزش و پرورش جدید و مدرن‌سازی کشور بود، پاسخ شایسته دهد. امیر کبیر درصدد برآمد تا مدرسه جدیدی که ایجاد می‌کند بیشتر متکی به استفاده از مدرسان و معلمان پروســی (آلمانی) و حتی اتریشی باشــد. امیر کبیر حتی محلی که برای ایجاد مدرســه جدید در نظر گرفته بود، می‌خواست در جوار کاخ گلستان و ارگ سلطنتی باشد تا به اعتقاد مرحوم دکتر ناصر تکمیل همایون، مردم بتوانند با ایــن نهاد فرهنگی جدید و البته دربار بیشتر ارتباط برقرار کنند. در ضلع شمال شرقی کاخ گلستان در جایی که سربازخانه بود، بنابر صلاحدید امیر کبیر قرار شد مدرسه جدید با عنوان دارالفنون ساخته شــود. وقتی که طرح نهایی آماده شــد، محمدتقی خان معمارباشی متصدی ساخت مدرسه دارالفنون شد. هنگامی که بنای جدید آماده شد، ورودی آن را از خیابان باب همایون در نظر گرفتند اما چند سال بعد ورودی این مدرسه به خیابان ناصریه (ناصرخسرو) منتقل شــد. دارالفنون در روز پنجم ربیع‌الاول ســال ۱۲۶۸ هجری قمری ۱۳ روز قبل از قتل امیر کبیر رسما گشایش یافت. اگرچه تلاش‌های امیر کبیر در جهت ساخت این مدرسه بسیار موثر بود و بعد از او نیز میرزا آقاخان نوری جانشین وی در آغاز چندان نظر خوشی به این مدرسه نداشت اما بیان این نکته ضروری است که شخص ناصرالدین‌شاه به مدرسه دارالفنون توجه داشت و با مرگ امیر کار وی خاتمه نیافت، چنان که در روزنامه وقایــع اتفاقیه آن زمان چنین عنوان شد: «به جهت تحصیل و تعلیم و تعلم هر فنی دارالفنون ایجاد گردید و منظور اعلیحضرتَ پادشاهی این است که اطفال این دولت علیّه بعضی علوم را که متداول نیســت فراگیرند.» در ابتدا امور نظامی و دانش پزشکی بیش از پیش در مدرسه جدید مورد توجه بود و مهندسی معدن هم رشته سومی بود که بدان اضافه شد و در مدرسه فوق تدریس می‌شد. به مرور رشته‌های تحصیلی مدرسه دارالفنون هفت تا شد که این رشته‌ها از این قرار بودند: مهندسی، داروسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و در نهایت رشته معدن‌شناسی. دروس دیگری همچون تاریخ و جغرافیا، طبیعیــات و ریاضیات و همچنین زبان‌های خارجی که بیشــتر شامل زبان فرانسوی و عربی می‌شد نیز به عنوان دروس کمکی در کنار دروس اصلی تعلیم داده می‌شــد. از جمله اولین مدرسین فرنگی که در مدرسه فوق مشغول به کار شدند می‌توان به آگوست کرشیش معلم توپخانه و دکتر پولاک جراح و طبیب اشاره کرد. ساعت کاری مدرسه نیز از هشت صبح تا سه بعد از ظهر بود و محصلین ناهار را به خرج مدرسه و در مدرســه صرف می‌کردند. به تدریج در اواخر عهد ناصری و همچنین جانشینان ناصرالدین شاه، توجهات به این مدرســه کمتر شد و از رونق آن کاسته شد. پس از گذشت ۸۰ سال از ساخت مدرسه دارالفنون و با توجه به فرســودگی ساختمان آن، در سال ۱۳۰۸ شمسی و در دوران رضاشاه وزارت معارف تصمیم گرفت ساختمان جدیدی به جای ساختمان قبلی بسازد، برای این کار معمار مشهور روسی-گرجی نیکلای مارکف در نظر گرفته شد. او نیز پس از پنج سال تلاش، ســاختمان جدیدی با الهام از معماری ایرانی طراحی کرد که طی مراسمی با حضور علی‌اصغر حکمت وزیر معارف ساختمان مدرسه جدید افتتاح شد. بدین ترتیب بنای فعلی مدرســه دارالفنون در خیابان ناصرخســرو آن چیزی نیســت که در عهد ناصری و قاجار ساخته شد.

قاب

مرتضی کلیلی

قاب مشاهیر ۱

دو صاحب‌نام سنتور و تنبک در یک قاب؛ حسین تهرانی نوازنده نامدار تمبک و موسیقیدان متولد سال ۱۲۹۰ در تهران است. پدرش میرزا اسماعیل بود که اعتبار خوبی بین کسبه و مردم داشت. میرزا اسماعیل هر از چندگاهی دوستان خود را که دستی در نوازندگی داشتند به خانه دعوت می‌کرد. این مجالس و رفت و آمدها، حسین را که طفلی خرده پا بود، با این دنیای شگفت‌انگیز آشنا کرد. در این میان حس و علاقه‌ای ویژه به ضرب‌نوازی در حسین پدید آمد. او هر سطحی را که مشاهده می‌کرد، از لبه طاقچه گرفته تا میز و کمد و وسایل مختلف؛ بی‌اختیار روی آن ضرب می‌زد. حسین شیفته ساز تنبک شده بود اما تنبک‌نوازان در آن روزها بیشتر مطربان حاشیه‌ای یک اجرا بودند و افکار عمومی دید خوبی به آن نداشت. به همین خاطر علاقه‌اش به تنبک را تا سال‌ها از پدرش مخفی می‌کرد. حسین در همان کودکی توانست پوستی تهیه کرده و روی یک گلدان سفالی بکشد. او به این شکل برای خودش یک تنبک ساخته بود. یک ساز مخفی که آن را در سرداب خانه پنهان کرده بود و دور از چشمان پدر به تمرین ضرب، آن هم بدون استاد و مشوق مشغول می‌شد. هرچند بالاخره لو رفت و پدرش با تندی با او برخورد کرد اما محدودیت‌ها نتوانست جلوی حسین را بگیرد. با آنکه از نظر مالی شرایط خوبی نداشت، به هر شکل شده تنبکی تهیه کرد و دور از چشمان پدر و در حالی که این ساز را زیر عبای خود پنهان می‌کرد به محضر اولین استاد خود حسین اسماعیل‌زاده می‌رفت. حسین یک بار به زورخانه یکی از بزرگان متمول شهر برای مرشدی دعوت شد. یکی از حاضران در آن محفل جواد بدیع‌زاده، خواننده و آهنگساز سرشناس وقت بود. بدیع‌زاده فی‌المجلس به تبحر و استعداد خارق‌العاده این جوان بی‌ادعا پی‌برد. چند شب بعد بدیع‌زاده در یک میهمانی مجلل با حضور شخصیت‌های بزرگ هنر و ادب حضور یافت. او در حضور چهره‌هایی همچون ابوالحسن صبا، ملک‌الشعرای بهار، ذکاءالملک فروغی و حبیب‌الله سماعی شروع به تعریف از جوانی کرد که در زورخانه دیده بود. این تعاریف جمع را مجاب کرد تا کسی را به دنبال حسین تهرانی بفرستند و او را به محفل بیاورند. با ورود حسین کسی او را جدی نگرفت. او جوانکی افتاده‌حال و لاغر اندام بود که کل زندگی خود را با فقر گذرانده بود. استاد صبا و استاد سماعی برای مجلس شروع به نوازندگی همزمان ویولن و سنتور کردند و حسین تهرانی ضرب این اجرا را به‌عهده گرفت. او با پنجه‌های چالاک خود بسیار دقیق و دلنشین پا به‌پای این دو به پیش رفت. به چهارمضراب که رسیدند، او همچنان بی‌اشکال می‌نواخت. حبیب سماعی از آنجا که خودش در نوازندگی تنبک هم دستی داشت، برای محک و خواباندن مچ تنبک‌نواز جوان، به اجرا در چهارمضراب سرعت بخشید. ریتم بسیار تند شده بود ولی حسین تهرانی به خوبی از عهده همراهی آنها، آن هم بدون حتی یک مشکل بر آمد. در پایان همه از این استعداد نو ظهور غرق در شگفتی شدند. در این تصویر حسین ملک نیز در کنار حسین تهرانی دیده می‌شود. حسین ملک نوازنده سنتور بود. او بابت تغییرات ماندگاری که در ساز سنتور ایجاد کرد مشهور است.

قاب نوستالژی

کارکنان هواپیمایی ملی ایران - دهه ۵۰؛ کمی درباره این شرکت بخوانید: ایران ایر یا هُما (هواپیمایی ملی ایران) از جمله مهم‌ترین شرکت‌های هواپیمایی ایران است. ۵ اسفند سال ۱۳۴۰، دو شرکت ایرانیان ایرویز و پرشن ایرسرویس در یکدیگر ادغام شدند و شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما) با نام بین‌المللی ایران ایر (Iran Air) تأسیس شد. ۱۶ مهر ۱۳۵۱، هما قرارداد خرید ۳ فروند هواپیمای مافوق صوت کنکورد را با کنسرسیوم بریتانیایی-فرانسوی آن به امضا رساند. به این ترتیب هما اولین سفارش‌دهنده قطعی هواپیمای کنکورد در جهان شد و در صف مقدم پروازهای مسافربری مافوق صوت در جهان قرار گرفت.

قاب تاریخ

شاگرد کمتر شناخته شده کمال‌الملک؛ محمدناصر صفا، ملقب به ظهیرالسلطان (زاده: ۱۲۵۷ در تهران، درگذشت: ۱۳۳۸ در کرمان) از نقاشان توانمند ایرانی در اواخر عهد قاجاریه تا اواسط عهد پهلوی بود. او فرزند ارشد علی‌خان ظهیرالدوله، ایشیک آقاسی یا وزیر تشریفات دربار ناصرالدین شاه قاجار و همینطور داماد او بود. محمدناصر که از بهترین شاگردان کمال‌الملک محسوب می‌شد، مقیم شهر کرمان بود و در همین شهر در فقر و تنهایی درگذشت و به خاک سپرده شد.

قاب مشاهیر ۲

سالی که استقلالی‌ها به حرمت پروین بازی را شل گرفتند؛ پانزدهم اسفند ۱۳۷۰ روزی که استقلال تا دقیقه ۱۵ با دو گل از پرسپولیس جلو افتاده بود و درنهایت هم بازی را ۲ بر صفر برد اما برخی از بازیکنان آن زمان استقلال مدعی‌اند شاهرخ بیانی و مهدی فنونی‌زاده پس از اینکه تیم به گل دوم رسید، به آبی‌پوشان تاکید کردند به حرمت علی پروین کار را شل بگیرند! شاهین بیانی کاپیتان استقلال در آن مسابقه بود. خبر ورزشی به بهانه سالگرد این دیدار با او به گفت‌وگو نشست که بخش کوتاهی از این گفت‌وگو را برگزیده‌ایم که در پی می‌خوانید: می‌خواهیم برویم به ۳۳ سال قبل، همان دربی معروفی که استقلال با دو گل پرسپولیس را در پانزدهم اسفند سال ۱۳۷۰ شکست داد ولی بعدا بحث‌هایی مطرح شد مبنی بر اینکه علی پروین به چند بازیکن استقلال پیغام داده بود تا مراعات پرسپولیس را بکنند. شما بازیکن فیکس استقلال در آن مسابقه بودید. می‌خواهیم ماجرا را از زبان خودتان بشنویم: «ببینید، سال‌ها بعد مرتضی فنونی‌زاده با صراحت این نکته را در تلویزیون گفت که آقای پروین به شاهرخ و مهدی فنونی‌زاده این پیام را داده بود. من در جریان بازی متوجه این اتفاق نشدم ولی اگر قضیه را می‌فهمیدم، همان زمان به منصورخان پورحیدری می‌گفتم شاهرخ و مهدی را تعویض کند چون داستان دربی با همه مسابقات دیگر متفاوت است. احترام علی پروین به عنوان بزرگتر ما و سرمربی وقت تیم ملی همیشه به جا بوده و هست اما قضیه بازی استقلال-پرسپولیس همیشه فرق می‌کند. همان‌طور که گفتم، شاهرخ بیانی و مهدی فنونی‌زاده در جریان این ماجرا بودند تا به پرسپولیس کمتر گل بزنیم و من اگر قضیه را می‌فهمیدم، حتما از سرمربی فقید استقلال می‌خواستم تا هر دو نفر را بیرون بیاورد چون به نظرم این کار کم‌لطفی در حق هواداران استقلال بود. ما تا دقیقه ۱۵ با دو گل از پرسپولیس جلو بودیم و می‌توانستیم نتیجه بهتری هم بگیریم ولی اتفاقاتی افتاد که...» آیا بعد از این که قضیه را فهمیدید، از برادرتان گلایه نکردید؟ «در آن زمان دیگر گفتنش معنایی نداشت چون چیزی را عوض نمی‌کرد. به هر حال بازی تمام شده بود و ما ۲ بر صفر دربی را بردیم اما شاید شرایط به گونه دیگری رقم می‌خورد.»

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

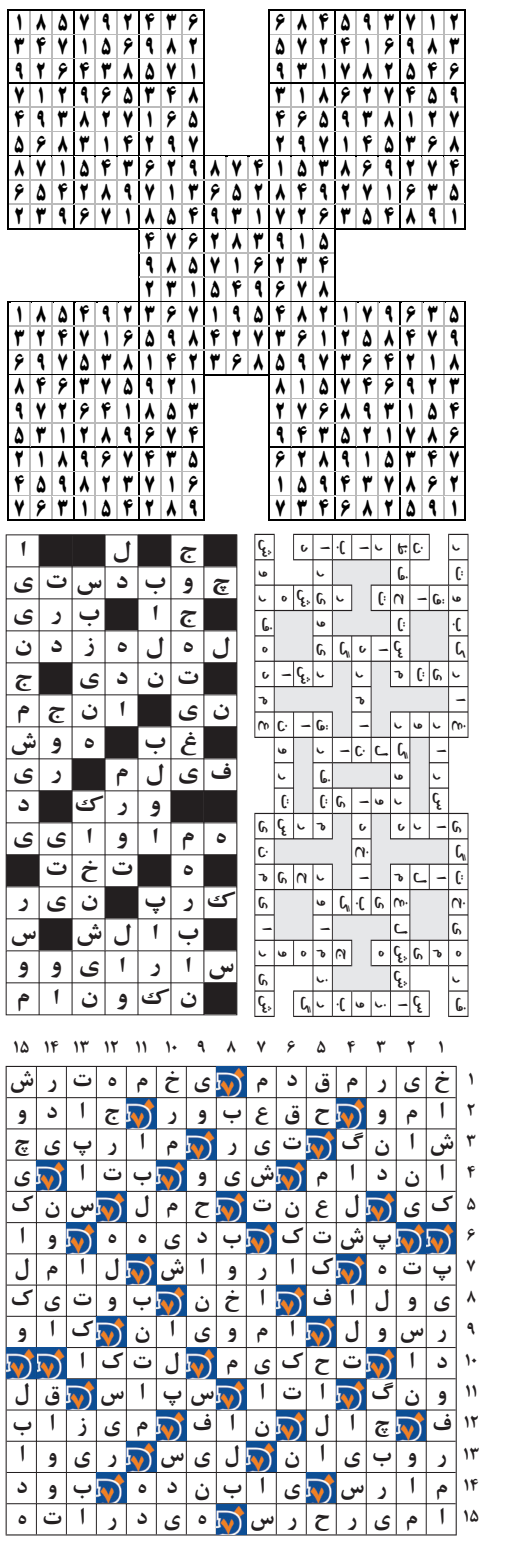

لغت‌پایی

توضیح

کلماتی که بر اســاس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: اسمر، رمیم، شافی، کلنگ، کیست، لولو، ناتو، یدید

۵ حرفی: اتکال، اشکاف، آموزش، بی تاب، رگبرگ، روبات، سیمیا، قابلی، مراتب، مساعی، مستدل، وردست، هیاهو، رویایی، گریز پا، موسیقی، نگاشتن، مروست

۶ حرفی: تحویلدار، رضوانشهر، کمک‌رسانی، ونوس خفته

۷ حرفی: امیرحرس، شادمانه

۸ حرفی: تحویلدار

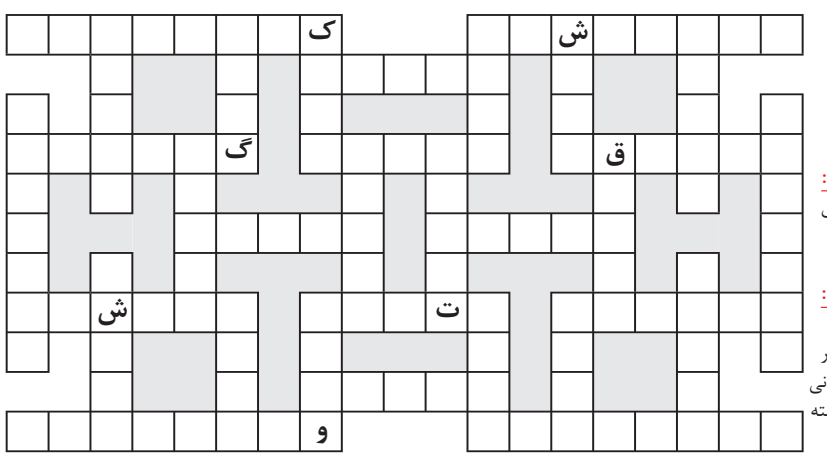

جدول کلمات متقاطع

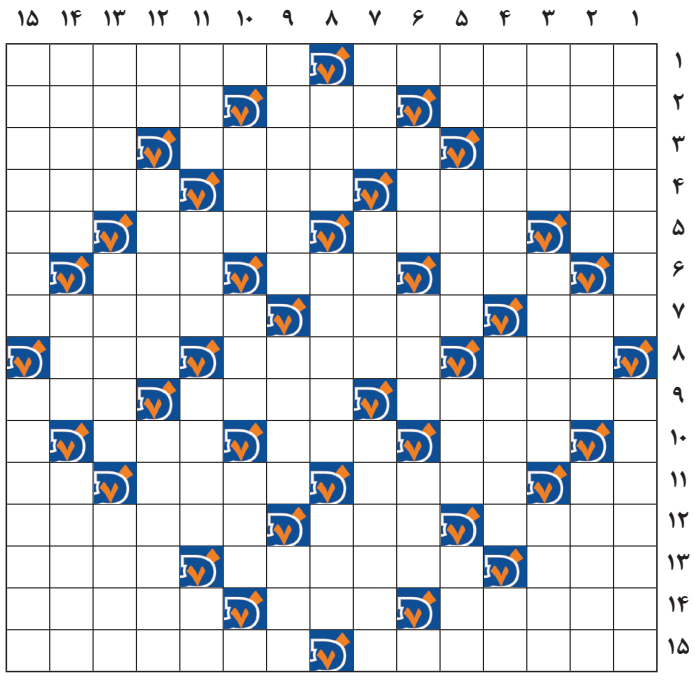

افقی

۱- ایالتی در آمریکا- اسکیت روی یخ
۲- ســوره قلب قرآن کریم- کله - آفات و صدمات
۳- جمع متن- بیمــاری التهاب مثانه- به‌خاکسپاری
۴- از ژنرال‌های ناپلئون- امر از تازیدن- پایتخت جمهوری چک
۵- کشنده بی‌صدا- جهانگرد و توریست- فقیر و بی‌چیز- عدد ورزشی
۶- گرســنه نیست- وســیله نخریسی- کمیاب
۷- ماست چکیده- آتشدان- دریای کوچک
۸- جانشــین دکمه- صاحب اثر چرند و پرند- زود نیست
۹- نوعــی آش- رشــوه دهنــده- برش هندوانه
۱۰- دانه‌کش بــی‌آزار- بزرگی- دومین مهره گردن
۱۱- مقابل زیر- ســوراخ شدن لاستیک چرخ- نوعی کلاه- از مهره‌های شطرنج
۱۲- رنگ سرخ- خرده سنگ- نوعی پیچ گوشتی
۱۳- فرومایه- کیمیاگر- آواز دهنده
۱۴- تباه شدن- خویشاوندی- کارکنان یک ارگان
۱۵- از غده‌های بدن- از شهرهای یونان

عمودی

۱- کامل ذبح نشده - کشوری که دارای توانایی لازم برای اثرگذاری در هر نقطه از جهان باشد
۲- ابزار پلیس- وزیدن- مقابل خروجی
۳- بدنام- نوعی چسب نجاری- جای روشنایی
۴- اصلــی در علــم فیزیک- از وســایل آشپزخانه- شمای بیگانه
۵- میــزان عمر - دلیر- صــدای ناله در گلو- آینده
۶- ستاره کوچکی در دب اکبر- پشیمانی- دوچرخه دارد
۷- جواب مثبت- کاســه چشم- ایالتی در آمریکا
۸- از افعال ربطی- اسراف کار- تخت
۹- آلتی لاستیکی که آنرا به‌دهان بچه شیر خواره گذارند- چیزی را به کسی سپردن- طوفان آن در تاریخ ایران معروف شد
۱۰- از استان‌ها- کوره آجرپزی- نوعی ساعت
۱۱- فــلات آســیایی- بدکارترین- قوه حافظه- معبر رودخانه
۱۲- پهلوان- از خودروهای شرکت سایپا- کنایه از گناهکار
۱۳- کمیاب- چشایی- زنجبیل شامی
۱۴- فرستادن- از کلمات پرسشی- گیاه
۱۵- نوعی عملیات تردســتی- از وسایل بازی در پارک‌های بزرگ

جدول شرح در متن

سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
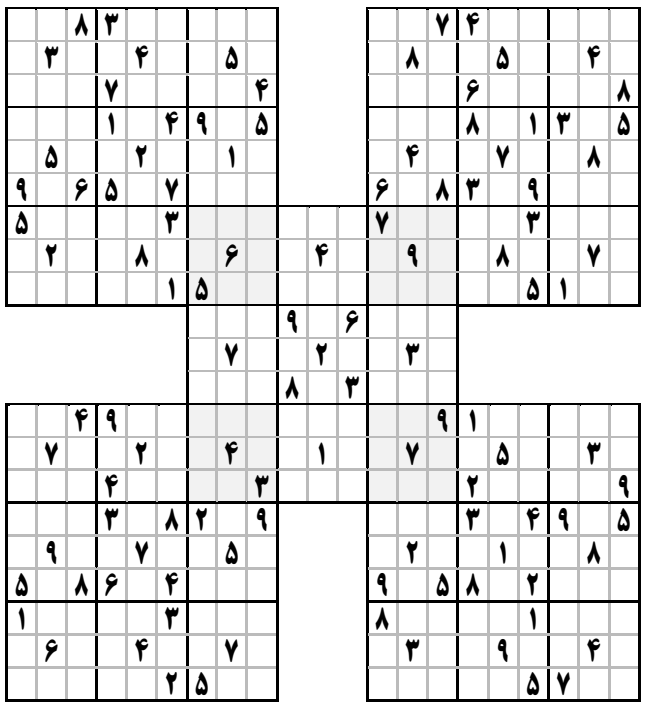
قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.